



شماره ۱۱۳ سال ۱۳۶۸

پاکستان

## یادداشت ماه

هر پنج سال یکبار با تشکیل انجمن شور روحانی جهانی شور و خروشی بی‌مانند در عتبه بهائی افکنده می‌شود. نمایندگان میلیون‌ها بهائیان جهان به مرکز جهانی رو می‌آورند تا اعضای عالیترین مرجع امر یعنی بیت عدل اعظم را انتخاب نمایند و با یکدیگر به شور بنشینند. در میان آنان کسانی هستند که برای بار چندم در چنین مجمعی شرکت می‌جویند و کسانی نیز هستند که از عمر روحانی ایشان چند صباحی بیش نمی‌گذرد. نمایندگان کشورهای صنعتی و پیشرفته را با عزیزانی از فقیرترین کشورهای جهان همدوش و همراه می‌یابیم. فرهنگها و زبانها و لباسها مختلف است اما آتشی که قلبها را روشن می‌دارد و افراد را در آغوش یکدیگر ذوب می‌کند یکی است و آن آتش عشق حضرت بهاء‌الله و امر اعظم الهی است. همه یک فکر و یک هدف دارند و بر زبانها جز یک حرف نمی‌رود و آن اینکه چگونه می‌توان بهتر و زودتر این پیام را بگوش بهائیان رساند.

چنین اجتماعی که تا حالا هشت بار صورت پذیرفته هر بار شاهد تحولات و دگرگونی‌های شگرفی چه در جهان خارج و چه در عالم امر بوده است. اما مشاورات و گفتگوها همواره بر یک محور دور می‌زده و آن شیوه، توفیق در تبلیغ امر در این جهان پر تحول و سرپا ضربات و جنبش است.

صرفنظر از همه گفتگوها و مشاوراتی که امسال در آن اجتماع بزرگ صورت پذیرفت باید قبول کرد که سرانجام ما یک یک بهائیان عالم هستیم که باید هر یک برخیزیم و با توجه به ویژگیهای فرهنگی محیط خود و نیازهای جامعه همه استعدادها و امکانات خویش را در راه مبارک بگیریم تا تبلیغ دسته جمعی سرعت و شتاب بیشتری بگیرد و اهداف نقشه چهارم یکایک برآورده گردد.

## فهرست مندرجات

بیت عدل اعظم / ۲۴	از آثار مقدسه / ۳
شمیمی از کوی دوست / ۲۷	نگاهی به پیام رضوان
پیام یاران ایران به کانونشن جهانی / ۳۰	بیت عدل اعظم / ۵
طبقات کوه کرمل (شعر) / ۴۰	تحلیلی از مفهوم باییت در آثار
سالی بیاد ماندنی، ۱۹۷۲ / ۴۱	حضرت اعلی / ۹
گذری تند بر تاریخ حيفا / ۴۳	سؤال و جواب / ۱۳
کنگره اتحاد نژادی (۲) / ۴۷	ویژه‌نامه، انجمن شور روحانی جهانی
نامه‌های خوانندگان / ۵۷	بیانید تا به کوه خداوند برائیم / ۲۰
اخبار و بشارات جهان بهائی / ۶۰	اختیارات و مسئولیت‌های

روی جلد: مقر بیت عدل اعظم الهی (دارالتشریح).  
پشت جلد: نمایندگان محفل روحانی ملی پاپوا نیو گینی هنگام دادن رأی در کانونشن جهانی.

خطابی مهین از حضرت مولی الوری اهل عالم  
« صوت سلام عام »

این سخن چهل ساله بعد از آزادی مدت ۳ سال یعنی از سنه ۱۹۱۰ تا سنه ۱۹۱۳ در سیم اروپا و قاره وسیع پرکار  
سیر و سفر نمود و با وجود ضعف و ناتوانی شدید در جمع شهرها در محافل عظمی و کنائس کبری نعره زدن نطق های مفضل کرد و  
که در الواح و تعلیم بجهت آتیه در مساله جنگ و صلح بود انتشار داد حضرت به آتیه تقریباً پنجاه سال پیش تعلیمی نشانی  
فرمود و آنست که صلح عمومی بلند کرد و در جمع الواح و رسائل به صریح عبارت از این وقایع حالیه خبر داد که عالم بشنا  
در خطری عظیم هست در استقبال حرب عمومی مستوم الوقوع زیرا مواد متنبه در خزان جنبیت اروپا به شراره ای  
منفجر خواهد گشت از جمله بالکان و لکان خواهد گردید و خریطه اروپا تغییر خواهد یافت لکن عالم انسانی را دعوت  
به صلح عمومی نموده و الواحی به ملوک و سلاطین نگاشت و در آن الواح مضرات شدید جنگ بیان فرمود و فوائد  
و منافع صلح عمومی آشکار کرد که حرب با دم بنیان انسانی است و انسان بنیان الهی، صلح حیات مجسم است  
و حرب همت مضمور صلح روح الهی است جنگ نقضات شیطانی

... باری من در جمع مجامع مشیر و زودم که ای عقلای عالم و ای فلاسفه غرب ای دانایان روی زمین  
ابر تاریکی در پی که افق انسانی را احاطه نماید و طوفان شدیدی در عقب که کشتی های حیات بشر را در هم شکند  
و میل شدیدی محقرت ندن دیار اروپا را احاطه کند پس بیدار شوید بیدار شوید هشیار گردید پیشار گردید تا جمع به نها  
سخت بر خیزیم و به عون و عنایت الهیه علم وحدت عالم انسانی بر نه ایم و صلح عمومی ترویج کنیم تا عالم انسانی  
از این خطر عظیم نجات دهیم در امریکه و اروپا نفوس مقدسی ملاقات شد که در تفسیر صلح عمومی همدم و همسر  
بودند و در عقیده وحدت عالم انسانی متفق و هم آواز ولی نفوس که قلیل بودند و اعظم رجال را لکان چنان بود که تجزیه  
جوشش و تریزید قوای عربیه بعبب حفظ صلح و سلام است و صراحتاً بیان شد که نه چنین است این جهوش حبه لاله در

به میدان آید و این مواد مهتبه لابد منفجر گردد و انفجار منوط به شراره ای است که بعتقه شعله به آفاق زند ولی از عدم  
 اتساع افکار و کوری ابصار این بیان اذعان نمیشد تا اینکه بعتقه شراره ای بالکان را اولکان نمود در بدایت حرب  
 بالکان نفوس همه سوال نمودند که آیا این حرب بالکان حرب عمومی است در جواب ذکر شد که منتی به حرب عمومی  
 گردد باری مقصود نیست که تقریباً پنجاه سال پیش حضرت بهاء الله تحذیر از این خطر عظیم فرمود هر چند حضرت  
 جنگ پیش دانایان واضح و آشکار بود ولی حال نرد عموم واضح و معین گشت که حرب آفت عالم انسانی است  
 و دوم بنیان الهی و سبب موت ابدی مخرب مدائن معموره و آتش جهانگیر و مصیبت کبری ...

ای دول عالم رحمی بر عالم انسانی ای ملل عالم عطف نظری بر میداین حرب . ای دانایان بشه  
 از حال مظلومان تقدی . ای فلاسفه غرب در این بیست و هفتی . ای سروران جهان در دفع این هفت  
 تفکری . ای نوع انسان در منع این درندگی تدبیری حال وقت است که علم صلح عمومی بر سر آید و این سیل  
 عظیم را که آفت کبری است مقاومت نماید ...

ای خداوند به فریاد بیچارگان برس . ای پاک یزدان بر این اطفال یتیم رحم فرما . ای خداوند  
 بی نیاز این سیل شدید را قطع کن ای خالق جهانیان این آتش فروخته را خاموش کن ای دادرس به فریاد یتیم  
 برس . ای داور حقیقی مادران بگریه را تسلی ده ای رحمن چشم گریان دل سوزان پدران رحم نما  
 این طوفان را ساکن کن و این جنگ جهانگیر را به صلح و آشتی تبدیل فرما تویی مقتدر و توانا و تویی بیست و ستمو

عبدالبهاج عباس

معانی لغات دشوار

سلام - صلح ، مومن - مجوس ، غلجی کبری - بزرگ ، کناس - کینه ؛ ( مرکز عبادت یهود ) ، استقبال - آینه ، حرب  
 جنگ ، مهتبه - پرورش ، اولکان - کوه آتش نشان ، خریطه نقشه ، هادم - ویران کننده ، نقاشات - نقش و ده ، لندن - شهر  
 عون - یاری ، اعظم - بزرگترین ، جیوش - لشکر ، جراره - انبوه و فراوان ، تمزید - افزون ، عدم شن - تسکین  
 ابصار چشم ، بدایت - آغاز ، تحذیر - بر ضد داشتن ، معموره - آباد ، تدبیری - چاره اندیشی .

پیامدهای  
 شورنگی  
 آغازین  
 به تحوی  
 ۱- در دو  
 اقطار جه  
 که مؤس  
 تنظیه و  
 ۲- به  
 محفل رو  
 ۳- ی  
 امر رح  
 دخول  
 پدید  
 بی  
 اجری  
 خشود  
 محض  
 می کن  
 بین  
 تجلی

پیام رضوان ۱۵۵ بیت العدل اعظم الهی چون پیام‌های گذشته، آن مقام رفیع، مهیمن و شورانگیز و پُرعمق و هدایت‌بخش است. در آغاز این پیام گرامی معهد اعلیٰ بشارت وقوع سه تحوّل مهمّ را در جامعه بهائی می‌دهند:

۱- در دو سال اخیر دهها هزار تن از بهائیان در اقطار جهان اقلّاً از يك دوره، درسی از دوره‌هایی که مؤسّسات (انستیتوهای) پرورش منابع انسانی تنظیم و عرضه می‌کنند، بهره برده‌اند.

۲- بهبود آشکاری در شرائط تشکیل و تجدید محافل روحانی محلی پدیدار شده است.

۳- یاران با اعتماد و اطمینان بیشتری به تبلیغ امر رحمن پرداخته‌اند و امکانات فزونی برای دخول افواج مؤمنین در ظلّ شریعت ربّ العالمین پدید آمده است.

بیت العدل اعظم الهی از سرعت شگفت اجرای نقشه‌های ساختمانی جبل کرمل اظهار خشنودی می‌فرمایند و بشارت تشکیل چهار محفل روحانی ملی را در ماه مه سال جاری تکرار می‌کنند و از خدمات ایادی امرالله، دارالتبلیغ بین‌المللی و مشاورین قاره‌ای و معاونان ایشان تجلیل می‌نمایند. مشاهده قدرت متزاید محافل

روحانی ملی نوید پیروزی‌های درخشان‌تری را در آینده نزدیک می‌دهد.

در پاراگراف‌های ۴-۹ این پیام، بیت العدل اعظم به توصیف اجمالی اوضاع کنونی جهان و وقوع دو جریان یا روند نظم و اغتشاش، پیوستگی و گسستگی می‌پردازند. علی‌رغم آشفتگی اوضاع، حرکتی اجتناب‌ناپذیر به سوی وحدت و صلح جهانی از نظر اهل عالم پوشیده نمانده است.

این دو جریان متضادّ جلوه‌ای از دو نقشه، الهی است که در آثار حضرت ولی امرالله بدان اشارت رفته؛ از يك سو نقشه، اکبر که تحقق آن همراه با اضطرابات و مصائب بسیار بوده و خواهد بود معذک عالمیان را به سوی یگانگی و بلوغ هدایت خواهد نمود، و از سوی دیگر نقشه، اصغر که احباء مأمور اجرای آن هستند و هدف نهائی آن استقرار صلح اعظم است و نقشه، چهار ساله مرحله‌ای از مراحل کاربست آن است که ما احباء می‌باید همه، قوای خود را صرف تحقق بخشیدن آن کنیم.

بیت العدل اعظم پس از ذکر علائم حرکت عالم به سوی صلح اصغر، از تمایل به روحانیت و

عطش روحانی که بیش از پیش در نزد مردم جهان مشاهده می‌شود یاد می‌کنند و فرصتهای نوینی را که برای ارائه پیام حضرت بهاء‌الله به کسانی که در طلب روحانیت تازه‌ای هستند بوجود آمده متذکر می‌شوند و به ضرورت پیشرفت در مسیر هدایت افواج نفوس اشاره می‌کنند.

ثبات ایمان، دعا و مناجات، الهامات روحانی و طلب تأییدات الهی را از جمله شرائط موقفیت اقدامات احیاء می‌دانند اما برای نیل به اقبال افواج مقبلین یک شرط اساسی دیگر را از یاد نباید برد:

کاربرد روش‌های واقع‌نگر یعنی اقدامات منظم و سیستماتیک. بدون اقدامات منظم و سیستماتیک همراه با روشن‌بینی و کارآمدی و استقامت و پایداری و تعادل و توازن در عمل، حصول مقصود مقدور نیست.

به منظور پیشرفت منظم جامعه از جمله وظائف مؤسسات بهائی پرورش منابع انسانی است تا افراد بهائی قدیم و جدید بتوانند دانش و قابلیت‌های لازم را برای تأمین رشد، توسعه، تقویت و تحکیم جامعه بدست آورند. به جهت حصول این مقصود است که انستیتوهای تربیت نیروی انسانی بوجود آمده تا بتوانند عده کثیری از افراد را برای تبلیغ امرالله و اداره مؤسسات بهائی پرورش دهند.

هرجا که در طی نقشه چهار ساله اقدامات به صورت منظم و متداوم صورت گرفته موقفیت مورد نظر بدست آمده، هرچند تشکیلات بهائی به ضرورت اقدامات سیستماتیک توجه حاصل نموده‌اند ولی تحقق همین نظم و تداوم در مساعی فردی نیز ضرورت دارد. پاراگراف سیزدهم پیام بر اهمیت مشارکت فردی اعضای جامعه در

خدمات تأکید می‌کند: از جمله وظائف افراد تبلیغ امرالله است که اکتیل اعمال و اهم مساعی محسوب می‌گردد و هر فرد بهائی در این مورد در مقابل حضرت بهاء‌الله مسئول است.

آثار بهائی از تذکار در مورد نقش استثنائی فرد بهائی در پیشرفت امر الهی مشحون است.

پاراگراف ۱۵ یادآور می‌شود که همه اهل بهاء در یک روند و جریان وسیع تاریخی بی‌سابقه ملتزم و متعهد هستند. در گذشته ایام جامعه بهائی توانسته که در همه آفاق عالم گسترش یابد و نمایندگان همه فرهنگها و ملتها را در بر گیرد.

هیچ گروه انسانی دارای نظام جهان‌شمولی نظیر آنچه جامعه بهائی بوجود آورده نبوده و نیست. این موقفیت ممتاز مسئولیت ما را در قبال همه کسانی که تاکنون ندای الهی را نشنیده‌اند به یاد ما می‌آورد. زمان بی‌وقفه حرکت می‌کند و بر ما است که بی‌درنگ به ایفای وظائف اصلیه خود قیام کنیم.

در عرض دو سال نقشه چهار ساله به پایان می‌رسد و اهل بهاء در برابر میعاد خاصی با سرنوشت خود قرار خواهند گرفت. برای اینکه بتوانیم نقشی را که در این قرن بی‌مانند بر عهده ما نهاده شده ایفا کنیم تنها پاسخ ما عمل ما خواهد بود.

\*

آنچه مذکور آمد نه ترجمه کامل پیام ساحت رفیع است و نه خلاصه دقیق مطالب بسیار عمیق آن بلکه تنها نگاهی است تند، گذرا و سطحی به آنچه معهد اعلی در این پیام از همه ما انتظار دارد. ترجمه کامل پیام رضوان را بزودی خوانندگان عزیز در صفحات این مجله ملاحظه خواهند فرمود.

# دین بهائی دین سرور و شادی است

## افرح بسرور قلبك

سنت‌های دیرین ایرانی وجود دارد یکی هم این است که شیعیان بر روی عزا داری و مرثیه‌سرایی و گریه و نوحه بسیار تأکید می‌کنند در حالیکه مردم ایران به طبع و بنا به شیوه، قدیم زندگی فردی و جمعی خود به شادی و نشاط میل و گرایش خاصی دارند. اهمیت گریه و زاری از منظر شیعه به حدی است که گاه برای هر قطره اشك که در پای روضه نثار شود اجر بهشت قائل شده‌اند و در مجالس روضه‌خوانی قدیم نفسی مأموریت داشت که به مردم كمك کند تا در مصائب ائمه اطهار اشك بریزند و چنین شخصی عنوان معاون البكاء داشت. در روانشناسی عامه این عبارت بر سر زبان‌ها بود که "گریه بر هر درد بی‌درمان دواست" و به راستی هم زندگی بر بسیاری از طبقات مردم چنان سخت و شاق بود که افراد حساس جز گریه چاره‌ای نداشتند و هرچند که به ظاهر برای امام سینه می‌زدند و نوحه می‌کردند اما سوز دل خودشان بود که از این طریق سر باز می‌کرد و برون می‌ریخت.

فرهنگ ایران باستان بسیار به جشن و سرور متمایل است هنوز بسیاری از این جشن‌ها در ایران پاس داشته می‌شود که بهترین نمونه‌اش نوروز است. امر بهائی نیز که از ایران‌زمین برخاسته هرچند جنبه و جلوه‌ای جهانی دارد اما این خصوصیت ایرانی را که فرح و شادمانی باشد

دین در هر جامعه، گرچه جدا از فرهنگ مورد مطالعه و بحث قرار می‌گیرد، اما این دو چنان در یکدیگر در آمیخته، بر یکدیگر و از یکدیگر مؤثر و متأثرند که گاه تفکیک یکی از دیگری، اگر نه غیر ممکن، بسیار پیچیده و دشوار است.

تفاوت‌های فرهنگی در جوامع مختلف از همین آمیختگی نشأت می‌گیرد چنانکه فی‌المثل آئین مسیحی در اروپا از فرهنگ دوران ماقبل مسیحیت اثر پذیرفته و در آفریقا یا آمریکای لاتین با سنن و مراسم ادیان عتیق این سرزمین‌ها در هم آمیخته و رنگ دیگر گرفته به نحوی که آنچه در مراسم کلیسایی اروپا جاری است با همین مراسم در معابد مسیحی در آفریقا یا آمریکای لاتین تفاوت فاحش دارد.

در وطن ما ایران نیز این پدیده به وضوح دیده می‌شود. شریعت مقدس اسلام بعد از آنکه در ایران جاری شد، بر اثر تماس و اختلاط با آئین قدیم ایرانیان و سنت‌های دیرین آنان، صورتی متفاوت از دین اسلام در سرزمین‌های دیگر یافت و دگرگونی‌های فرهنگی را پایه نهاد و به مرور قرون این تفاوت‌ها وضوح بیشتر یافت.\*

از جمله تفاوت‌هایی که میان آئین شیعه به نحوی که در ایران‌زمین معمول و مجری شده و

\* برای آگاهی بیشتر ر. ک. به مقاله، دکتر فریدون وهمن: «حضور ایران در اسلام»، خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر شماره ۸، ۱۹۹۷.

شده‌اند و به فرموده حضرت عبدالبهاء «مبغوض‌ترین اخلاق عیب‌جوئی است باید تحرّی مدائح نفوس نمود نه تجسس عیوب نفوس. به قدر امکان باید از عیوب چشم پوشید و از کمال نفوس بحث کنید نه از نقائص آنها.»

به همین جهت تشویق و تحبیب در جامعه بهائی ارج خاصی دارد. احبّاء باید مشوق هم‌دیگر باشند چون تشویق اراده، بهتر شدن را در مخاطب تقویت می‌کند و در او نیروی بهبود می‌آفریند. از خاطر دیگران آزرده شدن چه نتیجه‌ای بر می‌خیزد؟ حضرت عبدالبهاء زنهار داده‌اند که خاطر نفسی را نیازاریم ولو بد خواه و بد کردار باشد از این صریح‌تر چگونه می‌توان سخن گفت. «هر نفسی که سبب حزن جانی و نومیدی دلی گردد اگر در طبقات زمین مأوی جوید بهتر از آن است که بر روی زمین سیر و حرکت نماید.» در مقابل، کسی که سبب شادی دیگری شود اجری بزرگ دارد به فرموده مبارک «موهبتی اعظم از آن نیست که انسان سبب سرور قلوب گردد.»

در بدایع الآثار دستور اکید فرموده‌اند که «همیشه بکوشید که نفوس را سرور نمائید و قلوب را شادمان کنید.» در سفرنامه امریکا از حضرتش چنین آمده است: «تو باید همیشه سرور باشی و با اهل انبساط و سرور محشور...» به رعایت همین دستور مجالس احبّاء همیشه سرورآمیز و نشاط‌انگیز است و گاه افراد بیگانه تعجب می‌کنند که شیفتگان جمال محبوب می‌نژده مستی می‌کنند و لب به مسکر آلوده نکرده شکر می‌فشانند و طنز و مزاح ارزانی می‌دارند.

البته زندگی به انواع ابتلائات و امتحانات مقرون است اما فرد بهائی صفای ضمیر خود را در برابر آنها حفظ می‌کند. بلا را عطا می‌بیند و رنج را مفتاح گنج تلقی می‌کند.

بقیه در ص ۵۲

حفظ کرده است. جمال مبارک از جمله صفاتی را که دوست می‌داشتند و پسند می‌فرمودند روی خوش و لب خندان بود. در کلمات مکتوبه، حضرتش عبارتی به این مضمون آمده که به شادی قلب خود سرور باش تا شایسته دیدار ما باشی و آینه جمال ما گردی. حضرت عبدالبهاء در دشوارترین شرائط زندان عثمانی در قلعه عکا حکایات شیرین نقل می‌فرمودند و دوستان را هم به ذکر روایات خوش و دلپذیر و خنده‌آور تشویق مینمودند. در امر بهائی تقریباً بیش از همه ادیان سابقه ایام جشن هست و از ایام تسعه، اکثریت کامل با ایام سرور است. ضیافت نوزده روزه که در زبان فارسی مفهوم مهمانی ماهانه می‌دهد در زبان‌های دیگر به Feast یا جشن ترجمه شده که روح ضیافت را که باید شوق و وجد روحانی و التذاد از مصاحبت دوستان ایمانی باشد نشان می‌دهد.

اهمیت جشن در نگاه بهائی تا بدانجاست که حضرت عبدالبهاء ضمن بیانات خود می‌فرمایند باید از مردم ایران آموخت که در گذشته چگونه نوروز را جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند و چه آداب و رسوم زیبایی را مرعی می‌داشتند.

از منظر بهائی سرور و شادی به سلامت آدمی کمک می‌کند، گواه رضا به قضای الهی است و از این‌رو بر اندوه و حزن رجحان آشکار دارد، سبب تعادل روحی انسان است، در حالیکه از افسردگی و پژمردگی بسیار زیان پیدا و نهان بر می‌خیزد به معیار بهائی معاشرت با مردم باید با خلق خوش و روح و ریحان توأم باشد. بهائی از مهمانی با فرح و انبساط استقبال می‌کند و مهمان‌دوست و مهمان‌نواز است. فرد بهائی به فرموده حضرت مولی‌الوری باید همیشه خوش‌خبر باشد «اخبار خوش را همیشه زود منتشر نمائید و سبب سرور و انتباه قلوب گردید.» بهائیان از عیب‌جوئی و بدگوئی دیگران ممنوع



## دکتر نادر سعیدی

دنباله از شماره پیش      قصد ما آن بود که این مقاله در شماره کنونی به پایان برسد ولی بخاطر تراکم مطالب مجبور شدیم بقیه آن را در شماره بعد بیاوریم. از نویسنده ارجمند این مقاله و خوانندگان گرامی عذر می‌خواهیم. پیام بهائی

آن امر و ذکر خلقت صورت پذیرفت. آن کلمه یا امر خدا همان مقام مظاهر مقدسه الهیه است. این امر الهی علت خلق کائنات می‌شود (به همین جهت است که حضرت ولی عزیز امرالله در ترجمه، کلمه امرالله از واژه Cause of God استفاده فرموده و در ترجمه خویش تفسیری عرفانی هم عنایت فرموده‌اند).

اما مهم‌تر از آنچه که در بالا بیان گردید این واقعیت است که آثار حضرت اعلیٰ مخصوصاً آثار اولیه، ایشان اصطلاحات شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی را به کار می‌گیرد و از زبان شیخیه برای بیان حقایق امر بدیع استفاده می‌فرماید چرا که شیخیه برای ظهور مبارک تربیت گردیده و کثیری از مؤمنان اولیه، ایشان از جرگه شیخیه بودند. آنچه که مهم است و باید به آن توجه کرد این است که در آثار شیخ احمد احسائی مفهوم ذکر دقیقاً به همین مفهوم "کلمة الله" که علت خلقت است به کار برده شده است. به عنوان مثال در شاهکار فلسفی و عرفانی

حال که به اهمیت عنوان ذکر برای تعریف حضرت باب در قیوم الاسماء پی بردیم لازم است به بررسی معنای و مفهوم این واژه عمیق عرفانی بپردازیم. توضیح آنکه مفهوم ذکر در اساس خویش به معنای مشیت اولیه و حقیقت عالم امر است. بدین ترتیب اطلاق ذکر از همان ابتداء بر حضرت اعلیٰ بیانگر صریح این واقعیت است که همه آثار اولیه، حضرت اعلیٰ بر قیام مظهریت و قائمیت ایشان تصریح می‌فرمایند. از این واضح‌تر و آشکارتر چه می‌خواهیم! ذکر همان ذکر الهی است. ذکر الهی کلمه حق است که آن را بیان می‌فرماید. یعنی ذکر خدا به معنای کلمه خدا است. این کلمة الله همان عالم امر یا عقل اول یا مشیت اولیه است که واسطه میان حق و خلق بوده و خلقت عالم به توسط او صورت پذیرفته است. بنا به آیه قرآن- و قبل از آن به استناد انجیل که از کلمه خدا سخن گفت- خداوند برای خلقت عالم کلمه "کن" را ذکر فرمود. یعنی اول ذکر حق کن بود که بواسطه

شیخ احمد احسائی یعنی شرح "الفوائده" او به تفصیل در مورد هفت مرحله، خلقت و خصوصاً چهار مرحله، اول آن بحث می‌گردد. شیخ احمد میان سه عالم یا سه رتبه، اصلی تفکیک می‌نماید که آنها را وجود حق، وجود مطلق و وجود مقید می‌نامد. این سه عالم یا سه رتبه همان است که به اصطلاح اهل بهاء عالم حق، امر و خلق گفته می‌شود. مرحله دوم یعنی وجود مطلق یا وجود راجح (یعنی نه واجب الوجود است و نه ممکن الوجود بلکه راجح الوجود) مرحله اسماء و صفات الهی است که توسط آن خلقت صورت می‌پذیرد. این وجود مطلق همان کلمه الهی است. اولین ذکر یا اولین ذکر خدا مشیت است. ذکر بعدی خدا اراده است. ذکر متعاقب قدر است که به دنبال آن قضاء می‌آید. اینها همه ذکر خدا هستند که کلمه، خدا و اسماء و صفات الهی است اما در هر رتبه‌ای به اقتضاء آن مرتبه خویشتن را ظاهر می‌فرماید.

از اینجا است که خود حضرت اعلی هم در آثار اولیه، خویش مکرراً از اینکه مشیت اولیه اولین ذکر خدا است سخن می‌فرمایند. در آثار مقدسه، خود حضرت نقطه، اولی از این ذکر و مراتب آن با مفهوم استنشاق و استنطاق (نفس فرو بردن و تکلم کردن) بحث می‌فرمایند و مفهوم عالم امر و کلمه‌الله و ذکر الهی را با تشبیه نفس فرو بردن و نفس بیرون دادن به شکل کلمه متذکر می‌شوند، تشبیهی که در شرح الفوائده هم شیخ احمد به آن اشاره کرده است. بنا بر این آشکار می‌گردد که اطلاق مفهوم ذکر (ذکر الاکبر و ذکرالله که در بیان فوق زیارت شد) بر حضرت باب به تلویحی ابلغ از تصریح عظمت مقام حضرتشان را که حتی ورا، قائمیت بوده و مقام مظهریت است مؤکد

فرموده‌اند. برای پایان دادن به این قسمت از مقاله به عنوان شاهد به گفتاری از شیخ احمد احسائی در مورد ذکر و بیان از حضرت رب اعلی در مورد همان مفهوم توجه می‌نمائیم.

شیخ احمد احسائی در فائده، ثانیه از شرح الفوائد خود می‌نویسد:

«المشیة هی الذکر الاول یعنی ان الفاعل اذا اراد صنع شیئی اول ما یذکره و تتوجه الیه العنایه هو المشیة و اذا تأکد ذلك العزم سمی اراده.» یعنی آنکه مشیت همان ذکر اول است یعنی اینکه وقتی فاعل قصد خلق شیئی را بنماید اولین چیزی که ذکر می‌کند و اولین چیزی که عنایت به آن توجه می‌کند مشیت است. و وقتی که آن عزم مؤکد گردید آنوقت اراده نامیده می‌گردد. (این بحث را بطور مفصل ادامه می‌دهد و در توضیح مفاهیم شجره، اولیه و نفس رحمانی اولیه آن را مورد بحث قرار داده است.)

حضرت نقطه، اولی هم مکرراً در آثار گوناگون خود به همین مفهوم ذکر اشاره فرموده‌اند. به عنوان مثال در رساله، غناء که در اصفهان یعنی در دوران اولیه، آثار مبارک نازل شده است چنین می‌فرمایند:

«شکمی نیست که در حین وجود، خداوند عالم مجبور نفرموده شیئی را در جهت قبول. بل ابداع فرموده ذکر که مقام صادر مطلق باشد لا من شیئی بنفسه لنفسه. و علت قبول اختیار نفس او قرار داده.»

به همین ترتیب در صحیفه، اصول و فروع می‌فرمایند:

«اول ذکر شیئی بلا تعلق ذکر شیئیت وجود مشیت است. و حین تعلق وجود شیئیت اراده است و حین ذکر معاً قدرست.»

(امر و خلق، ج ۱، ص ۹۹)

می‌شوند. شأن مناجات شأن عبودیت است. شأن تفسیر و خطبه تعبیر و ستایش آیات الهی است. شأن علمی استدلال عقلی و فلسفی و مباحث حکمت است. نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که هر یک از این شئون در آئین اسلام بنا به فرموده حضرت اعلیٰ مختص افراد بخصوصی بوده است. آیات شأن نقطه فرقان است یعنی وحی مستقیم حق به مظهر امر الهی. در دور اسلام قرآن کریم شأن آیات را تشکیل می‌دهد. شأن مناجات در اصل شأن حضرت رسول اکرم است که نه به عنوان مقام توحید بلکه به عنوان مقام تحدید بر اساس مقام عبودیت سخن می‌فرماید. شأن تفاسیر و خطب اساساً شأن ائمه بوده است و بالاخره شئون و امور علمی شأن ابواب و ارکان است. به عنوان مثال در بیان فارسی در باب شانزدهم از واحد سوم چنین می‌فرمایند:

«ملخص این باب آنکه جائز نیست عمل الّا به آثار نقطه بیان. زیرا که در این ظهور از برای حروف حی، آثار ایشان از شمس حقیقت ظاهر می‌گردد. زیرا که آیات مخصوص نقطه است و مناجات مخصوص رسول‌الله و تفاسیر مخصوص ائمه هدی و صور علمی مخصوص به ابواب. ولی کلّ در این بحر مشرق می‌گردد تا اینکه کلّ این آثار را در حقیقت اولیه به نحو اشرف مشاهده کنند.»

نکته‌ای که مقام نه تنها قائمیت بلکه رسالت و مظهریت ایشان را از همان آغاز مانند خورشید تابناک آشکار می‌نماید این واقعیت است که حضرت باب از همان اول اظهار امر خویش به نزول هر چهار شأن عنایت فرمودند و از قلم مبارکشان بی‌تأمل هم آیات و هم مناجات و هم

البته باید توجه کرد که مفهوم ذکر در آثار بهائی خلق بدیع می‌گردد و بدین جهت اگرچه اصل ذکر همان مشیت اولیه است اما این ذکر به شکل‌های بدیعی نیز ظاهر می‌گردد که بحث آن خارج از این مقاله است.

می‌بینیم که حضرت نقطه، اولی از همان سوره اول قیوم الاسماء به صراحت دعوی مظهریت فرمودند. ملا حسین بشرویه و نظائر او این حقیقت را به ظاهر ظاهر دیدند و شناختند و لبیک گفتند و افرادی که ظرفیت و بلوغ روحانی ایشان کمتر بود به اقتضاء درک خود برداشت خاص خود را دریافتند. این هم نظر به فضل حق و محبت او به خلق بود.

#### ب- پنج شأن و چهار شأن

عامل دیگری که به گونه‌ای لطیف ولی صریح از عظمت مقام حضرت اعلیٰ در آثار اولیه‌شان حکایت می‌نماید مسئله شئون آیات است. چنانکه می‌دانیم حضرت ربّ اعلیٰ در تفسیر چشمه‌های بهشت (آب، شیر، عسل و شراب) آنها را با شئون آیات در دور اسلام همانند گرفتند. اسلام بهشت خدا است که در آن چهار شأن آیات جاری است. این چهار شأن عبارت است از:

۱- آیات،

۲- مناجات،

۳- خطب و تفاسیر، و

۴- امور علمی می‌باشد.

شأن آیات شأنی است که در آن خداوند مستقیماً سخن می‌فرماید و به عنوان حق تکلم می‌نماید. این شأن اصل همه شئون دیگر است و به همین جهت است که دیگر آیات نیز در عین حال که شأن آیات نیستند باز آیات خوانده

تفاسیر و هم امور علمیّه مانند باران بهار نازل می‌گردید. باید توجه کرد که هیکل مبارکش اگرچه ظاهراً ادعای قائمیت یا مظهریت فرمود و اگرچه ظاهراً ابتداء به عنوان باب قائم موعود خویشتن را ظاهر ساخت اما با انزال هر چهار شأن در آن واحد از قلم خویش به صراحت مقام قائمیت، مظهریت و شارعیّت را تصریح فرمود. با نزول آیات خویشتن را به عنوان نقطه، فرقان و با نزول مناجات خویشتن را به عنوان رسول‌الله و با انزال تفاسیر خود را به عنوان امام زمان و با انزال مباحث فلسفی خویشتن را به عنوان باب معرفی فرمودند. به عبارت دیگر حضرت اعلیٰ از همان اول خود را جامع همه، مقام‌های رتبه، عالم امر و ظهور آن در عالم خلق اعلان فرمودند. حق هم همان بود و غیر آن نبود. اشارات لطیف حضرت اعلیٰ در آثار اولیّمشان به اینکه در ظهور ایشان همه، این شئون مجتمع گردیده است از عظمت مقام ایشان حکایت می‌نمود. به عنوان مثال در تفسیر سوره، کوثر که از آثار اولیّه، حضرت ربّ اعلیٰ است هیکل مبارک به بحث در مورد شئون آیات پرداخته و در بررسی شأن آیات متذکر می‌شوند که مقام نبوت (حضرت رسول) هم از انزال آیات ممنوع بود (چرا که شأن حضرت رسول شأن مناجات بود و آیات منحصر به نقطه، فرقان یعنی وحی مستقیم الهی) چرا که خلق استطاعت پذیرش آن را نداشتند اما حال خداوند به ایشان آیات نازل می‌فرماید. در همین جا نیز حضرت اعلیٰ به اجتماع همه، شئون در آثار مبارکش بخاطر فضل الهی و اتمام حجّت بر خلق تصریح می‌فرمایند:

«فایقن أنّ العبد لم یکمل فی مراتب وجوده  
الّا و یقدر ان یجری تلك الانهار الاربعة فی  
عالم البیان و لذا اعطانی الله فی مقام البیان

مظاهر الانهار الاربعة... و ان فی رتبه النبوة  
ما ظهر جریان ماء هذا النهر حقیقته لما یأذن  
الله لرسوله (ص) لعدم قابلیّة اهل تلك الدورة  
ولکن الیوم یجری ماء ذلك النهر من لسانی و  
قلمی بمائسواء الله من دون زوال و لا  
اضمحلال.»

مضمون بیان مبارک به فارسی این است: یقین نما  
و بدان که عبد در مراتب وجودش به کمال  
نمی‌رسد مگر آنکه تقدیر بر آن قرار گیرد که  
همه، چهار نهر در عالم بیان جاری شود و لذا  
خداوند در مقام بیان، مظاهر انهار اربعة را به من  
اعطاء فرموده است... در حقیقت در رتبه، نبوت  
نهر آب جریان نیافت چرا که بخاطر عدم قابلیّت  
اهل آن زمان خداوند این اذن را به رسول خود  
نداد ولی امروز آن نهر آب [آیات] از زبان من و  
قلم من به اراده، الهی بدون تعطیل و توقف جاری  
است.

در پایان این قسمت باید به یک نکته، دیگر  
هم اشاره کنم و آن این است که هیکل مبارک  
حضرت اعلیٰ از همان دوران اولیّه، اظهار امر  
خویش علاوه بر چهار شأن اسلام شأن بدیعی را  
نیز نظر به فضل الهی نازل فرمودند و آن "شئون  
فارسیه" است. شئون فارسیه سابقه‌ای در اسلام  
نداشته است ولی همانطور که در "صحیفه،  
عدلیّه" توضیح می‌فرمایند نظر به دشواری شئون  
دیگر، که همه اساساً به عربی است. برای مردم  
عادی ایران، فضل الهی به آن تعلق گرفت که  
هیکل مبارکش به شأن بدیعی که به فارسی است  
ولی آینهای از شئون دیگر است به نزول آیات  
بپردازند. این امر باز به نحو لطیف و ضمنی  
استقلال ظهور مبارکش بالتسببه به اسلام و در  
واقع اتساع و ارتقاء ظهور حقائق روحانی در دور  
مبارکش را بازگو می‌کند. بقیه در ص ۵۴

جان پرور است صحبت اصحاب معرفت  
رمزی برو بیروس و حدیثی بیا بگو  
حافظ

در ایام برگزاری نهمین دوره انجمن ادب و هنر (۱۷-۲۴ آگست ۱۹۹۷) در لندگ (سوئیس) جناب علی نخجوانی عضو محترم معهد اعلیٰ به سؤالات حاضرین پاسخ گفتند. چون انتشار متن این سؤال و جواب برای خوانندگان پیام بهائی مفید تشخیص داده شد ذیلاً به درج آن می‌پردازد و امیدوار است که مورد توجه دوستان قرار گیرد. پیام بهائی صمیمانه از لطف جناب نخجوانی در اجازه انتشار این سؤال و جواب سپاسگزار است.

احباء شود. دموکراسی حکومتی است که متعلق به ملت است. از طرف ملت حکومت می‌کند و برای ملت حکومت می‌کند، به اصطلاح انگلیسی می‌گویند: Government of the People, by the People, for the People. اما حضرت ولی امرالله فرموده‌اند که سیستم بهائی، با دموکراسی فرق دارد. نظم بهائی حکومتی است که تعلق به ملت دارد و از طرف ملت حکومت می‌کند، اما به منظور ارضای ملت نیست بلکه به منظور ارضای خداست، به اصطلاح انگلیسی می‌گویند: Government of the People, by the People, for God, Not for the People. فرق اساسی بین نظم بهائی با اصول دموکراسی و سایر نظام‌های عالم در همین است. حضرت بهاءالله نظام جدیدی وضع فرمودند و عنصر جدید در این نظام آن است که محفل محلی و یا ملی اگر تصمیمی بگیرند احباء باید قبول و اطاعت کنند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، اگر از تشکیلات امریه اطاعت می‌کنید با طیب خاطر و با توکل اطاعت کنید. بنا بر این اگر می‌خواهیم مشمول عنایات حق باشیم باید از اوامر محافل حتی اگر فکر می‌کنیم که اشتباه است اطاعت کنیم. اگر با طیب خاطر اطاعت کنیم نفس عمل فداکاری است و این فداکاری را حق قبول می‌کند و دخالت می‌کند و اگر خطائی هم شده باشد آن را

سؤال:

دلیل وجود هیئت عامله در محافل ملیه که در آینده به بیوت عدل ثانوی مبدل خواهند شد چیست؟ و چرا بیت العدل اعظم هیئت عامله ندارد؟

جواب:

نظام‌نامه، محافل ملی و محلی به لحاظ مبارک حضرت ولی امرالله رسیده و آنها را تصویب فرموده‌اند. در این نظام‌نامه‌ها بطوری که می‌دانید هیئت عامله پیش‌بینی شده است زیرا محافل ملی با دول و حکومت دنیا سر و کار دارند، با رئیس جمهور و نخست وزیر و وزراء ملاقات می‌کنند و چون محافل هر ساله تجدید می‌شوند لذا وجود يك هیئت رئیسه، مشخص و معلوم برای حفظ شخصیت حقوقی محافل لازم است. اما بیت العدل اعظم این قبیل ارتباطات را با زعمای امور ندارند و يك هیئت جهانی است و هر سال انتخاب نمی‌شود لذا هیئت عامله ندارد.

سؤال:

چگونه می‌توان مانع آن شد که رفتار يك محفل ملی در امری موجبات تأثر و افسردگی فردی را فراهم نیاورد؟

جواب:

محافل محلی و ملی البته تصمیماتی می‌گیرند که ممکن است اسباب افسردگی و تأثر افراد

به صواب تبدیل می فرماید. این یکی از امتیازات نظم بدیع الهی است و اساس ایمان و ایقان ما است.

سؤال:

معنا و حدود حکم اطاعت از دولت به خصوص در موارد ظلم چیست؟

جواب:

اینکه در آثار مبارکه می فرمایند از حکومت باید اطاعت کرد در همه چیز نیست. اگر حکومت یا دولت به شما حکم کند که نماز نخوانید، روزه نگیرید، خلاف حقیقت صحبت بدارید و یا مثلاً معتقد به وحدت نژاد نباشید و تبعیض نژادی را ترویج کنید شما هیچکدام از این اوامر را اطاعت نمی کنید. اما وقتی حکومت امر می کند که مثلاً مطبوعات و جلسات نداشته باشید و یا جلسات از پنج نفر تجاوز کند، اطاعت می کنیم. مقصود آن است که در امور اداری و تشکیلاتی اوامر دولت را اطاعت می کنیم نه در امور وجدانی و ایمانی.

سؤال:

با وجود اولویت حول قوس آیا خریدن مثلاً حظیرةالقدس در یک ناحیه و جمع تبرعات احباء در این موارد جایز است؟

جواب:

با محفل ملی خود مشورت بفرمائید و هرچه امر فرمودند قبول کنید. موقعی بود که هیکل مبارک حضرت ولی امرالله می فرمودند که حظائر قدس اصلاً نخرید و یا خرید حظائر قدس ملی و علی الخصوص محلی را خیلی به ندرت تصویب می فرمودند.

الآن البتّه امر الهی از این مراحل گذشته است. در بعضی موارد مثلاً احساس می شود که بعضی از محافل ملی در پایتخت احتیاج به حظیرةالقدس ملی دارند. چنین مشروعی را محفل ملی تصویب می فرمایند ولی در بعضی

موارد که مثلاً در شهر کوچکی احباء می خواهند مبلغ هنگفتی خرج تهیه حظیرةالقدس نمایند شاید محفل ملی رأی دهند که چنین کاری درست نیست، بنا بر این این قبیل سوالات به محفل ملی هر مملکت راجع است.

سؤال:

آیا تشکیل جلسات امری به زبان فارسی برای ایرانیان در یک مملکت مثلاً اروپائی جایز و مورد تصویب معهد اعلی است؟

جواب:

تا آنجا که بنده می دانم هیچ محفل محلی یا ملی نگفته و انشاءالله نخواهد گفت که جمعیتی از احباء که دارای زبان خاصی هستند حق ندارند جلسات خصوصی خود را داشته باشند و به زبان خود حرف بزنند. آنچه محافل گفته اند و تذکر داده اند این است که در جلسات رسمی نظیر ضیافت نوزده روزه که پایه نظم اداری بهائی است و برای همه احباء است باید به زبانی برنامهها را اجرا نمود که همه راضی باشند و اختصاص به گروهی خاص نداشته باشد. بنا بر این نوع جلسات فرق می کند و گمان نمی کنم هیچ محفلی بگوید که در جلساتی که برای ملاقات و مؤانست احباء است شما حق ندارید زبان خاص خود را حرف بزنید. چنانچه احبای ایرانی در همه جا جلسات مخصوص برای ازدیاد معلومات امری و مؤانست و نیز برای بحث از مسائلی که برای احبای ایرانی مشترک است تشکیل می دهند و این قبیل جلسات گمان نمی کنم اشکالی داشته باشد. مقصود آن است که جلسات رسمی اداری بهائی و جلسات دیگر امری با یکدیگر فرق دارد.

سؤال:

آیا مخالفت با امر منحصرأ در شرق و مخصوصاً در ایران خواهد بود و یا به ممالک دیگر سرایت خواهد کرد؟ آیا این مخالفتها با



جناب علی نجوانی، لندنک (اوت ۱۹۹۷)

به زندان خواهند کشاند؟ هیچکس نمی‌تواند پیش بینی بکند، ولی مقاومت و مخالفت البته خواهد شد و شاید در بعضی از ممالک تضییقاتی هم بوجود بیاید. کشورهای اسلامی در آفریقا و مابقی کشورهای اسلامی علی‌الخصوص در خاورمیانه همه بر ضد امر هستند، فقط منحصر به ایران نیست. در اینکه تحوّل در خاورمیانه باید واقع بشود هیچ شکی نیست. حضرت ولی‌امرالله مکرراً در آثار و در بیانات شفاهی خود به تلویح و تصریح می‌فرمایند که به این صورت ادامه نمی‌یابد، در شرق دیانت از سیاست جدا خواهد شد یعنی کشورهای "لائیک" بوجود خواهد آمد (Secular Government) و وقتی (Secularism) داخل در حکومتات شرق شود یعنی وقتی که دین از سیاست جدا شود و حکومت مدنی در ممالک ایجاد شود آن وقت امر مبارک مجال پیدا می‌کند. در آن موقع است که ممکن است محافل روحانی ما را به ثبت برسانند، نه این است که یک مرتبه همه ملت بهائی خواهند شد. اما این امور به تدریج است و سیر تحوّل دارد که باید مراحل آن طی شود.

سؤال:

تضییقات توأم خواهد بود. در این صورت وضع امر مبارک بخصوص در کشورهای اسلامی چه خواهد شد؟

جواب:

مخالفت با امر منحصرأ در شرق و یا منحصر به ایران نخواهد بود. حضرت عبدالجبار در لوح جناب افغان وکیل الدوله می‌فرمایند:

«امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه، جمیع ملل و امم شدید است شدید.»\*

من وقتی حضور حضرت ولی‌امرالله مشرف بودم، یک روز همین لوح مبارک را من البدو الی الختم تلاوت فرمودند و در هر جمله‌ای توقف می‌فرمودند و توضیح می‌دادند. به این عبارت که رسیدند فرمودند ملاحظه کنید حضرت عبدالجبار می‌فرمایند "جمیع ملل و امم"، استثناء ندارد یعنی فقط در شرق نیست در غرب هم خواهد بود. جوانان مخصوصاً باید خود را آماده این مبارزات کنند و از حالا خود را آماده و مجهز کنند برای مقاومت و مخالفتی که در پیش هست. اما آیا مخالفت و مقاومت توأم با تضییقات خواهد بود؟ هیچکس نمی‌داند. آیا مثل ایران خواهد بود؟ شهادت خواهد بود؟ احیاء را

\* متن کامل این لوح در پایان این مقاله در شماره بعد خواهد آمد.

برخی گمان می‌کنند که دنیا در عرض چند سال آتیه به کلی زیر و رو خواهد شد و لذا باید حال اختصاصاً به امور روحانی پرداخت. برخی دیگر گمان دارند که تحولات تدریجاً صورت خواهد پذیرفت و لذا باید کما فی السابق به کار و تحصیل پرداخت. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب:

مسئله "یرتعد به فرائض العالم" (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۸۲، قطعه ۶۱) که جمال مبارک می‌فرمایند، کلمه "بفته" دارد. در اینکه اتفاقاتی خواهد افتاد که خارج از ادراکات و تصورات ماست شکی نیست ولی به چه صورت خواهد بود، در چه تاریخی واقع خواهد شد و این "بفته" کی خواهد بود العلم عندالله است. در آثار مبارکه، حضرت ولی امرالله درباره عظمت امرالله هم کلمه بفته آمده است که می‌فرمایند:

«عظمت امرالله به اسباب غیبیه عجیبه غیر مترقبه بفته جلوه نماید.»

بنا بر این کلمه، بفته در آثار جمال مبارک در مورد تحولات عجیب هیئت اجتماعی و تزلزل در ارکان جامعه، بین‌المللی به کار رفته و در آثار حضرت ولی امرالله درباره جلوه، عظمت و عزت امر در سطح بین‌المللی ذکر شده است. اما آیا این امور توأم است یا نیست بنده نظری ندارم. اما در این باره که حال آیا فقط باید به امور روحانی پرداخت و یا توجه به شئون دیگر لازم است باید عرض کنم که البته امور روحانی مقدم بر امور غیر روحانی و جسمانی است. چون بسیاری از تحولات دنیا تدریجاً صورت خواهد گرفت لذا باید به کار و تحصیل خود مشغول باشید و چاره‌ای نیست. در موقعی که صعود حضرت عبدالبهاء واقع شد در وصف این شخصیت جالب و عظیم اغیار در غرب به انگلیسی چنین نوشتند: "He tread the path of"

"heaven with practical feet" یعنی حضرت عبدالبهاء در طی سالیان عمر مبارکشان در راه‌های آسمانی مشی می‌فرمودند اما این پیشرفت و حرکت با پاهای جسمانی و عملی بود. یعنی حضرت عبدالبهاء، کمال مطلوب معنوی را با شرایط و اوضاع و احوال مادی وفق داده بودند. طرز کارشان طوری بود که ناظر به این دنیا و امکانات و مشکلات این دنیا بودند در حالیکه بر وفق موازین روحانی زندگی می‌فرمودند. حضرت ولی امرالله نیز عین همین درس را به ما آموختند.

احبای غرب بطور کلی درست مطلب را از حضرت عبدالبهاء تحویل نگرفته بودند. خیال می‌کردند که امرالله عبارت از همین تعالیم دوازده‌گانه است. وقتیکه حضرت ولی امرالله راجع به تشکیلات صحبت می‌فرمودند این نفوس اول فکر می‌کردند که این مطالب نامأنوس است. حضرت ولی امرالله چندین سال به تدریج در تویقعات خود توضیح دادند که ما باید محافل روحانیه داشته باشیم، باید تشکیلات داشته باشیم زیرا این نظم بدیع الهی است. این مسائل برای احبای غرب در بدایت خیلی اشکال داشت. احمد سهراب از این موقعیت استفاده می‌کرد و می‌گفت ببینید حضرت ولی امرالله به خودی خود تشکیلات درست کرده‌اند. بعد این شبهه را بوجود آورد که تشکیلات برای چیست و این حرفها کدام است. حضرت بهاء الله تعالیمی روحانی و اخلاقی آورده‌اند. همین بس است والسلام.

انسان باید ناظر به مقتضیات این عالم باشد. ما لباس می‌پوشیم، خوراک می‌خوریم، استراحت می‌کنیم برای اینکه ناظر به احتیاجات جسم خود هستیم. انسان باید هم ناظر به جسم باشد و عملی باشد و هم باید ناظر به اهداف روحانی باشد. اینها را باید بتواند با هم ترکیب کند.



"نقشه، شش ساله، تبلیغی" Six Year Plan داشتند که در ۱۹۵۰ خاتمه پیدا کرد. حضرت ولی امرالله به احبای انگلستان فرمودند که از رضوان بعد یعنی از رضوان ۵۱ تا رضوان ۵۳ به مدت دو سال باید يك نقشه، تبلیغی در آفریقا آغاز شود و فرمودند که پنج محفل ملی در دنیا باید در آفریقا با هم همکاری کنند. محفل ملی انگلستان، محفل ملی آمریکا، محفل ملی ایران، محفل ملی هندوستان، محفل ملی مصر و سودان. در آن موقع هشت محفل ملی وجود داشت ولی فقط این پنج محفل را انتخاب فرمودند و برای اولین بار در تاریخ امر بهائی پنج محفل ملی مستقل مأمور انجام نقشه‌ای در يك قاره شدند. حضرت ولی امرالله این نقشه را عبارت از مرحله، جدیدی در تحول تشکیلات و تحول نظم بدیع الهی تشخیص دادند و می‌فرمایند که این تحول مقارن است با تعیین اعضای شورای بین‌المللی اول در ارض اقدس که در همان سال حضرت ولی امرالله آن را تأسیس فرمودند. در آن ایام در سنه ۱۹۵۱ در طهران بودم روزی به دفتر محفل ملی در حظیرةالقدس رفتم و جناب درآگاهی که مشغول خدمت در دفتر محفل ملی بودند این تلگراف را که خطاب به محفل ملی آمریکا بود به بنده نشان دادند و بنده آن را زیارت کردم. در این تلگراف چنین می‌فرمایند که بعد از نقشه، دو ساله که اهمیتش در همکاری بین پنج محفل ملی است يك مشروع بین‌المللی بسیار مهمی آغاز خواهد شد، یعنی در این دو سال، پنج محفل ملی با هم همکاری خواهند کرد و در مشروع بعدی همه محافل ملی دنیا با هم همکاری خواهند نمود. این همان جهاد کبیر اکبر یعنی نقشه، دهساله، حضرت ولی امرالله بود که در آن موقع نمی‌فهمیدیم که مقصود چیست. بعد می‌فرمایند که این مشروع مهم خود مقدمه‌ای است برای مشروعات مهمه و نقشه‌های تبلیغی متعدده که

سر حیات بهائی در همین است. سؤال:

آیا حضرت بهاءالله قبل از واقعه، سیاه چال می‌دانستند که مظهر ظهور کلی الهی هستند؟ جواب:

بنده فصل مربوط به این قضیه را در کتاب مفاوضات اینطور می‌فهمم که بنده می‌دانستند. حال اگر شما استنباط دیگری از این فصل مفاوضات دارید آزادید. بنده اینطور می‌فهمم که همه، مظاهر مقدسه، الهیه در سر سر وجود خود خوب می‌دانستند که چه مأموریتی دارند اما زمان مقتضی نبوده است. جمال مبارک در لوح سلطان می‌فرمایند:

«كنت راقداً على المهاد مرت على نسائم السبحان.»

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که در وجود جمال مبارک تغییری حاصل نشد، تمام آن قوا موجود بود ولی برحسب ظاهر مقتضی نبود که اظهار امر بفرمایند. اظهار امر نیز همانطور که می‌دانید تدریجی بوده است، اول اظهار امر سری، بعد اظهار امر جهری و بالاخره اعلان عمومی در ادرنه خطاب به ملوک و سلاطین و امرا.

سؤال:

آیا در آثار حضرت ولی امرالله اشاره‌ای به صعود نابهنگام ایشان شده است؟ جواب:

بیت العدل اعظم در یکی از دستخطهای خود راجع به این موضوع توضیحی داده‌اند که لابد ملاحظه فرموده‌اید. برای توضیح مطلب باید مقدمه‌ای عرض کنم و آن اینکه راجع به نقشه‌های آینده تبلیغی حضرت ولی امرالله تلگرافی خطاب به محفل ملی آمریکا و توقیعی خطاب به محفل ملی انگلستان در سال ۱۹۵۱ ارسال فرمودند. همانطور که می‌دانید محفل ملی انگلستان

در نهی این مسئله نصوص عدیده موجود است. اما وقتی که این سؤال بدین صورت از هیکل مبارک شد، می‌فرمایند که طبع این سه سند با هم در یک جلد جایز است.

خود شما البته می‌توانید استنباط کنید که معنی این تصویب چیست.

سؤال:

آیا ممکن است که جناب طرازالله سمندری از جمله بیست و چهار پیری باشند که در الواح مبارکه ذکر شده است؟

جواب:

شما می‌دانید که ذکر بیست و چهار پیر در مفاوضات است که می‌فرمایند در ظهورات سابقه حواریون و تلامذه و ائمه دوازده نفر بودند و در این ظهور دو برابر است، و این نفوس مبارکه بیست و چهار پیر هستند. بعد می‌فرمایند که حروف حی هیجده نفر و با حضرت اعلیٰ نوزده نفرند و پنج نفر باقی مانده که بعداً معلوم خواهد شد.

بعد از صعود وکیل الدوله یعنی حاجی میرزا محمد تقی افغان، بانی مشرق الاذکار عشق‌آباد، حضرت عبدالبهاء چنین مرقوم فرمودند که ایشان هم یکی از این پنج نفر هستند و چهار نفر دیگر باقیمانده است. جناب افغان کسی هستند که حضرت عبدالبهاء دستورات خاصی راجع به وصایای خود به ایشان داده‌اند. ایشان مخاطب لوحی هستند که در آن حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند من در خطر عظیم هستم و محاط به صد هزار تهدید شدید و بعد به ایشان می‌فرمایند که من وصیتی دارم و آن اینکه شما حضرات افغان و حضرات ایادی را جمع کنید و یکدل و یک جهت کنید و الواح وصایا را در حدود امکان اجرا کنید.\* اما هویت چهار نفس مقدس باقیمانده بعداً کشف خواهد شد.

دنباله دارد

زیر نظر و هدایت بیت العدل اعظم در عالم مجری خواهد شد. بعداً که توقیع مبارک خطاب به انگلستان را زیارت کردیم دیدیم که عین همین مطالب، شاید محکم‌تر در آن توقیع هم هست. شما در این پیام مبارک دقت کنید و ببینید چه معنایی دارد. ملاحظه خواهید فرمود که شامل اشاره‌ای است تا احباء را آماده کنند که در آینده مرجع خودشان نخواهند بود و مرجعی که زمامدار و متصدی و مصدر و مجری این نقشه‌های تبلیغی خواهد بود بیت العدل اعظم است.

سؤال:

چرا حضرت ولی امرالله وصیت نامه‌ای مرقوم نفرمودند؟

جواب:

در ابلاغیه، بیت العدل اعظم این مطلب هست که منظور که حضرت بهاءالله کتاب عهدی و حضرت عبدالبهاء کتاب وصایا مرقوم داشتند، حضرت ولی امرالله وصیت نامه‌ای مرقوم ننموده و سکوت اختیار فرمودند. احباء باید این سکوت را هدایت ربانی دانند زیرا نفس این سکوت خود حکمتی دارد که البته باید به آن ایمان داشته باشیم.

پس صدور توقیع مبارک معروف به (Dispensation of Baha'u'llah) (دور بهائی) حضرت ولی امرالله به زائرین شرقی و غربی می‌فرمودند که این اثر به منزله، وصیت‌نامه، من است. وقتی که این مطلب به سمع یکی از احباء در غرب رسید عریضه‌ای عرض کرد و اجازه خواست که کتاب عهدی، الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و رساله، دور بهائی در یک جلد چاپ بشود. حضرت ولی امرالله اجازه فرمودند. در صورتی که شما می‌دانید چقدر هیکل مبارک دقت می‌فرمودند که آثار خودشان با آثار حضرت بهاءالله و یا حضرت عبدالبهاء مخلوط نشود و

\* متن کامل این لوح در پایان این مقاله در شماره بعد خواهد آمد.

# ویژه‌نامهء انجمن شور روحانی جهانی



فصل اول در بیان کلیات و تعاریف  
فصل دوم در بیان مبانی و اصول  
فصل سوم در بیان روش‌ها و فنون  
فصل چهارم در بیان کاربردها و مثال‌ها  
فصل پنجم در بیان نتیجه‌ها و پیشنهادات

# بیائید تا به گوه خداوند برائیم

در حاشیه هشتمین  
انجمن شور روحانی  
جهانی

و یحمل عرش ربك فوقهم یومئذ  
ثمانیه.

قرآن کریم آیه ۱۷ الحاقه



کوهها خرد و متلاشی خواهند شد و آسمان از دهشت آن روز از هم خواهد شکافت و فرشتگان بر اطراف، منتظر فرمان حق خواهند بود و عرش پروردگارت را در آن روز هشت ملك مقرب برخوردار داشت روزی که در آن مردم را به بارگاه حساب احضار خواهند کرد و هیچ يك از اسرار پنهان در آن نهفته نخواهد ماند.»

در سوره الحاقه قرآن که از سوره مکی است و مانند بسیاری از سوره‌های دوران نخستین وعظ و تعلیم پیغمبر اسلام بیشتر موضوع به قیامت مربوط می‌شود و حاوی نثری است مسجع و مقفئی با عبارات کوتاه خوش طنین موزون، در وصف روز موعود چنین آمده است: (ترجمه) «در آن روز بار اول در صور دمیده خواهد شد و زمین و

مسیحی گوید: روز هشتم بعد از روز هفتم می‌آید و روز هشتم روز رستاخیز است روز تحول و انقلاب روحانی است. اگر تورات بر عدد ۷ به عنوان دوران خلقت جهان تکیه می‌کند اما انجیل که بشارت دنیائی تازه و بدیع است همانا تجلی عدد هشت می‌باشد.<sup>۲</sup>

تجسم عدد هشت در بنای مقام اعلی به کمال است. کافی است به ساختمان شکوهمند آن مقام با نظر دقت نگاه کنیم تعادل از این کامل‌تر و توازن میان ابعاد افقی و عمودی از این زیباتر نمی‌شود. برآستی مثل آن است که عرش رب را فرشتگان هشت گانه بردوش گرفته‌اند، عددی خجسته که باطناً نوید آن را می‌دهد که هشتمین کانونشن بین المللی در حیفا نیز نمودار تعادل و جامعیت بود و امر الهی که اینک در نیمه نقشه چهارساله به فتوحات بسیاری دست یافته به مراحل والاتری از ترقی و توسعه رهنمون خواهد شد. اگر قرن بیستم را چنان که حضرت مولی الوری فرموده‌اند بمناسبت پی‌گذاری صلح سیاسی قرن انوار بخوانیم هشتمین کانونشن بین‌المللی بشهادت مورخان آینده چون برج چراغ دریائی این نورانیت را به پیرامون خود یعنی سراسرجهان پراکنده خواهد کرد.

خاقانی در شعری به هشت صفت که صفات مردان خداست اشاره‌ای دارد و می‌گوید:  
 ز نه حواس برون شو به کوی هشت صفات  
 که هست حاصل این هشت هشت باغ بقا  
 آن صفات را در کتب اهل معرفت چنین ذکر کرده‌اند: توحید - علم - شکر - رضا - صبر - قلت رزق - تعظیم لامرالله - شفقت به خلق.<sup>۳</sup>  
 صفاتی که در نزد اهل بهاء از منزلت و حرمت خاص برخوردارند خاصه توحید که علاوه بر قول بر وحدت حق و یگانگی مظاهر امر او، اعتقاد به

اهل بهاء که به زیارت ایقان شریف بر رموز کتب آسمانی و نبوات مندرج آن‌ها دست یافته‌اند خوب می‌دانند که همه این وعده‌ها در یوم ظهور رب اعلی و جمال ابهی تحقق پیدا کرد و از بدایع امور آن که مقرر رب، مقام اعلی بر جبل مقدس کرمیل در بنائی واقع است که گنبد طلائی آن بر هشت ضلع و هشت حجره متکی است و برآستی مصداق «یحمل عرش ربك فوقهم یومئذ ثمانیه» است.

این عدد هشت بی‌گمان عددی پر معنی است و فراوان رازهایی در بر دارد. از منظر مسلمانان دوزخ را هفت در است اما بهشت هشت در دارد که هر یک به روضه‌ای از روضات فردوس گشوده می‌شود.<sup>۱</sup> عطار گوید:

خازنان هشت جنت عاشق رویش شدند  
 در ثنای او چو سوسن ده زبان برداشتند  
 تنها بهشت به سرزمینی فراخ نعمت و آراسته که آدم و حوا در بدو خلقت در آن می‌زیستند اطلاق نمی‌شود همان طور که عزیزالدین نسفی گفته بهشت در پایان تاریخ نیز هست و در انتظار نیکو کاران است و این همان بهشت یا فردوس یا جنتی است که قرآن کریم مؤمنان را به آن وعده می‌دهد و از منظر اهل بهاء تحقق ملکوت الله علی الارض است. این عدد هشت در قرآن مجید در موارد دیگری هم ذکر شده که بحشش طولانی و خارج از مقوله ماست. آنچه در این جا منظور نظر است این که در بسیاری از متون کهن عدد هشت را به عنوان جلوه‌گاه «تعادل کیهانی» محسوب داشته‌اند:

ویشنو خدای هندو ۸ بازو دارد، یکی از معابد بنام بودائی، بودا را در مرکز یک لوتوس (نیلوفر آبی) هشت پر که از هشت اطاق عبادت تشکیل می‌شده قرار داده است. سنت اگوستین



اصل وحدت و یگانگی عالم انسانی را نیز شامل می‌شود و ناچار اصل توحید در حیات فردی و جمعی بهائیان تجلی کامل دارد و کانونشن بین المللی هم کوششی در جهت تحقق عینی همین اصل است.

گفتیم در اندیشه، قدما بهشت از ۸ باغ ترکیب شده است و این باغ‌های بقا را آبهای حیات بخش تازه و سرسبز می‌کند. رمز این آبها را در تورات باید جست زیرا از منظر حزقیال نهر حیات از معبد خداوند سرچشمه می‌گیرد و به همه جهان خلقت روانه می‌شود (باب ۴۷). از دیدگاه زکریای نبی رسیدن موکب خدا یعنی موعود کتب مقدسه با جهش آبهای حیات از بیت‌المقدس مقارن است و در آن روز است که موعود [یهوه] در خلعت پادشاه تمامی زمین جلوه‌گر خواهد شد.

در آن روز موعود [یهوه] فرد منفرد خواهد

بود و نام او نیز منحصر به فرد (فصل ۱۴ آیات ۵ تا ۹). شبهه نیست که همه این نبوات به ظهور اعظم الهی مربوط است و منظور از نهر حیات، همان کلام الهی است که از ارض مقصود جاری خواهد شد و تنها در این روز است که نام یکتای حضرت بهاء‌الله در سراسر گیتی بلند آوازه شده و خواهد شد.<sup>۴</sup>

گزاف نخواهد بود اگر اجتماع نمایندگان بهائی سراسر جهان را در کانونشن‌های بین‌المللی خصوصاً هشتمین کانونشن که رمزی از بهشت موعود در خویش نهان دارد و نیز انتخاب بیت العدل اعظم را که طبق اشاره لطیف لوح مبارک کرمل منبع و منشاء آبهای زندگی بخش است<sup>۵</sup> با نبوات گذشته تطبیق کنیم و بخصوص به یاد آوریم آنچه را که اشعیا، نبی در باب دوم کتاب خود در باره جبل کرمل گفته است: «و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه، خداوند [یعنی

یادداشت ها

- ۱- به نقل فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی از دکتر محمد جعفر یاحقی - نشر طهران ۱۳۶۹.
- ۲- دیکسیونر رمزا و کنایات (سمبولها) اثر ژان شوالیه و الن گیریرانت - نشر سال ۱۹۸۲ - پاریس
- ۳- فرهنگ فارسی معین.
- ۴- در مورد نبوت یهود و مسیحیان رجوع شود به مقاله Paradis یا فردوس در دیکسیونر ادیان پل پویارد (به فرانسه) P. Pouard
- ۵- «سوف تجری سفینةالله علیک و یظهر اهل البهائ الذین ذکرهم فی کتابالاسماء.» در همین لوح مبارک وصال خود را بدریای موج تشبیه فرموده‌اند.
- ۶- کلید رمز این بیان باز در لوح کرمل بدست می‌آید که صهیون را به طواف به گرد «مدینةالله الّتی نزلت من السماء» یعنی کعبه الهی دعوت می‌فرمایند و همه بقاع ارض را به این ظهور بشارت می‌دهند.
- ۷- نمایندگان محافل روحانی ملی سراسر جهان و مشاوران قاره‌ای که در ارض اقدس مجتمع بودند به هر کجا نگرستند جلوه‌گری یکی از نبوت گذشته را به رأی‌العین دیدند. از جمله وقتی شبها مقام اعلی را که در پرتو نورافکن‌ها چون تاج طلا سر به آسمان کشیده نگاه میکردند بیاد آوردند این سخنان زکریای نبی را که در تبشیر یوم موعود می‌گوید که در آن ایام «نه روز و نه شب اما در وقت شام روشنائی خواهد بود.» (۷/۱۴) و به خاطر مجسم کردند که ساختمان هیکل رب توسط «مردی که به شاخه [غصن] مسمی است» صورت گرفته و آن «تاج برای قبائل بسیار به جهت یادگاری در هیکل خداوند خواهد بود.» (۱۴/۱۳/۱)
- ۸- فرهنگ اساطیر دکتر محمد جعفر یاحقی ص ۱۳۵

کرمل] بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها بر افراشته خواهد گردید<sup>۱</sup> و جمیع امته‌ها به سوی آن روان خواهند شد و قوم‌های بسیار عزیمت کرده خواهند گفت: بیائید تا به کوه خداوند [=کرمل] و به‌خانه، خدای یعقوب برائیم تا طریق‌های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه‌های وی سلوک نمائیم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امته‌ها را داوری خسواهد نمود... و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه‌های خویش را برای آزه‌ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.» (آیات ۱ تا ۵) و بلافاصله این عبارت پر معنی مذکور می‌آید که «ای خاندان یعقوب بیائید تا در نور خداوند [=بهاءالله] سلوک نمائیم» (۶/۲) فی‌الحقیقه دعوت به کانونشن بین‌المللی دعوت به وقوع و تحقق این نبوت دلنشین دیرین بود.<sup>۷</sup>

به سخن اهل اسلام باز گردیم خواجه نصیر در روضة‌التعلیم گوید: بهشت حقیقی بیشتر از یکی نیست و آن ثواب ابدی و کمال سرمدی و هستی نامتناهی است و معنی همه این‌ها عبارت است از رسیدن به خدا به همه وجوه.<sup>۸</sup>

انجمن بین‌المللی حیفاً تجربه‌ای فراموش‌نا شدنی از این فوز زیستن در ملکوت حضرت بهاءالله بود.

سخن را با بیت دیگری از عطار پایان دهیم  
عشاق جهان جمله تماشای تو دارند  
عالم زماشای تو چون خلد ارم شد

## اختیارات و مسئولیت های

### بیت العدل اعظم الهی

#### بمناسبت انعقاد هشتمین انجمن شور روحانی جهانی

«بیت العدل اعظم جمیع امور امری جهان را متحد ساخته قوت می دهد و مرتب نموده راهنمایی می کند زیرا این معهد اعلی سرچشمه، اقدامات و اجرائات کلیه بهائیان است.»

حضرت ولی امرالله

بما انزل الله فی الكتاب. « ( همان لوح. ) \*  
«بیت العدل عمومی اگر به شرایط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن عدل در تحت عصمت و حمایت حق است آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل به اتفاق آراء یا اکثریت در آن قراری دهد آن حکم محفوظ از خطاست. حال اعضای بیت عدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیأت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند.» حضرت عبدالبهاء (مفاوضات مبارک).  
و در لوح دیگر فرموده اند: «مسائل کلیه که اساس شریعه الله است منصوص است ولی متفرعات راجع به بیت عدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل به مقتضای این اجرا می نماید...

۱ - محافظه، بهائیان: «یا رجال بیت العدل کونوا رعاة اغنام الله و احفظوا هم عن الذئاب الذین ظهوروا بالاثواب کما تحفظون ابنائکم کذالك ینصح الناس الامین.» کتاب اقدس  
۲ - تمشیت امور مردم: «امور ملت متعلق است به رجال بیت العدل الهی ایشانند امناء الله بین عباده و مطالع الامر فی بلاده.» (لوحی از جمال مبارک.)\*

۳- وضع قوانین در موارد غیر منصوص  
«یا حزب الله، مربی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است: مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه اند از برای حیات اهل عالم. چون که هر روز را امری و هر حین را حکمتی مقتضی لذا امور به وزرای بیت العدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند... امور سیاسیّه کل راجع است به بیت العدل و عبادات

\* نقل از کتاب امر و خلق ج ۴





مشکل فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید هرکس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.»

و نیز می‌فرمایند: «حضرت بهاء‌الله فرموده‌اند که هرگاه اهل بهاء اختلاف کنند ولو در باره خود بهاء‌الله باشد در صورت اختلاف هردو باطلند و کل را رجوع به بیت عدل امر فرمودند و قبل از آن امور را به مرکز میثاق راجع و کل را امر به اطاعت فرمودند.»

۵- تصدیق یا تصحیح استنباط علما:

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «در آن شرائع اولیه افراد علما استنباط‌های مختلف می‌نمودند و مجری می‌شد حال استنباط راجع به هیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آن که در تحت تصدیق بیت عدل در آید و فرق همین است که از استنباط و

بیت‌العدل اعظم به الهام و تائید روح‌القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت حمایت و صیانت جمال‌قدم است و آنچه قرار دهند اتباعش فرض مسلم و واجب متحتم برکل است ابدأ مفری از برای نفسی نه.»

۴- تأسیس مشروعات جدید: «این هیئت مجلله که بر اساس متین رزین تمام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمد و مستفید، به وضع و اجرای مشروعاتی متقنه و اقداماتی کلیه و تأسیساتی باهره پردازد و به این واسطه امرالله صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز شود.»

توقیعات مبارکه حضرت ولی‌امرالله، ج. ۱، ص ۱۹۱

۴ - فصل اختلافات: «اذا اختلفتم فی امر فارجموه الی‌الله ما دامت الشمس مشرقه من هذا السماء و اذا غربت ارجعوا الی ما نزل من عنده انه لیکفی العالمین.» (کتاب اقدس)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «اگر اختلاف به آرائی حاصل شود بیت عدل اعظم فوراً حل

تصدیق بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمی‌گردد ولی از استنباط افراد علماً حکماً اختلاف حاصل می‌شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه برهم خورد و اتحاد دین‌الله مضمحل شود و بنیان شریعت‌الله متزلزل گردد. «

۶ - نسخ احکام صادره: «آن چه را بیت العدل قرار دهد نسخ نیز تواند... این کور اعظم اساسش بر نهجی گذاشته شده است که احکامش مطابق و موافق جمیع اعصار و دهور. چون شرایع سلف نه که حال اجرایش ممتنع و محال است.» (حضرت عبدالبهاء.)

۷ - گسترش امرالهی: (وظیفه‌ای که به بیت العدل محلی و بیت عدل خصوصی یعنی ملی هم تفویض شده است.) حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «لحاظ الله به آن مجمع متوجه و بعد از ورود باید وكالة من انفس العباد در امور و مصالح کل تکلم نمایند مثلاً در تبلیغ امرالله اولاً چه که این امر اهم امور است تا کل کنفس واحده در سوادق احدیه وارد شوند و جمیع من علی الارض هیکل واحد مشاهده شوند و هم چنین در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمیر بلاد والسیاسته‌التی جعلها اسماً للبلاد و حرزاً للعباد ملاحظه شود که چگونه مصلحت است و هم چنین سایر امور و آن را مجری دارند.» (در لوح دیگر)

۸ - مرجع کل امور و مصدر کل خیر: «اما بیت العدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصوناً من کل خطاء باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضا باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در

جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نمایند. این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهیه موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حل گردد.»

(الواح وصایای مبارکه.)

۹ - مؤید قوه، تنفیذ: هم در الواح وصایاست: «این بیت عدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ. تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط و التیام این دو قوه، بنیاد عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنت النعیم و بهشت برین شود.»

۱۰ - مشارکت در اجرای صلح اکبر: «باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود این فقره لازم و واجب چه که محاربه اس زحمت و مشقت است.» (در لوحی است.)

از حضرت ولی امرالله: «نسل‌های آینده خواهند دانست که بیت العدل اعظم آخرین مأمین این مدنیّت متزعزع کنونی است.» (ترجمه)

در وظایف بیت العدل اعظم الهی جا دارد که به برخی مسئولیتهای مهم دیگر که کیفیت و وسعت آن در آینده آیام روشن خواهد شد اشاره شود نظیر تربیت عباد - تعمیر بلاد - تفحص در احوال رعیت و اطلاع بر اعمال و امور هر حزبی از احزاب - اعانت محتاجین - انتخاب يك لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع - تعیین آنچه را سبب و علت امنیت و نعمت و ثروت و اطمینان عباد است...

هم چنین رجوع شود به نصوص مبارکه در جزوه بیت العدل اعظم گرد آورده، آقای ه. گهر ریز.

# شمیپی از گوی دوست

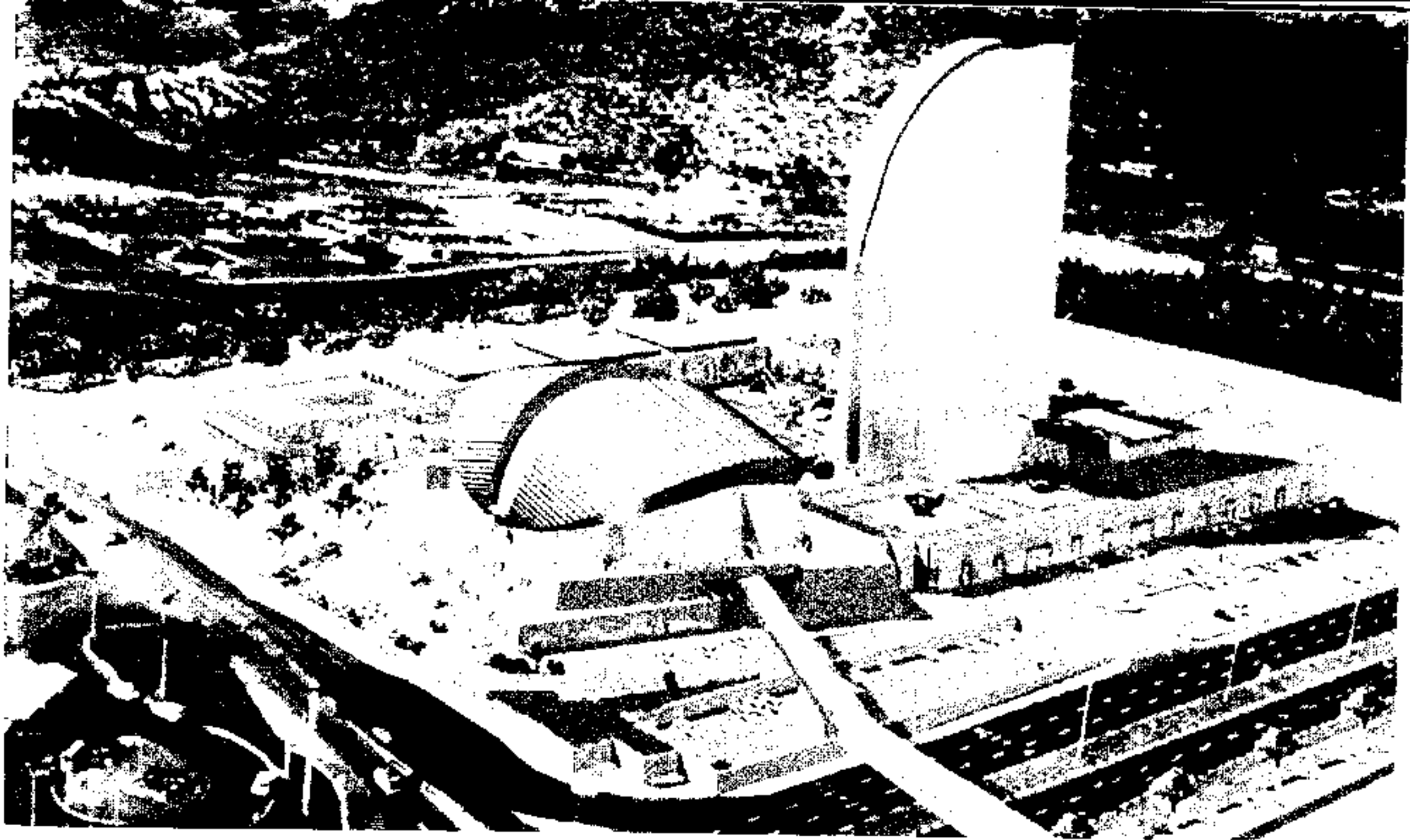
## گزارش روز به روز انجمن شور روحانی ملی جهانی

و باغ رضوان، و نیز ابنیه و تأسیسات مهمه‌ای چون دارالتشریح و طبقات کوه کرمل بازدید کردند و جان و دل خویش را از الهامات ناشی از این دیدار روحانی صفا و جلا بخشیدند. عصر ۲۸ اپریل جشن ولادت حضرت باب در باغ‌های بهشت‌آسای حول مقام اعلیٰ برگذار شد و روزهای ۲۹ اپریل تا دوم می به کانونشن بین‌المللی اختصاص یافت.

از مواهب خاصی که شامل حال نمایندگان ملل در هشتمین انجمن شور روحانی بین‌المللی شد پیام روح‌فرزای بیت العدل اعظم الهی مورخ ۹۸/۴/۲۳ خطاب به آن جمع جلیل بود که پس از خوش آمد به نمایندگان جوامع بهائی، به اهمیت خاص این مرحله از زمان که مقارن نیمه راه آخرین نقشه، تبلیغی جهان‌شمول قرن بیستم است اشاره می‌کند و از جمله یادآور می‌شود که برنامه، این کانونشن به موضوعات مختلفه تقسیم و تفکیک نشده تا نمایندگان آنچه را که پس از تفکر و توجه به سساحت الهی برای پیشرفت و ارتقاء امر یزدانی و حرکت در جهت تبلیغ جمعی مفید می‌دانند مطرح نمایند. از جمله تازگی‌ها و بدایع این کانونشن نمایش

ارض مقصود سرزمین موعود که در گذشته، ایام و عهد لانه و آشیانه، انبیاء بود اکنون سجده‌گاه اولیای حق از همه، اقطار و آفاق دنیا شده است. هزار و چند صد عضو محفل روحانی ملی که عملاً همه، فرهنگ‌ها و نژادها و ملیت‌ها را در بر می‌گیرد از ۱۷۵ سرزمین به شهر حیفا روی آوردند تا به انتخاب هشتمین بیت العدل اعظم الهی و شور و تبادل نظر در مسائل و امور بین‌المللی بهائی مبادرت کنند. در رضوان فرخنده، امسال که استثنائاً با دو عید خجسته، اول و دوم محرم یعنی میلاد جمال ابهی و حضرت ربّ اعلیٰ مقارن بود چنان می‌نمود که سلطان گل بر اریکه، عزت و جلال خویش نشسته و همه، مرغان چمن را از سراسر گیتی به تمشی و تغنی در رضوان قرب خویش دعوت کرده است.

در روزهای ۲۳ تا ۲۸ اپریل دسته دسته اعضای ۱۷۵ محفل روحانی ملی و ۸۱ تن مشاورین قاره‌ای با نظم و ترتیبی که شایسته، منتسبان به این نظم بدیع جهان‌آرای الهی است از اماکن مقدسه، متبرکه چون روضه، مبارکه، قصر بهجی، مقام اعلیٰ، بیت عبدالله پاشا، سجن عکا



محل تشکیل هشتمین انجمن شور روحانی جهانی بهائی

مشاوراتی که در ارض اقدس در طی این کانونشن صورت گرفت از يك سوی موفقیتها و پیروزیهای حاصل شده را ارزیابی کرد و از سوی دیگر افکار تازه و افقهای نوینی را برای افزایش سهم تشکیلات و جوامع ملی در ایفای نقش عظیمی که در مواجهه با "چالشهای" قرن بیست و یکم خواهند داشت عرضه نمود.

محلّی که کانونشن بین‌المللی در آن برقرار بود بنای تازه، شکوهمندی به نام Haifa Inter-national Convention Centre واقع در خیابان "کدوشه یاسی" نزدیک دریا بود. گوئی این بنا از آغاز برای چنین مجمع مهمّ جهان‌فراگیری طرح‌ریزی شده است.\* گیشه (باجه)های مختلف نمایندگان را خدمت و عندالضروره راهنمایی می‌کردند و در آنها هرچه مورد نیاز عامّه بود از قبل طراحی شده و در دسترس عموم قرار

\* این ساختمان عظیم که سقف زنگاری حلزون مانندش آن را از دور معرض توجه گذرندگان می‌کند فضائی در حدود ۴۸ هزار متر مربع را شامل می‌شود. تالار مرکزی این بنا گنجایش ۲۲۰۰ نفر را دارد و سالن‌های متعدد دیگرش ۱۳۵۰ نفر را در خود جای می‌دهد. ۱۵ هزار متر مربع فضا هم برای نمایشگاه‌های پیش‌بینی شده است.

يك ویدئوی نیم ساعته بود زیر عنوان "ایجاد يك فرهنگ رشد و توسعه" که در آن نگاهی به پیشرفت‌های مهمّ در رشد و توسعه، جامعه، یاران در هشت منطقه، جهان یعنی مناطقی که مخاطب پیام‌های اختصاصی رضوان ۱۵۳ بدیع شده‌اند ارائه گردیده است. در همین زمینه سندی کتبی نیز در اختیار شرکت‌کنندگان در کانونشن قرار گرفت و همچنین سند دیگری که راهنمایی‌های ارض اقدس را در زمینه وظائف و اهداف انستیتوهای تربیت نیروی انسانی حاوی بود توزیع شد. کتاب عالم بهائی مربوط به سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۷ اینک چاپ شده و در طول همین کانونشن توزیع گردید.

در پاراگراف آخر پیام ساحت رفیع آمده که پاسخ یاران در سراسر عالم به نقشه، چهار ساله موجب رضایت فراوان معهد اعلیٰ بوده است.



دو تن از اعضای محفل روحانی ملی مافولستان در لباس محلی

ایادی عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن به مسافرخانه می آیند و دوستان چون پروانه گرد شمع وجودشان مجتمع می شوند و از افاضات هدایت بخش حضرتشان درس مقامات معنوی می گیرند. بعد و قبل از آن. دسته دسته یاران رحمن به زیارت مقام اعلی و تربیت مطهر حضرت مولی الوری می روند در حالیکه تاج طلائی مقام در پرتو نورافکن های قوی، قصری رؤیائی آویخته در فضای ملکوت را مجسم می دارد و هر زائری در این لحظات احساس می کند که در عرش خدا به سیر و تماشا و ستایش و دعا مشغول است.

\*

بازدید تراس ها یا طبقات جبل کرمل که در دو سوی مقام اعلی در دست احداث است برای همه شرکت کنندگان در کانونشن بین المللی تجربه ای فراموش ناشدنی است. آنچه توجه را به خود معطوف می کند تنها زیبایی منظر هر طبقه که طرحی دگرگونه دارد و ترکیبی از حوضچه و فواره و گل و گیاه و جز آن

گرفت. قسمت ها و دوائر مختلف مؤسسات ارض اقدس از دائره، حقوق الله گرفته تا قسمت آمار، محفظه آثار، کتابخانه، بین المللی، دائره، سمعی و بصری، قسمت توسعه اجتماعی و اقتصادی و نظائر آن غرفهائی در محل کانونشن گشودند و اطلاعات مورد نیاز را به گویاترین و زیباترین صورت از طریق عکس، جزوه و غیر آن در اختیار علاقه مندان قرار می دادند. ادب، فروتنی و مهربانی از جانب مسئولان همه این غرفه ها جلوه خاصی به این مؤتمر بین المللی بخشید.

برنامه روز هرچه باشد غروب و شب هنگام اجتماع یاران پر وجد و شوق در مسافرخانه، مهمان نواز مقام اعلی است. خانعای بس پذیرا که سماورش هرگز از جوش نمی افتد و استکان های چایش همواره به دور است، بیستی که خاطره وجود اقدس حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله را که مکرر این خانه به قدم مبارکشان مشرف شده به خاطر می آورد. بیستی که جامه های رنگارنگ دوستان در آن گسترده گی جهانی امر محبوب جانان را یادآور می شود. هنگام عصر و غروب

# پیام یاران ایران

- پیام یاران ایران خطاب به انجمن شور روحانی بین‌المللی بهائی  
- ترجمه، تلگراف اعلیحضرت مالیوتو آتانومافیلی دوم خطاب به بیت العدل اعظم

پیام یاران ایران خطاب به انجمن

شور روحانی بین‌المللی بهائی

الله الابهی، «امکان نزدیک لا مکان شده و مرکز ادنی' قریب ملا اعلی' گشته. اتصالات بین عالم خاک و جهان پاک حاصل شده یک سر سیم در مرکز صدور مرکوز و سر دیگر در ملکوت رب غفور و برق الهام واسطه، کلام و قوه، جاذبه محبت‌الله کاشف اسرار.»

در این ایام که وزش لواقح الهی از مهب ملکوت ابهی بر اشرف نقطه، ثری' در ملک ادنی' در حرکت است هموطنان جمال کبریا به حکمت بالغه، الهیه سومین بار است که از شرکت در انجمن شور روحانی بین‌المللی محرومند و لکن در نهایت سرور و حبور روحانی و شکرانه به آستان مقدس عزیزدانی از صمیم قلب تبریک و تهنیت خویش را نثار آن حقله، نورا می‌نمایند. گرچه به ظاهر دورند و لکن در عالم روح و به مدد دعا و مناجات با آن مجمع مقدس همراز و همپیمان. از آستان محبوب عالمیان رجا می‌نمایند که مشاورات روحانی آن مؤتمر ملکوتی در این لحظات بسیار حساس و خطیر تاریخی منتج به نزول برکات عظیمه‌ای گردد تا اهل بهاء بتوانند در تسکین آلام جهانی اهل عالم دریاق اعظم گردد و جامعه، محبوب امر الهی را با قیادت مقتدرانه، بیت العدل اعظم در جهت مواجهه با تحولات و تغییرات این جهان پر آشوب بیش از پیش آماده سازد و هموطنان جمال قدم را در کشور مقدس ایران به توفیق خدمات شجاعانه به آستانش موفق دارد. جمع روحانیان سرور باد.

با تقدیم ارادت و عبودیت، یاران ایران

ترجمه، تلگراف اعلیحضرت مالیوتو

آتانومافیلی دوم خطاب به بیت العدل اعظم

مورخ ۲۸ اپریل ۱۹۹۸

مرکز جهانی بهائی، حیفا- اسرائیل؛

برادران محبوب و روحانیم،

با کمال سرور تحیات قلبی و تقدیرات صمیمانه، خود را از مساعی جمیله‌ای که در سبیل برگذاری پر موققت این واقعه، عظیم در تاریخ امر محبوب عالم حضرت بهاء‌الله مبذول داشته‌اید به آن معهد اعلی' و همکیشان عزیز بهائیم که در هشتمین انجمن شور بین‌المللی شرکت دارند ابلاغ می‌نمایم. در این ایام که آن انجمن در سایه، فضای آرام و پر جلال و حیرتانگیز کوه خدا و در جوار پیر انوار مقامات مقدسه در امور امرالله به مشورت می‌پردازد دعای ما بدرقه، همت شماست که به فضل و موهبت بی‌شمار جمال ابهی' فائز گردید و از قوای مکتونه، فائقه، عهد و میثاق غلیظش نیرو و توان یابید.

در این هنگام که جامعه، بهائی در این عصر پر شور و آشوب تاریخ بشری در راه ترقی و تقدم پویاست امید و آرزوی دل و جانم چنان است که نتایج آن انجمن نورانی با تأییدات ملا اعلی' که شامل خدمات مبذوله، اهل بهاء، در سراسر دنیاست هزاران بار برکت یافته و در حصول جذب اهل عالم در ظل لوی اسم اعظم به توفیقات باهره فائز گردد.



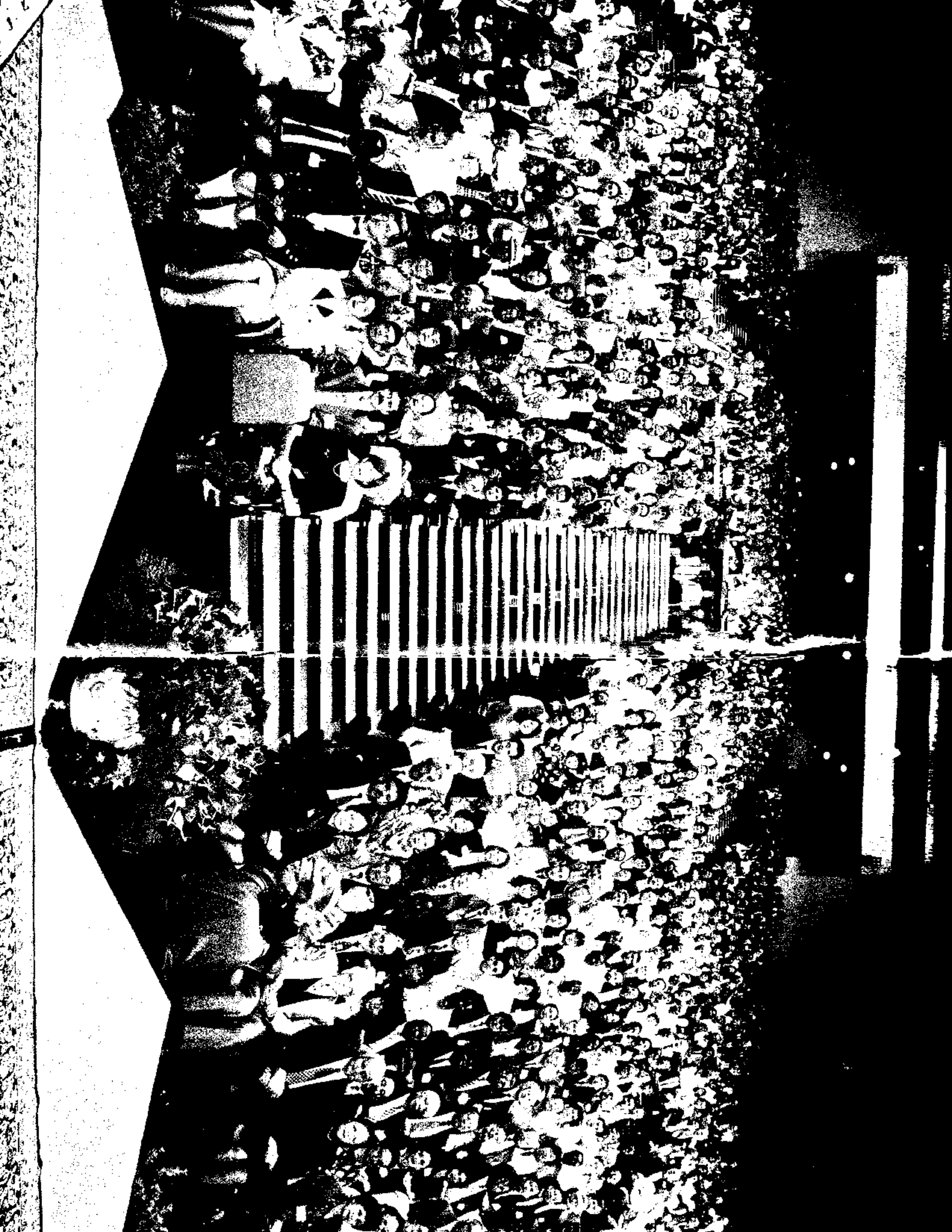
مظهر الهی در این ظهور کلی به توصیف خود اختصاص داده، آرامش و صفائی که به هنگام گشت و گذار و نظاره در این طبقات به بینندگان دست می‌دهد چه تعارض شگفتی با دنیای پر غوغای امروزی دارد. هم‌آهنگی میان مظاهر طبیعت یعنی سنگ و آب و گل و گیاه کنایه‌ای از آن است که از هم‌آهنگی و توازن در دنیای حقیقت، چه زیبایی‌ها برخوردار آمد.

با تکمیل دو پلی که بر معابر اطراف ساخته می‌شود تراس‌های کرم‌ل از بالاترین نقطه به پائین‌ترین اتصال خواهد یافت و تابلویی يك دست از مفرشی مشحون از رنگ‌های متنوع دلپذیر بر عابران ارائه خواهد کرد.

بازدیدکنندگان طبقات کرم‌ل توفیق آن را داشتند که به ساختمان دائره، مطالعه، نصوص و الواح مبارکه هدایت شوند و شایستگی و آراستگی این بنای زیبا را که ظاهراً در پایان سال جاری گشایش خواهد یافت ملاحظه و تصدیق کنند. این ساختمان در جانب شرقی دارالتشریح

است و به یاد یکی از حروف حی اختصاص یافته نیست همچنانکه بیت العدل اعظم الهی در پیام چهارم ژانویه، ۱۹۹۴ فرموده‌اند این طرح جمیل رمزی از تحوّل درونی و انقلاب روحانی است که باید در جهان در جهت صلح و عدالت و یگانگی تحقق پذیرد. مشاهده، اینکه چگونه کوه سنگی شکافته می‌شود، در بن و بنیاد به سیستم آب و برق و فاضلاب مجهز می‌گردد، به خاکی حاصلخیز پوشیده می‌آید و گل و گیاه در آن نشانده می‌شود و برای آنکه جریان آب این همه را نشوید و از دست نبرد خاکش به شبکه‌ای پلاستیکی تشبیت می‌گردد تا اندک اندک روئیدنی‌ها رشد کنند و سر بر آورند بیننده، اندیشمند را متذکر می‌کند که برای تحوّل دنیای امروز چه مسئولیت عظیمی در پیش است و برای انقلاب روحی آدمیانی که دل و مغزشان را نظام مادی کنونی به سنگ عقیم تبدیل کرده چه اندازه کوشش و تلاش ضرورت دارد.

طبقات کرم‌ل رمزی از صفت جمال است که





واقع شده و بر صفا، آن می‌توان  
بنای در دست ساختمان دارالتبلیغ  
بین‌المللی را که در نقطه، مقابل  
قرار گرفته تماشا و تحسین کرد.  
سرعتی که در احداث این ابنیه به  
کار رفته علی‌رغم نامساعد بودن  
شرایط روزگار و دشواری محل کار  
به راستی اعجاب‌آور است.

این بیان بیت العدل اعظم در  
پیام ذکر شده، ۱۹۹۴ را بخاطر  
آوریم که می‌فرماید:

«هنگامی که ابنیه، مزبور  
تشکیل شوند علناً به مثابه مقر  
مؤسسات قدرتمندی جلوه خواهند  
کرد که مقصدشان صرفاً تأمین  
روحانیت در عالم انسانی و صیانت  
و وقایت عدالت و ایجاد وحدت در  
جهان است.»

و بیان کتاب اشعیاء را به یاد  
آوریم:

«در آخر ایام واقع خواهد شد  
که کوه خانه، خداوند بر قلعه  
کوهها ثابت خواهد شد و فوق  
تلها برافراشته خواهد گردید و  
جمیع امتها به سوی آن روان  
خواهند شد... و او امتها را  
داوری خواهد نمود و قومهای  
بسیاری را تنبیه خواهد کرد... و  
امتی بر امتی شمشیر نخواهد  
کشید و بار دیگر جنگ را  
نخواهند آموخت.»

(کتاب اشعیاء نبی، باب دوم، آیه ۲)  
و از خاطرات نبریم این بشارت



اشعیای نبی را (باب ۲۸، آیه ۱۶) که گفت:

«خداوند بیهوه چنین می‌گوید اینک در صهیون سنگ  
بنیادی نهادم یعنی سنگ آزموده و سنگ زاویه گرانبها و  
اساس محکم پس هر که ایمان آورد تعجیل نخواهد نمود...»  
و در اشعیاء، باب ۲۵ آیه ۱ سبزی و خرمنی کرمل ذکر  
شده که:

«بیابان و زمین خشک شادمان خواهد شد و صحرا به  
وجد آمده مثل گل سرخ خواهد شکفت. شکوفه بسیار نموده  
با شادمانی و ترقم شادی خواهد کرد.»

\*

همانطور که گفته شد از مزایای هشتمین کانونشن  
بین‌المللی علاوه بر هم‌زمانی با ایام رضوان آن است که امسال

يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ. اِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ. « دو درخت نارنج پُربار در جوار آن بنای رفیع، شیراز و بیت مبارک و آن درخت متبرک را به یاد می آورد. اگر دست تطاول و جفا آن يك درخت را خشك کرد و ریشه برکند از دانه، آن دهها درخت نارنج در روضه‌های مقامات مقدسه، این سرزمین رشد کرده و ثمر آورده است.

\*

وصف شکوه، جلال و زیبایی تالار کانونشن بین‌المللی کاری آسان نیست. در مدخل تالار تابلوها و پوستره‌های متعددی آراسته به عکس‌های رنگین دیدنی که معرف کوشش‌ها و فعالیت‌های مختلف جهان بهائی است جلب توجه همگان را می‌کند. از جمله تابلوها بعضی به "تسریع جریان دخول افواج مقبلین در ظل شریعت رب العالمین" اختصاص دارد. پیشرفت امر از طریق مجاهدات فردی، جمعی و مساعی تشکیلات بهائی از جمله عناصر این نمایشگاه است. عکس‌های متعدد روابط امر را با اولیای امور و شخصیت‌های نامدار عالم نشان می‌دهد. ابلاغ و تبلیغ امر از طریق انواع هنر موضوع تابلوی دیگر است و همچنین

دو عید خجسته، اول و دوم محرم نیز در همین دوران برگزار می‌شود. روز ۲۸ اپریل ساعت ۴:۳۰ تا ۶:۳۰ بعد از ظهر جشن تولد حضرت ربّ اعلیٰ در باغ‌های دل‌آرای حول و حوش مقام اعلیٰ برپا گردید و فزون از ۱۷۰۰ نفر یاران حاضر در آن شرکت جستند. مساعدت هوا که در غایت اعتدال بود و عبور گاه‌گاهی ابرها که درخشش رنگ گل‌ها را نمایان‌تر می‌کرد و نسیم گوارائی که از سوی دریا می‌رسید و اهتزاز می‌بخشید بر رونق و جلوه، این جشن افزوده بود.

هر سه تن حضرات ایادی امرالله و اعضای بیت العدل اعظم الهی و همسرانشان در این اجتماع حضور داشتند. پس از تلاوت الواح و مناجات‌ها و منتخباتی از تاریخ نبیل زرنندی در مورد ولادت و طفولیت حضرت باب، زیارت‌نامه، مبارک به عربی و انگلیسی تلاوت شد و بعد همه، حاضران در حول مقام اعلیٰ به طواف رفتند و باوقار و آرامش در باغ‌های آن مقام مقدس به سیر و حرکت درآمدند. چهره‌های گشاده و شکفته که به سوی ملکه، کرمل می‌نگریست این آیه، قرآن مجید را به یاد می‌آورد که «وَجْوهُ



بیون سنگ  
سرنیها و  
بود...  
خرم دکر

صحرا به  
سیر نموده

کانونشن  
که مسال



ایادی امرالله سرکار روحیه خانم همراه با جناب فریدون گل محمدی، سمت راست جناب علی نخجوانی و سمت چپ جناب ادیب طاهرزاده اعضای بیت عدل اعظم دیده می شوند.

جهان برخیزند و این امر رحمانی را بلندآوازه کنند.

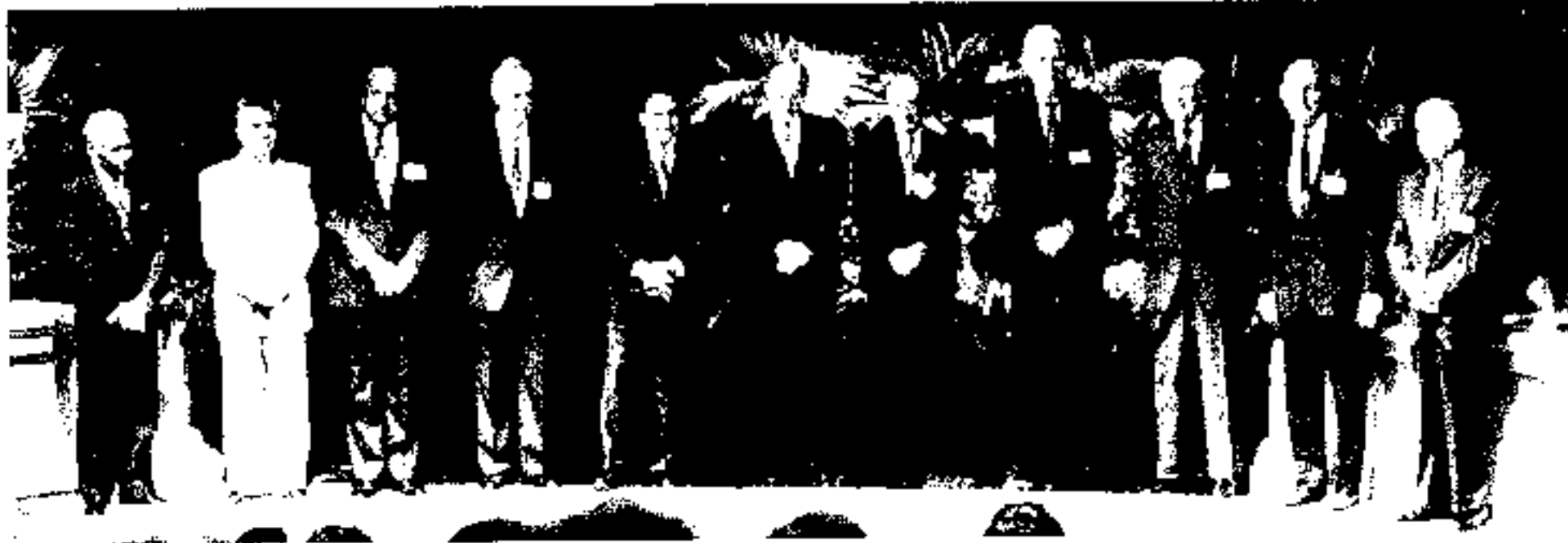
ابداء رأی از جانب یاران برای انتخاب بیت العدل اعظم الهی از هیجان آورترین اوقات کانونشن بین المللی بود. بعد از زیارت بخشی از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء درباره انتخاب بیت العدل و شرائط اعضای این معهد اعلیٰ، نمایندگان اعضای محافل ملی دعوت شدند که در قضای روحانی سرشار از ادعیه قلبی، آراء خویش را بنگارند و بعد به صندوق مخصوص افکنند. صحنه، تالار به گلها و گیاهانی رنگارنگ مزین بود و با اعلام نام هر سرزمینی اعضای محفل روحانی ملی آن به دنبال یکدیگر بر صحنه بر می شدند و آراء خود را تسلیم می کردند. تنوع کلاهها، لباسها، حتی شیوههای خرام حکایت از تعدد و تکثر اقوام و مللی می کرد که با حفظ اصالت فرهنگی خویش در زیر سرپرده، وحدت درآمده اند. سپید و سیاه، سرخ پوست و زردپوست دلهاشان همه به مهر یک محبوب عالمی در طپش آمده و بهم بستگی و پیوستگی

طرحهای جیل کرمل که خود با عکسها و تصاویر دیدنی جلوه نمائی خاص دارد.

در رأس ساعت ۸:۲۰ روز چهارشنبه ۲۹ اپریل که مقارن نهم ایام رضوان است کانونشن بین المللی آغاز کار کرد. سخنان افتتاحی را حضرت امه البهائیه روحیه خانم ایراد فرمودند و اظهار امیدواری کردند که «این کانونشن مبدأ جنبش و جهش تازه‌ای در تبلیغ وسیع امر حضرت پروردگار گردد. تأسیس نظم اداری هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای تحقق مدنیت صلح و وحدت حضرت بهاء الله است. حاصل چنین اجتماعی باید تبلیغ و اقبال توده‌های مردم عالم (Mass Conversion) به امر مبارک باشد تا همه در ظل خیمه، یک رنگ الهی درآیند و جهان جهان دیگر شود.»

یاران ایران ۹۵ گل سرخ تقدیم کانونشن کرده و پیامی برای این انجمن فرستاده بودند که خواننده شد و شور و هیجانی برانگیخت و اشک رقت در دیده، بسیاری آورد. یاران ایران آرزو کرده بودند که بسیاری از دوستان در اقطار

### تعداد آراء و نتیجه انتخابات هشتمین دوره بیت عدل اعظم الهی



چون عکس تازه‌ای از اعضای محترم بیت عدل اعظم بدستمان نرسید لذا عکسی که در هفتمین کانونشن جهانی گرفته شده در اینجا می‌آوریم. جنابان داوید روح و هیو چانس که به خواهش خود در آن دوره انتخاب نشدند و اکنون متأسفانه هر دو صعود کرده‌اند نیز در این عکس دیده می‌شوند.

اعظم گردید و نظار انتخابات می‌بایست  
 ۱۳,۸۲۴ اسم استخراج و شمارش نمایند.  
 نتیجه آراء به شرح زیر می‌باشد:  
 جنابان آقایان:  
 علی نخجوانی ۱,۲۲۷ رأی  
 پیتر خان Peter Khan ۱,۲۳۶ رأی  
 ادیب طاهرزاده ۱,۱۹۲ رأی  
 گلنفورد میچل Glenford Mitchel ۱۱۷۴ رأی  
 یان سمپل Jan Semple ۱,۱۴۳ رأی  
 هوپر دُنبار Hooper Dunbar ۱,۱۲۶ رأی  
 فرامرز ارباب ۱,۰۹۹ رأی  
 داگلاس مارتین Douglas Martin ۱,۰۹۱ رأی  
 هوشمند فتح اعظم ۱,۰۹۰ رأی.

در انتخابات امسال، نمایندگان ۱۷۵ محفل روحانی ملی (بالاترین عدد تاکنون در تاریخ امر) برای انتخاب بیت عدل اعظم رأی دادند که بر اساس ۹ نفر برای هر محفل، تعداد آراء ۱,۵۷۵ عدد می‌باشد. از این تعداد ۱,۵۴۳ رأی یا حضوراً یا با پست به صندوق ریخته شد یعنی فقط ۳۲ نفر موفق به ارسال رأی یا حضور در کانونشن نشدند. در میان آراء ۷ رأی باطل گردید زیرا یا اسمی را دوبار تکرار نموده بودند و یا تعداد افرادی که نوشته بودند کمتر یا بیشتر از ۹ نفر بود.  
 بنا بر این ۱۵۳۶ رأی معتبر که هر کدام شامل ۹ اسم می‌شد مبنای انتخابات بیت عدل



حجونی و  
 ر بند آوازه  
 انتخاب بیت  
 ترین اوقات  
 ت بخشی از  
 دوره انتخاب  
 عهد اعلی،  
 شد که در  
 آراء خویش  
 و می‌کنند.  
 قدرنگ مزین  
 صدی محفل  
 بر صحنه بر  
 وند. تنوع  
 حکایت از  
 که با حفظ  
 و حدت  
 ریخت و  
 محبوب  
 پیوستگی

مهم‌ترین نکاتی که از آراء و نظرات اعضای انجمن شور روحانی بین‌المللی استنباط می‌شد در این پنج نکته قابل ارائه است:

- ۱- اکثر نمایندگان تأکید کردند که باید در معرفی امر الهی جنبه روحانی آن بیشتر مورد یادآوری واقع گردد.
- ۲- در پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین، تربیت و تعلیم اطفال و جوانان از اهمیت خاص برخوردار است.
- ۳- از وسائل سمعی و بصری و تکنولوژی جدید باید برای اشاعه کلام الهی استفاده شایسته کرد.
- ۴- امر مبارک را باید به نحوی ساده ارائه کرد که در دسترس و درخور فهم همگان باشد.
- ۵- کلید موفقیت در پیشرفت تبلیغ و ابلاغ کلمه همکاری و وحدت نظر دو مؤسسه انتخابی و انتصابی است.

که بی‌گمان تحولات مهمی را در آینده، ایام در پیشرفت کلمه الهی در این سرزمین مستعد نوید می‌دهد.

روز پنج‌شنبه ۳۰ اپریل با زیارت پیام رضوان بیت العدل اعظم الهی آغاز شد. پس از آن حضرات ایادی امرالله جنابان فروتن و ورقا سخنانی در تأیید ضرورت تبلیغ بیان کردند. نمایش ویدئوئی درباره پیشرفت تبلیغ جمعی در ۸ منطقه جهان که استادانه تهیه شده بود ارائه شد و بعد از حدود ساعت ۱۱ صبح بحث و مشورت شرکت‌کنندگان در کانونشن بین‌المللی آغاز شد که به مدت سه روز ادامه یافت.

در ساعت ۱۲ نتیجه انتخاب اعضای بیت العدل اعظم اعلام شد. ۱۵۷۵ رأی به صندوق ریخته شده. اعضای قبلی بیت عدل اعظم مجدداً به همان خدمت برگزیده شدند. (مراجعه فرمائید به ص ۳۷).

حاصل کرده است. چه معجزه‌ای از این بزرگ‌تر و چه هنرنمایی از این فزون‌تر می‌توان توقع کرد؟ تالار کانونشن که با سقف مدور و دیوارهای نیلگون‌اش نیم کره را مجسم می‌کرد فی الحقیقه نمایندگان همه کره زمین را در بر گرفته بود و نموداری از این فراگیری امر یزدانی بود. شاعر راست گفته است که:

حسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت

آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت  
در میان اعضای کانونشن ۳ نفر به ریاست مستخرجین و ۱۸ نفر برای استخراج آراء منتخب شدند. نتیجه انتخابات روز بعد اعلام شد.

در پایان جلسه صبح ۴/۲۹ پیامی شورانگیز از سلطان ساموا خوانده شد که در آن اظهار امیدواری شده که به همت یاران، امر یزدان بر سراسر جهان اشاعه گردد و سایه گسترده مناجات خاتمه به زبان چینی تلاوت شد



هزاران نفر زائران ارض اقدس که در دهه‌های اخیر در روضه مبارکه سر بر آن آستان مقدس نهاده‌اند از میهمان‌نوازی و لطف و محبت خاتم روحانیه و آقای فریدون گل‌محمدی که در کمال خاکساری پاسبانی آن مقدس‌ترین نقطه عالم را بر عهده دارند بهره‌مند بوده‌اند.

امر به دست ناخدایانی قابل و لایق سپرده شد و بار دیگر بشارت جریان سفینة‌الله بر جبل رب صورت تحقق گرفت.

کانونشن بین‌المللی تا دوم ماه می ادامه یافت و عصر روز آخر همه شرکت‌کنندگان به بهجی رفته و جشن فرخنده رضوان را گرامی داشتند.



آن نفوس جلیل به دعوت رئیس جلسه بر صحنه برآمدند و جناب علی نخجوانی از طرف عموم اعضاء ضمن ابراز امتنان از اعتمادی که یاران به آن هیئت نشان داده‌اند فروتنی خویش را در مقابل وظائف عظیم و خطیری که در پیش دارند بیان کردند و فرمودند که به قدرت جمال مبارک باید اتکاء کرد، آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد. همه باید این دوره خدمت را مهم‌ترین و پربارترین دوران خدمت خویش تلقی کنیم و به اقتضای آن سلوک و رفتار نمائیم. جناب نخجوانی به حضور دختر والاگهر پادشاه ساموآی غربی و همسر عالی‌قدر ریاست کشور سی‌شل در این جمع نورانی به عنوان عضو محفل ملی مملکت خویش اشاره کردند و به هر دو خوش‌آمد گفتند و موفقیت عموم را در خدمت به درگاه محبوب عالمیان آرزو نمودند. کف زدن حضار از عشق و علاقه به معهد اعلی مملو و سرشار بود. همه در دل شاکر بودند که سگان

## سالی پیاد ماندنی : سال ۱۹۶۳

### در سال تأسیس نخستین بیت العدل اعظم الهی در جهان چه گذشت؟

سال ۱۹۶۳ با پاره‌ای وقایع مسرت بخش در عالم قرین است. در ۲۲ ژانویه عهدنامه هم‌کاری و دوستی میان دو کشور آلمان و فرانسه که سال‌ها دشمن یکدیگر بودند بسته شد. بحران برلن که در سال ۱۹۵۸ آغاز شده بود به موافقت اتحاد شوروی پایان یافت و رهبر شوروی از انعقاد عهد نامه صلح جداگانه با جمهوری دموکراتیک آلمان یعنی آلمان شرقی صرف‌نظر کرد. در همین سال کشورهای ۶ گانه اروپا که بنیاد گذار اتحادیه اقتصاد اروپا هستند با آمریکا در مورد کاهش تعرفه‌های گمرکی بین بازار مشترک و امریکای شمالی توافق می‌کنند. در ایران به دنبال اعلام انقلاب سفید مجلس شورای ملی در تاریخ دوم مارس حق رأی در انتخابات به زنان اعطا می‌کند. در فاصله ۲۲ و ۲۵ مه رؤسای سی کشور مستقل افریقا گرد هم جمع میشوند و منشور سازمان وحدت افریقا (OUA) را بامضاء می‌رسانند و در نتیجه مرزهای فاصل میان ممالک مختلف که از دوره استعمار باقی مانده مورد تصویب و تثبیت قرار می‌گیرد.

در سال مذکور کاست برای ثبت و حفظ اصوات اختراع می‌شود. طرح کاست را شرکت معروف هلندی فیلیپس ریخته است. پیش از آن نوارهای مغناطیسی برای ضبط اصوات مورد

سال ۱۹۶۳ که بیت العدل اعظم برای نخستین بار تأسیس یافت مقارن صدمین سال ظهور علنی جمال اقدس ابهی در باغ رضوان بود. سالی فرخنده و شکوهمند که در آن نقشه ده ساله جهاد کبیر جهانی که به فرمان مولای یکتا حضرت ولی امرالله آغاز و انجام یافته بود به همت و تحت مراقبت حضرات ایادی به تاج پیروزی نهائی مکلل شد. حاصل و خلاصه موفقیت‌های این نقشه تاریخی را در جلد سیزدهم عالم بهائی در صفحات ۴۵۹ - ۶۰ می‌توان خواند. در رضوان آن سال نمایندگان ۵۶ محفل روحانی ملی در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در حیفا گرد آمدند و در انتخاب اولین بیت‌العدل اعظم الهی مشارکت نمودند. از ۵۱ محفل ملی ۲۸۸ عضو در آن اجتماع سرنوشت ساز حضور داشتند و بقیه محافل آراء خود را با پست فرستاده بودند. این اجتماع در فاصله ۲۸ آوریل و دوم مه برگزار شد و پس از آن اکثر افراد حاضر در حیفا به لندن پرواز کردند تا در جشن صدمین سال ظهور حضرت بهاء‌الله شرکت نمایند. حدود ۶ هزار نفر از بهائیان سراسر جهان در آن حاضر بودند و در تاریخ ۳۰ آوریل اعضای بیت العدل اعظم به حاضران آن مجمع معرفی شدند.

استفاده بود. توسعه مصرف کاست از آن زمان تا کنون باور نکردنی است. امروزه در هر شهری هزارها و هزارها افراد کاست موسیقی در جیب و گوشی در گوش حرکت می‌کنند و نمی‌خواهند لحظه‌ای از موهبت شنیدن آهنگ‌های مطلوب خود محروم باشند

در پنجم اوت ۱۹۶۳ قرارداد ممنوعیت محدود آزمایش‌های اتمی بین آمریکا و شوروی به امضاء رسید که نشانه‌ای از پایان دوران کشمکش بحران کوبا است.

در ۲۸ اوت حدود دویست هزار نفر افراد خصوصاً سیاه پوستان راه پیمائی صلح آمیزی را در واشنگتن پایتخت آمریکا بنفع حقوق مدنی برآه می‌اندازند.

سارتین لوترکینگ در نطق معروف خود می‌گوید من رؤیای آن آمریکائی را در خواب دیده‌ام که در آن جایی برای کینه و بی‌عدالتی نیست.

در ۱۲ دسامبر کنیا استقلال خود را در چهار چوب جامعه مشترک‌المنافع اعلام می‌دارد. در ۱۶ سپتامبر مالزی با صورت اتحادیه‌ای از سرزمین‌ها چون مالزی - سارواک و صباح (که اکنون در ۱۹۹۸ دارای محفل ملی مستقل می‌شوند) بوجود می‌آید. در همین سال است که صلیب سرخ جهانی به مناسبت خدمات انسانیش جایزه صلح نوبل را احراز می‌کند.

اما سال ۱۹۶۳ از بعضی وقایع ناگوار چون قتل جان اف کندی (۲۲ نوامبر) و کودتاهای نظامی و سقوط دولت‌ها و جنگ‌ها و اختلافات درون کشورها، برخورد احزاب مختلف با یکدیگر و نظائر آن خالی نیست که ذکرش در این جا ضرورت ندارد.

در همین سال است که پاپ فرمان مهم خود یعنی "صلح بر روی زمین" را صادر می‌کند - Pace

mim terris و پل ششم به مقام پایی یعنی رهبری دنیای کاتولیک منصوب می‌شود.

اولین پیام بیت‌العدل اعظم الهی به کانونشن‌های ملی در تاریخ ۷ مه همان سال صادر می‌شود. از آن پس جامعه بهائی هر سال علاوه بر این پیام یعنی پیام رضوان خطاب به جامعه‌های ملی، دریافت کننده پیام‌های متعددی از معهد اعلی است که الهام بخش و راهنمائی کننده افراد و جوامع و تشکیلات در حرکت بسوی موفقیت‌های بیشتر است. در ۱۹ مه ایادی امرالله به محافل ملی و کانونشن‌ها خبر می‌دهند که من بعد ۵ تن از ایادی ساکن ارض اقدس خواهند بود: ام‌البهاء، روحیه خانم - جناب لروی آیواس - جناب علی اکبر فروتن - جناب پل هنی و جناب ابوالقاسم فیضی.

حضرات ایادی در اعلامیه تاریخی مورخ ۷ ژوئن خود همه اختیارات و اقتدارات و حقوقی را که به موجب اعلامیه ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ به خود تخصیص داده بودند به بیت‌العدل اعظم الهی واگذار می‌کنند. در همین اعلامیه اخیر آمده بود که ایادی امرالله وظایف خود را تا هنگام تشکیل بیت‌العدل اعظم ادامه خواهند داد. بیت‌العدل اعظم الهی در ۱۶ ژوئن اعلام می‌دارند که مقر معهد اعلی همان مسافرخانه غربی سابق خواهد بود. در ۲۵ اوت به عالم بهائی اطلاع داده می‌شود که مشرق‌الاذکار عشق آباد را مقامات شوروی به علت آسیب‌هایی که از زلزله دیده بود خراب می‌کنند.

در ماه اکتبر ساحت رفیع جامعه بهائی را مطلع می‌کنند که از رضوان سال بعد اولین نقشه نه ساله در ظل هدایت آن مقام منبع در عالم بهائی طرح شده و به اجراء در خواهد آمد.

با تأسیس بیت‌العدل اعظم امر الهی وارد سومین عهد از عهد عصر تکوین می‌شود.



# گذری تند بر تاریخ حیفا

شهری که میهماندار انجمن شور روحانی جهانی بود

پژوهنده

سال ۱۷۹۹ شهر حیفا در تسخیر ناپلئون فرانسوی درآمد.

ابراهیم پاشا ژنرال مصری حیفا را در سال ۱۸۲۹ فتح کرد ولی بزودی قشون ترکیه شهر را در محاصره آورده (۱۸۴۰) در حالیکه کشتی‌های جنگی اروپائیان از قشون اخیر پشتیبانی می‌نمود. در سال ۱۹۱۸ نیروهای بریتانیا شهر را اشغال کرد و بزودی (۱۹۲۲) شهر مذکور بخشی از فلسطین که در تحت قیمومت انگلستان قرار گرفت، محسوب گردید.

در نیمه قرن نوزدهم یعنی هنگامی که ظهور بدیع در شیراز وقوع یافت حیفا یک قریه، ماهی‌گیری بود و جمعیتی در حدود دو هزار نفر داشت.

از نظر موقعیت بندری که این شهر حائز بود متدرجاً اهمیت و جمعیت آن فزونی گرفت بطوری که در سال ۱۹۲۲ از نظر تعداد نفوس سومین شهر فلسطین محسوب گشت و جمعیتی نزدیک به ۲۵ هزار نفر را در برگرفت. رونق شهر با ایجاد خطوط آهن که ذکرش خواهد آمد و در فاصله سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۹ یعنی در زمان اقامت حضرت مولی‌الوری در حیفا کشیده شد بیشتر شد و تأسیسات بندری نیز در سال ۱۹۳۴ یعنی در روزگار ولایت امرالله تکمیل گردید. در فاصله سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۹

حیفا شهری که هشتمین انجمن شور روحانی بین‌المللی بهائی در آن برگزار شد، شهری که پایگاه اصلی مؤسسات جهانی این آئین یزدانی است شهری نیست که هرگاه از مجاورت مقام ایلیا چشم پوشیم بتوان گفت گذشته، آن درخشش و تابندگی خاص داشته است. اما در این شبهه نیست که به شهادت آنچه در آثار مبارکه، بهائی آمده یا بر زبان حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله رفته آینده‌ای بسیار مشعشع خواهد داشت و مرکزیت جهانی حاصل خواهد کرد.

بنا به آمارهای سال ۱۹۹۶ حیفا سومین شهر بزرگ اسرائیل است و از نظر جمعیت بعد از اورشلیم (بیت المقدس) و مجموعه تل‌آویو و یافا واقع است و جمعیتی بالای ۲۵۲ هزار نفر دارد. در آغاز (عصر بیزانس) نامش "سیکامینوم" Sycaminum بوده. به هنگام وقوع جنگ‌های صلیبی حیفا قلعه، مستحکمی بود که آن را "تانکرد" Tancrede در سال ۱۱۰۰ فتح کرد و بعد به دست صلاح‌الدین ایوبی افتاد که به هنگام تصرف شهر و بعد از آن، آن دژ و دیوار را سخت ویران نمود (۱۱۹۱ م). گویند حیفا زادگاه "قیافا" روحانی بزرگ یهودی بود که ذکرش در انجیل آمده است و از این رو چندی به نام وی Caiphاس یا Caiffا نامیده می‌شده. در



خیابان هگفن، حیفا. منظره، عمومی زمینی که خیمه، حضرت بهاء‌الله در آن افراشته شده بود.

چنانکه زائران ملاحظه کرده‌اند خانه‌ها و هتل‌ها و مغازه‌ها بر روی شیب کوه کرمل بوجود آمده‌اند. بخش فوقانی و تحتانی شهر را خط آهن زیرزمینی (کرملیت) که در سال ۱۹۵۹ مفتوح شد متصل می‌کند.

از جمله مؤسسات معتبری که بر جبل کرمل بنا شده "تکیون" یا انستیتوی اسرائیلی تکنولوژی است (که در ۱۹۲۴ گشایش یافته) و نیز باید به دانشکاه حیفا شارت کرد. شهر دارای یک موزه وسیع دریائی است (افتتاح در ۱۹۵۴) و نیز شامل پارک‌های متعدد است که در میان آنها به تصدیق همگان باغ‌های حول مقام

پالایشگاه‌های نفت بوجود آمد و نفت خامی را که از منطقه، کرکوک توسط لوله‌ها بدانجا می‌رسید تصفیه می‌نمود. از سال ۱۹۴۸ که سرحدات اسرائیل بسته شد ناچار وضع از این بابت به کلی تغییر کرد. تمایل شهر به اینکه به سوی بخش خدمات روی آورد از همان زمان آغاز شده است. اکنون حدود سه چهارم نیروی کار در حیفا در بخش خدمات شاغل است و بقیه افراد فعال در کار صنعت مشغولند. غلبه کامل جمعیت با عنصر یهودی است و می‌توان گفت که تجارت و امور بندری بخش مهم اقتصاد این شهر را تشکیل می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱- در حالیکه قبل از جنگ فی مابین یهود و عرب در سال ۱۹۴۸ تعداد اعراب در آن شهر فزون از ۵۰ هزار بود. آن عده به حدود ۳ هزار نفر که تمایل خود را به ادامه زندگی در کشور اسرائیل ابراز داشتند کاهش یافت. بیشتر عربها در قسمت قدیمی شهر در غرب شهر مرکزی (پای کوه) سکونت دارند در حالیکه منطقه یهودی‌نشین هدرها کرمل روی ارتفاعات جبل کرمل ادامه یافته و گسترده شده است.

۲- حیفا بندر عمده، کشور اسرائیل است و حجم رفت و آمد کالاهای در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۹.۲ میلیون تن تخمین زده شده است. (ترافیک بندری در سال ۱۹۸۲ فقط ۵ میلیون تن بود.)

زیبائی همه، شهرهای دیگر آن سرزمین را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

\*

می‌توان گفت که امروزه شهر حیفا صورت شهری بین‌المللی به خود گرفته و علاوه بر یهود و عرب، اقوامی دیگر را نیز در بر دارد و دائماً در حالت اتساع است چنانکه نویسندگان دائرة المعارف Universal (۱۹۹۶) به حق حیفا و عکا و سرنوشت آن دو را بهم بستگی داده‌اند. انحطاط عکا در قرن پیش و نیمه، اول قرن حاضر در رشد و اعتلا حیفا بی‌تأثیر نبود. در پیشرفت حیفایی‌گمان استقرار کلنی "آلمانی" در سال ۱۸۶۸ نیز اثری داشت. در این سال بود که "تامپلیها" که در انتظار موعود انجیل بودند به حیفا آمدند و نمونه‌هایی از خانه‌های ایشان که لوحه، سردرهایش از شوق و شور انتظار حکایت می‌کند موجود است.\* ویلهلم دوم که مورد اشاره و خطاب حضرت بهاء‌الله قرار گرفته در سال ۱۸۹۸ از حیفا بازدید کرد و ظاهراً وی در تصمیم حکومت عثمانی به احداث خط آهن از حیفا به طرف حجاز مؤثر بوده است خطی که در سال ۱۹۰۵ ساختمانش پایان گرفت. خط دیگر آهن به سوی "کازا" و مصر در زمان قیمومت انگلیسی‌ها ساخته شد و حیفا را به صورت گره‌گاه راه‌آهن فلسطین درآورد و خود این موقعیت ممتاز ارتباطی، عامل رونق تحول صنعتی است که به اجمال ذکرش رفت.

\*

باید اذعان کرد که حیفا شهر آینده است آینده‌ای که شکوه و جلای آن در پرتو امر موعود جهانیان هرگز در گذشته، این دیار سابقه‌ای نداشته است.

اعلیٰ (باغ‌های ایرانی) چون گوهری یکتا می‌درخشد.

اما چون اشاره به خطوط آهن شد باید یادآور شد که حیفا از این طریق هم به تل‌آویو و اورشلیم (بیت المقدس) و نگف Negev متصل است و هم قنابل اتصال به دمشق و حجاز می‌باشد.

صنایع متعددی در حول و حوش حیفا استقرار دارد. از صنایع شیمیایی و نساجی و سیمان گرفته تا اتومبیل سازی و کشتی سازی و شیشه سازی و ذوب آهن و صنایع غذایی که بی‌گمان آلودگی هوای حیفا به دود و گاز که از فراز کوه کرمل به آسانی می‌توان ملاحظه نمود نتیجه، این تراکم صنعتی است.

نام حیفا در تلمود کلیمیان آمده. اوزبیوس Eusebius از علمای علوم الهی در مسیحیت نام شهر را سیکامینوس خوانده است. در مقابل سکوت نسبی مورخان درباره، حیفا که نتیجه، قلت شأن و مرتبه، نظامی یا اقتصادی آن در گذشته، دور بوده کوه کرمل مورد اشاره، فراوان در تورات و انجیل واقع شده است که در آثار بهائی از آن مشروحاً سخن رفته. اقبال و نیکبختی هنگامی به حیفا روی آورد که جمال قدم در زیر سروهای سایه‌گستر باغ‌های کنونی مقام اعلیٰ با انگشت زمین سنگلاخی را که باید در آن عرش حضرت ربّ اعلیٰ استقرار یابد به فرزند جلیل‌القدر خود مشخص فرمودند و نیز بر همین جبل، لوح کرمل را که منشور مرکز تأسیسات بین‌المللی بهائی است نازل کردند. هم‌اکنون منظره، مسلط بر حیفا همان تاج طلائی مقام اعلیٰ است که بزودی با افزایش تراس‌های هجده‌گانه و چمن‌ها و گل‌ها و گیاه‌ها و قوارها

\* ر. ک. به کتاب: Door of Hope اثر جناب دکتر دیوید روح، ص ۱۲۲.

## نام محافل روحانی ملی که در انتخابات اخیر شرکت داشتند

\* نام‌های محافل روحانی ملی به ترتیب الفبائی (لاتین) همراه با محل آنها در نقشه، هر قاره بر روی پرده منعکس می‌شد و اعضاء با نظم و ترتیب شایسته ستایش بر صحنه رفتند و رأی می‌دادند در حالیکه آوای موسیقی و ترنم یا بهاء الابهی یا علی الاعلی در سالن طنین داشت، به این شرح: آلاسکا، آلبانی، جزائر آندامان و نیکوبار، آنگولا، آرژانتین، شبه جزیره عربستان، ارمنستان، استرالیا، اطیش، آذربایجان، باهاماس، بحرین، ممالک بالتیک، بنگلادش، باربادوس، بلاروس، بلژیک، بلیز، بنن، برمودا، بولیوی، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، بورکینا، کامبوج، کامرون، کانادا، جزائر کاناری، کاتپاورده، جمهوری افریقای جنوبی، چاد، شیلی، کلمبیا، جمهوری کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو، جزائر کوک (خانم‌ها با تاج‌های زیبای گلی)، ساحل عاج، کوبا، قبرس، چکسلواکی، دانمارک، دومینیک، جمهوری دومینیکن، جزائر لیوارد شرقی، جزائر کارولین شرقی، اکوادور، السالوادور، گینه استوائی، اریتره، اتیوپی (همیشه)، جزائر فیجی (با لباس‌های بسیار زیبای بومی)، فنلاند، فرانسه، گینه فرانسه‌زبان، گابون، گامبیا، گرجستان، آلمان، گانا، یونان، گسرینلند، گرونادا، گوادولوپ، گینه، گینه بیسوا، گویان، گواتمالا، هائیتی، جزائر هاوایی (خانم‌ها با تاج‌های زیبای گلی)، هندوراس، هنگ‌کنگ، هنگری، ایسلند، هند، جمهوری ایرلند، ایتالیا، جامائیکا، ژاپن،

آردن، قزاقستان (با لباس‌های بدیع)، کنیا، کیریباتی، گره، کویت، قرقیزستان، لائوس، لبنان (از جمله ممالک اسلامی که آراء خود را فرستاده بودند)، لسوتو، لوکزامبورگ، ماکائو، ماداگاسکار، مالاوی، مالزی، مالی، جزائر مازینا، جزائر مارشال، مارینیک، موریس (موریشیوس)، مکزیک، مولداوی (مولدووا)، مغولستان (با کلام‌های دارای نوك بلند)، مراکش (مغرب)، موزامبیک، میانمار (دستار به سر)، نامیبیا، نپال، هلند، نیوکالدونی و جزائر لویالتی (همه پیراهن آبی لاجوردی یک‌رنگ)، نیوزیلند، نیکاراگوئه، نیجر، نیجریا، نروژ، عمان، پاکستان، پاناما، پاپوا نیوگینی، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، لهستان، پرتقال، پورتوریکو، قطر، رئونینون، رومانی، فدراسیون روسیه (کف زدن شدید حضار)، رواندا، ساموآ، سائوتوم و پرنسیب، سنگال، سی‌شل، سیسیلی، سیرالئون، سنگاپور، اسلووانی و کرواسی، جزائر سلیمان (سولومون)، افریقای جنوبی، اسپانیا، سریلانکا (سیلان)، سنت لویچیا، سن ونسان و گرنادین، سودان، سورینام، سوازیلند، سوئد، سویس، تایوان، تاجیکستان، تانزانیا، تایلند، توگو، تونگا، ترینیداد و توباگو، تونس، ترکیه، ترکمنستان، تووالو، یوگاندا، اوکراین، امارات متحده عربی، انگلستان، امریکا، اوروگوئه، اوزبکستان، وانواتی، ونزوئلا، جزائر ویرجینی، جزائر لیوارد غربی، جزائر کارولین غربی، یمن، زامبیا و زیمباوه.

# کنگره اتحاد نژادی و قضیه حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی (۲)

«... بعضی از نفوس طوطی صفتند هر صدائی را بیاموزند و آن آواز را بخوانند ولکن خود از آنچه می‌گویند بی‌خبرند...»  
حضرت عبدالبهاء

مهرداد بشیری

بقیه از شماره پیش

تنظیم می‌نماید. میرزا یحیی<sup>۱</sup> در روز پنج‌شنبه سه شهرالجمادی الثانیه، ۱۳۲۹ طهران را به اتفاق پسر ده ساله خود با جوان دیگری از منسوبان به سمت اروپا ترک می‌نماید. مخارج سفر وی به عهده دولت ایران بود. در این سفر علی‌قلی‌خان سردار اسعد به عنوان معالجه، چشم و همچنین وزیر علوم وقت محمد علی‌خان علاء السلطنه نیز به نمایندگی از طرف شخص سلطان احمدشاه برای شرکت در جشن تاجگذاری ژرژ پنجم پادشاه انگلیس همراه میرزا یحیی بودند. مسافری از طریق بادکوبه با کشتی عازم وین می‌گردند. دولت‌آبادی سپس عازم لوزان سوئیس شده و پس از اندکی توقف در آنجا دو جوان همراه خود را موقتاً در شهر ووه Vevey گذارده عازم لندن می‌گردد. ورود دولت‌آبادی به لندن يك ماه و اندی (اوایل جون ۱۹۱۱) پیش از انعقاد کنگره نژادی و مقارن مراسم تاجگذاری بوده و میرزا یحیی<sup>۱</sup> نیز بواسطه سفیر کبیر ایران در لندن به عنوان نماینده علوم و معارف و فرهنگ ایران در این مراسم شرکت می‌نماید.<sup>۱</sup>

در سوئیس ملاقاتی بین دولت‌آبادی و مسیو دریفوس دست می‌دهد که شرح آن را مسیو دریفوس در حضور حضرت عبدالبهاء چنین نقل می‌کند:  
«مسیو دریفوس... به عرض مبارک رسانید: در لوزان چون کاشف عمل آمد دیدند حاجی میرزا یحیی<sup>۱</sup>

حاج میرزا یحیی<sup>۱</sup> در فوریه ۱۹۱۰ دعوت‌نامه‌ای از کنگره نژادی به منظور عضویت افتخاری این انجمن دریافت می‌دارد. وی که بوسیله میرزا مهدی‌خان متیر نمائت وزیر مختار ایران در لندن به این انجمن معرفی شده بود جواب مثبت تشویق آمیزی به این دعوت می‌دهد. از قرار معلوم مسئولین کنگره از تعداد دیگری از رجال ایران نیز به عضویت به عمل آورده بودند معیناً وی تنها فردی است که عکس العمل موافقی ظاهر می‌سازد. مجدداً مسئولین کنگره نامه‌ای به وی نوشته و خواستار تنظیم رساله‌ای راجع به ایران برای ارائه در اجلاسیه عمومی این کنگره در جولای ۱۹۱۱ می‌گردند. این رساله بایست محدود به ۴۳۰۰ کلمه بوده و در زمینه استقلال ملی، مسئولیت مدنی، اخلاق و عادات، مذهب، زبان، زنان و مشروطیت تنظیم گردد. میرزا یحیی<sup>۱</sup> این رساله را به زبان فارسی تهیه می‌نماید و فردی به نام یحیی‌خان قراگوزلو که آشنائی به زبان فرانسه داشته در ترجمه وی را مساعدت می‌نماید. سپس این رساله در حضور برخی از وزرا و نمایندگان مجلس شورای ملی خوانده شده و با جلب نظرات ایشان تکمیل می‌گردد.

در کنار تهیه این رساله، میرزا یحیی<sup>۱</sup> به حسب درخواست مسئولین کنگره چندین آلبوم عکس نیز از نقاط مختلف ایران برای نمایش در کنگره تهیه و

با زن یکی از مسترهای آنجا که در خانه او منزل داشته رفیق بوده او را از خانه بیرون کردند و عمل قبیح او را نشر دادند و چون من خودم از او پرسیدم که چنین مسئله‌ای درباره شما می‌گویند این چه کاری بود؟ جواب گفت که این از مقتضای طبیعت است الی آخر.

فرمودند اساس اینها بر هر هرج و مرجست از این عمل رئیس اعمال باقی را بفهمید این ابلهان با این خسران حال می‌خواهند مقاومت امری که شرق و غرب را به اهتزاز آورده و نفوس را به ملکوت تقدیس متوجه ساخته.<sup>۲</sup>

دولت‌آبادی در مدت قبل از انعقاد اجلاسیه رسمی کنگره در چندین جلسه که سرگب از نمایندگان بود که تاکنون به لندن رسیده بودند شرکت می‌نماید. در این جلسات مقدماتی وی نظراتی را ارائه می‌دهد که نمایانگر بارز بیانات حضرت عبدالبهاء در لوح لاهه در این رابطه می‌باشد. دولت‌آبادی در خاطرات خویش صورت یکی از پیشنهادات خود را چنین می‌نویسد:

«اصول اختلافات ملل چند چیز است: خط و زبان، اخلاق و عادات [و] عقاید مذهبی [و] حدود سیاسی.

اما خط و زبان البته هیچ قوم ترك خط و زبان خود را نمی‌گویند و به زبان قوم دیگر بگویند و بنویسند. ولی ایجاد يك خط و زبان بین‌المللی چنانکه پیش از ما هم به خیالش بوده‌اند بهتر چیزی هست که می‌تواند در مقابل این اختلاف به حسن رابطه ملل خدمت نماید خاصه که جزو تعلیمات اجباری مدارس عمومی هم بگردد.

اما اخلاق و عادات- این اختلاف چون بیشتر از روی اختلاف اوضاع طبیعی مملکتها و تفاوت احتیاجات است پس بزودی تغییر و تبدیل یافتن آن مشکل می‌نماید ولی می‌توان گفت اتحاد اصول تعلیم و تربیت در مدارس ابتدائی عمومی شاید بتواند تا يك درجه اخلاق و عادات متفاوت را هم به یکدیگر نزدیک نماید و راهش حسن موافقت دارالعلوم‌های ملل مختلفه است با مقاصد حسنه، کنگره.

اما عقاید مذهبی- من به این اختلاف اهمیت

بسیار می‌دهم و حسن رابطه ملل از روی اتحاد عقیده مذهبی یکی از اموری است که نقطه حصولش از نظر بسی دور است و لکن معتقد هستم که اصول مذاهب حقه به یکدیگر نزدیک است در این صورت اگر از يك طرف ارباب مذاهب، آثار مذهبی هر قوم را محترم بشمارند و از طرفی دانشمندان ملل سعی کنند مذهب خود را به حسن ترویج نمایند نه بواسطه دعاة مذهبی فرستادن در سایر ملل، خاصه آن دعائی که در زیر جامه روحانیت لباس سیاست هم در بر کرده باشند، در این صورت به تدریج اثرات تفریقی اختلاف عقاید مذهبی هم در عالم حسن رابطه ملل ضعیف می‌گردد. و اینجا مناسب می‌دانم به يك مطلب خصوصی اشاره کنم و آن اینست که دین اسلام مقدس می‌شمارد پیغمبران گذشته و آثار مقدسه ایشان را پس اگر سائر ملل عموماً و ملل مسیحی خصوصاً نظر کنند به آئین اسلام به همان نظر که اسلام به اصول مذهب آنها نظر می‌نماید شاید بسیاری از بدگمانی‌های مذهبی هم از میان برود و بیشتر به دیده محبت به یکدیگر نظر نمایند.

و در ذیل این مطلب می‌گویم کنگره نزدیک هر قدر دز امور مذهبی کمتر مداخله کند بری پیشرفت مقاصد انسانیته‌پرورانه‌اش بهتر خواهد بود. و اما اختلافات سیاسی- این اختلاف هم به ظاهر بزرگ به نظر می‌آید زیرا از يك طرف ندیده، مهر و قهر ملت‌ها و وسیله تلافی دشمنی‌ها و دفاع از تجاوزات است و از طرفی می‌باید تسخیر خون‌آلود شاخه حرص و طمع با وجود این چون چرخ این اختلاف غالباً گردش نمی‌کند مگر بوسیله انزجار خاطر ملل از یکدیگر پس همین که سعی شد در مزید الفت مابین ملت‌ها و حسن رابطه آنها، البته موجبات حصول اختلافات سیاسی هم کم می‌شود و صلح و صفا در میان ملل قائم می‌گردد.<sup>۳</sup>

همچنین در مقاله وی که در مجموعه رسائل کنگره به چاپ رسیده چنین می‌خوانیم:

«بنا بر این چنانکه از شدت تمسک به عادات قدیمه کاسته شود و ملل از آن تعصبی که برای روح بشر غیر ضروری و سرچشمه جوشان اختلاف بوده تطهیر گردند، طلوع عصر نوین اخلاقیاتی که به

باید جهد شود تا به یکی منتهی گردد و همچنین خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینه، واحده و قطعه، واحده مشاهده شود. «اتهی»

(کلمات فردوسی<sup>۶</sup>)

#### تعلیم و تربیت عمومی اجباری:

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«قلم اعلیٰ کلّ را وصیت می فرماید به تعلیم و تربیت اطفال... و نیز می فرماید... حزب الله را وصیت می فرماید به تربیت اولاد اگر والدین در این امر اعظم که از قلم مالک قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نمایند حقّ پدری ساقط شود و لدی الله از مقصرین محسوب.

و نیز می فرمایند:

باید اطفال کمال جهد را در تحصیل علم و خطّ مبذول دارند... اگرچه خطّ به قدری که رفع ضرورت نماید از برای بعضی کافی است اگر وقت را در علوم نافع صرف نمایند اولیٰ و انسب...»<sup>۷</sup>

#### عقاید مذهبی:

«حضرت بهاء الله می فرمایند، قوله تعالیٰ:

اشراق لهم دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آن را علت اختلاف و نفاق مکنید سبب اعظم و علت کبریٰ از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربّانی بوده نمو عالم و تربیت ام و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی اوست سبب اعظم از برای این عطیه کبریٰ کأس زندگانی بخشید و حیات باقیه عطا فرماید نعمت سرمدیه مبذول دارد. «اتهی»

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله الاحلیٰ:

«ادیان الهیه به جهت محبت بین بشر نازل شده به جهت الفت نازل شده به جهت وحدت عالم انسانی نازل شده ولی افسوس که صاحبان ادیان نور را به ظلمت مخلوط کرده اند هر یک هر

انسانها به عنوان اعضای يك هيكل مشترك، اجزاء تمام عیار يك مجموعه، و مشتقات متمایز از يك اصل نگاه می کند امکان پذیر خواهد بود: از نزدیکی افکار و انسجام روابط بین الملل حسن وحدت و یگانگی طلوع نموده تا آنکه از تیرگی عادات خونخواهانه به تدریج خورشید صلح عمومی بر افق ملل ظاهر خواهند شد و از آن پس اختلافاتی که بروز خواهد نمود به سادگی در مقابل يك محکمه، آگاه صلح دوست رفع خواهد گردید.»<sup>۸</sup> (ترجمه)

در موضعی دیگر چنین داد سخن می دهد:

«چرا باور نداشته باشیم که روزی خواهد آمد که بشریت تحت سلطه، يك سیستم اخلاقی عالی بی سابقه روی به سوی زندگی ایده آل متعادل و دوستانه ای خواهد آورد؟

چرا باور نکنیم که روزی خواهد آمد که اختلافات که نتیجه، يك نوع تربیت اخلاقی ناقص است به نیستی خواهد گرایید و ابرهای جهالت به کنار خواهند رفت و اتحاد بشریت در منتهی روشنی و جلال شکوفا خواهد شد؟ و در آن روز ملل همانند اعضای يك خانواده، بزرگ و گره، ارض به مشابیه منزلگه عظیم آن به شمار خواهد آمد.»<sup>۹</sup> (ترجمه)

در این مقطع در مقابل مطالب ارائه شده، دولت آبادی ذیلاً معادلاتی از آثار حضرت بهاء الله که سالها پیش از آن برای بشریت از سجن عکا نازل شده نقل می گردد.

#### خطّ و زبان بین المللی:

«حضرت بهاء الله می فرمایند، قوله الاحلیٰ: اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است لا زال به اتفاق آفاق عالم به نور امر منور و سبب اعظم دانستن خطّ و گفتار یکدیگر است از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل يك لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و يك خطّ از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم يك وطن و يك قطعه مشاهده شود. «اتهی»

و نیز می فرمایند:

... از قبل فرمودیم تکلم به دو لسان مقدّر شد و

ز روی اتحاد  
قطعه، حصولش  
سته که اصول  
بین صورت  
هی هر قوم را  
ن مثل سعی  
ویج نمایند  
یر مس، خاصه  
سیاست  
رت به تدریج  
در علم حسن  
ب می دایم به  
نست که دین  
ذاتت و آثار  
عموماً و ملل  
سلام به همان  
می نماید شاید  
میان برود و  
ندید.  
شکره، نژادی  
خه کند برای  
ر خواهد بود.  
ف هم به ظاهر  
نیده، مهر و  
د و دفاع از  
ن بود شاخه،  
بین اختلاف  
جر خاطر ملل  
مزید الفت  
سته موجبات  
وصح و صفا  
موجعه، رسائل  
ت به عادات  
که برای روح  
ختلاف بوده  
دقیقتی که به

پیغمبری را ضد دیگری می‌شمارند...»<sup>۸</sup>

#### اختلافات سیاسی:

«حضرت بهاء الله می‌فرمایند، قوله الاحلی: سلاطین آفاق و فقههم الله باید به اتفاق به این امر که سبب اعظم است از برای حفظ عالم تمسک فرمایند امید آنکه قیام نمایند بر آنچه سبب آسایش عباد است باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند و از سلاح به اصلاح توجه کنند و اگر سلطانی بر سلطانی برخیزد سلاطین دیگر بر منع او قیام نمایند در این صورت عساکر و آلات و ادوات حرب لازم نه الا علی قدر مقدور لحفظ بلادهم و اگر به این خیر اعظم فائز شوند اهل مملکت کل به راحت و مسرت به امور خود مشغول گردند و نوحه و ندبه اکثری از عباد ساکن شود نسل الله ان یؤیدهم علی ما یحب و یرضی انه هو رب العرش و الثری و مالک الاخرة و الاولی احسن و اولی آنکه در آن مجلس خود سلاطین عظام حاضر شوند و حکم فرمایند و هر یک از سلاطین که بر این امر و اجرای آن قیام فرمایند او سید سلاطین است عندالله طوبی له و نعیم له. انتهى» (لوح ابن الذئب)<sup>۹</sup>

#### کنگره، اتحاد نژادی و جامعه، بهائی

از ابتدای طرح ریزی مقدمات این کنگره فراگیر تعدادی از بهائیان نقش فعالی در حمایت و پشتیبانی این اجتماع ایفاء نمودند. در خلال بخش‌های فارسی و انگلیسی مجله، "نجم باختر" در طول ماه‌های آپریل تا دسامبر ۱۹۱۱ اشارات متناوبی به اهمیت این کنگره ملاحظه می‌شود.

آرتور کثبرت Arthur Cathbert از جمله متقدمین بهائیان انگلیس در مقاله‌ای در شرح نطق سرگرد تئودور پل در لندن که اخیراً از ملاقات حضرت عبدالبهاء از مصر باز می‌گشت اشاره به تأکید در حمایت و پشتیبانی این کنگره از طریق عضویت فعال و یا حتی غیر فعال می‌نماید. در این جلسه که در روز

۲۵ فوریه، ۱۹۱۱ در لندن منعقد می‌گردد تئودور پل ترجمه لوح حضرت عبدالبهاء را که به افتخار شرکت‌کنندگان در این کنگره صدور یافته بود می‌خواند. این نطق مبارک به اضافه، مقدمه‌ای در معرفی دیانت بهائی که بوسیله، تئودور پل تنظیم گردیده بود در کتاب پیش درآمد نطق‌های کنگره مدتی قبل از انعقاد این گردهم‌آیی به چاپ می‌رسد.<sup>۱۰</sup> در موضعی دیگر میرزا احمد سهراب اصفهانی مسئول بخش فارسی مجله، "نجم باختر" اشاره به حضور حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و همچنین مؤیدالاسلام مدیر جریده، "جبل المتین" در این کنگره می‌نماید. در این مقاله همچنین اشاره به دعوت‌نامه‌ای که از جانب کمیته، اجرائیه، این کنگره حضور حضرت عبدالبهاء ارسال شده و اینکه نام آن حضرت جزء نام شرکت‌کنندگان در پروگرام اصلی کنگره ضبط گردیده می‌نماید. در پاورقی که به این مقاله اضافه شده چنین می‌خوانیم: «سفر مبارک حضرت عبدالبهاء، به لندن محقق نیست ولی خطابه نازل فرمودند و فرستاده شد تا در آن محفل عظیم تلاوت شود.»<sup>۱۱</sup>

در نشست سوم کنگره نوبت به قرائت مکتوب حضرت عبدالبهاء به نمایندگی از نهضت بهائی خطاب به شرکت‌کنندگان در این مجمع بوده است. بر طبق برنامه، کنفرانس نطق حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی قبل از هیکل مبارک و پس از نطق رضا توفیق‌بیگ نماینده، ادرنه در مجلس شورای امپراطوری عثمانی قرار داشت. در بخش هشتم این کنفرانس نیز دکتر زامنهوف مخترع خط و زبان اسپراتو نطقی زیر عنوان "زبان بین‌المللی" ایراد نمود.

ضمناً در میان لیست اسامی اعضای افتخاری این کنگره نام سه تن دیگر از ایرانیان را نیز می‌توان ملاحظه نمود: میرزا حسن‌خان مشیرالدوله وزیر عدلیه و عضو هیئت داوری لاهه، میرزا احمدخان صدیق الملک سفیر ایران در لاهه عضو دوره، دوم کنفرانس لاهه، و میرزا صمدخان ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران در پاریس و عضو هیئت داوری لاهه و دو دوره، کنفرانس لاهه.<sup>۱۲</sup>

تعداد بهائیان شرکت کننده در این کنگره



شرکت‌کنندگان در کنگره بوسیله تئودور پل قرائت گردید در خلال تبادل نظر راجع به نامه مبارک، هیجان و اشتیاق بخصوصی در بین شرکت‌کنندگان ایجاد گردید.

در این مقاله ترجمه انگلیسی لوحی از حضرت عبدالبهاء خطاب به پرزیدنت این کنگره آمده است که در اسکندریه به تاریخ ۲۹ مه ۱۹۱۱ در رابطه با دریافت دعوت‌نامه کنگره صدور یافته است. حضرت عبدالبهاء ضمن اظهار سرور و ضرورت و اهمیت شرکت در این جمع و ضمن اظهار این مسئله که این کنگره وسیله‌ای برای استقرار الفت و محبت بین اقوام مختلف بشری است اظهار می‌فرمایند که متأسفانه بروز برخی پیش‌آمدها محتملاً مانع از شرکت در این کنگره خواهد شد. با وجود سعی مبارک بر این خواهد بود که در این کنگره حضور به‌م‌رسانند. در پایان حضرت عبدالبهاء برای موفقیت این کنگره دعا می‌فرمایند. چنین به نظر می‌آید که این نامه نیز در جلسه عمومی کنگره قرائت گردیده زیرا پس از قرائت آن ریاست جلسه - J. M. Robert son به ستایش لحن روحانی محتویات این نامه پرداخته که متقابلاً نظر وی مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد.<sup>۱۱</sup>

از آنجا که هنگام انعقاد کنگره نژادی چنین انتشار یافته بود که شاید حضرت عبدالبهاء در آن جلسه حاضر گردند تعدادی از احباب شیکاگو، نیویورک و واشنگتن با کشتی سریع‌السیر عازم لندن شده بودند.<sup>۱۲</sup> دقیقاً واضح نیست که چه موانعی موجب شد که حضرت عبدالبهاء در چنین اجلاس‌های مهمی که موقعیت استثنائی برای اعلان عمومی تعالیم حضرت بهاء‌الله بود حضور نیابند. عبدالحسین آواره در کتاب "کواکب الدریه" در این رابطه می‌نویسد: «در آن اوان کنگرس نژادی در لندن تشکیل می‌شد و از طرف اعضای آن دعوت‌نامه‌ای به حضور حضرتش رسیده چون موقع مسافرت و اجابت فوری مقتضی نبود لهذا به ارسال خطابه‌ای برگزار شد.»<sup>۱۳</sup>

حضرت عبدالبهاء در اگست ۱۹۱۰ حیفاً را به قصد مصر ترك فرمودند. پس از يك ماه اقامت در پورت سعید به قصد عزیمت به اروپا سوار کشتی

بیست نفر تخمین زده می‌شود. در گزارش دیگری مندرج در مجله «نجم باختر» اشاره به الواح غرائی که به افتخار کنگره و رئیس و منشی نازل شده که در جلسات متفرقه قرائت گردید می‌نمایند. جناب دکتر لطف‌الله حکیم شخصاً در این کنگره حاضر بوده است. تمدن‌الملک که یکی از بهائیان شیراز بوده و مدتی در حضور حضرت عبدالبهاء مشرف بوده و بعد به امر مبارک از مصر به لندن محض حضور در کنگره آمده بود نیز نطقی در یکی از مجالس جانبی کنگره ایراد می‌نماید. همچنین در جلسات جانبی بار دیگر تئودور پل صحبت نموده و نامه حضرت عبدالبهاء را قرائت می‌نماید. همچنین سیدنی (اسکندر) اسپراک نیز در یکی از جلسات جانبی نطق می‌نماید. احباء پس از پایان جلسات کنگره در روز اول اگست ۱۹۱۱ جلسه‌ای برای آشنائی عموم با اصول دیانت بهائی ترتیب داده و تعدادی از افراد صاحب نام بهائی آن زمان از فرانسه، انگلستان و امریکا در این جلسات نطق می‌نمایند. این سلسله جلسات حتی یک هفته قبل از افتتاح کنگره نیز به مدت چهار شب متوالی برقرار بوده است.<sup>۱۴</sup>

متن کامل لوح فارسی حضرت عبدالبهاء خطاب به کنگره نژادی در مجله "نجم باختر" درج می‌گردد.<sup>۱۵</sup> بایستی در نظر داشت که متن این لوح با ترجمه انگلیسی مکتوب حضرت عبدالبهاء که در کتاب پیش درآمد نطق‌های کنگره آمده کاملاً مطابقت ندارد. همچنانکه ذکر گردید الواح دیگری به افتخار منشی و رئیس کنگره نازل شده است و به احتمال زیاد آنچه که در انتشارات کنگره دیده می‌شود آمیخته‌ای از این الواح می‌باشد. همچنین شاید تئودور پل بخش‌هایی از متن لوح مبارک را برحسب دستورالعمل آن حضرت و برای تنظیم با مقدمه خودش در معرفی نهضت بهائی حذف کرده است.<sup>۱۶</sup>

روزنامه‌های دنیای خارج نیز صفحاتی را به اهمیت این کنگره اختصاص دادند. در مجله - Chris-tian Commonwealth به تاریخ ۲ اگست ۱۹۱۱ ما شاهد گزارشی راجع به کنگره نژادی بوده‌ایم و در ضمن نویسنده متذکر می‌گردد که در صبح پنج‌شنبه ۲۷ جولای که مکتوب حضرت عبدالبهاء خطاب به

شده ولی از آنجا که وضعیت جسمانی هیکل مبارک اجازه نمی‌داد در رمله اسکندریه از کشتی پیاده شدند. سپس در اوایل مه ۱۹۱۱ به قاهره عزیمت فرموده و در نزدیک شهر زیتون اقامت گزیدند. در روز ۱۱ اگست ۱۹۱۱ مصر را به قصد اروپا ترک فرمودند.<sup>۱۹</sup> از این رو بعید نیست که ضعف وضعیت جسمی آن حضرت در آن وقت مانع این سفر طولانی گردیده باشد. از سوئی دیگر به نظر مورخ و دانشمند معاصر بهائی دکتر مؤژان مؤمن انصراف حضرت عبدالبهاء از شرکت در کنگره نژادی محتملاً بخاطر حضور میرزا یحیی دولت‌آبادی در این مجلس بوده است.<sup>۲۰</sup> بطور کلی شاید بتوان چنین برداشت نمود که شرکت حضرت عبدالبهاء در این کنگره از ابتدا حتمی نبوده است. تئودور پل در شرح ملاقات ۹ روزه خود با حضرت عبدالبهاء که در رمله اسکندریه در خلال نیمه دوم نوامبر ۱۹۱۰ صورت گرفت اشاره می‌کند که یک رساله بهائی در کنگره اتحاد نژادی در لندن در جولای آینده قرائت خواهد گردید. وی هیچگونه اشاره‌ای به حضور حضرت عبدالبهاء در این کنگره نمی‌نماید.<sup>۲۱</sup> چنانچه در یکی از بخش‌های پیشین ذکر گردید وی حتی ترجمه مکتوب حضرت عبدالبهاء خطاب به این کنگره را که به همراه خود آورده بود در جمع احباء در لندن در فوریه ۱۹۱۱ قرائت می‌نماید.

#### خاتمه

بایستی صریحاً اذعان نمود که ترویج و اشاعه و یا نقل بیانات و تعالیم حضرت بهاء‌الله صرفاً حق انحصاری و مطلق افراد و مؤسسات بهائی نمی‌باشد. با این وجود ضوابط اخلاقی ایجاب می‌نماید که ارائه و اظهار این اصول همراه با ذکر منابع و مأخذ مربوطه صورت پذیرد. کار حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی با ارائه تعالیم حضرت بهاء‌الله و تبیینات حضرت عبدالبهاء به نام خود، و تظاهر و به بدعتیت این افکار، و پوشیده داشتن نام شخصیتی که مؤسس و مروج واقعی این اصول بنیادین بوده چیزی جز جعل و تحریف نیست. تجاهر میرزا یحیی دولت‌آبادی نوعی نمایش مزورانه و تظاهر ریاکارانه بر آراء عمومی

جمعی از خیراندیشان و مصلحین آن عصر تلقی می‌شود. حضرت عبدالبهاء با مطرح نمودن این واقعه اعضای انجمن صلح دائمی را که اکثراً در کنگره اتحاد نژادی حاضر و یا جزء اعضای رسمی و یا افتخاری آن محسوب می‌گردیدند هشدار می‌دهند که اصالت تعالیم بهائی را نمی‌توان با خطابه‌های بی‌اساس و دعاوی دروغین برخی نفوس ظاهر ساز خدش‌دار نمود. از این رو بوده که نسخه‌ای از مکتوب خویش خطاب به کنگره اتحاد نژادی را نیز در پیوست لوح مبارک به انجمن صلح لاهه ارسال فرمودند.

قضیه عملکرد بی‌بروای دولت‌آبادی در کنگره نژادی نه تنها یک مورد بسیار واضح از تأثیرات اصول بهائی در افکار و آراء رجال قاجار بوده بلکه تا حدودی می‌توان آن را روشن‌گر موضع گروه رجال بابی و ازلی عصر مشروطیت در قبال تحولات بحرانی آن دوره محسوب نمود. مسلماً نقش شایان توجه این گروه که عموماً حضور فعالی در هیجانات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ داشته‌اند در آینده مورد تحقیقات و تتبعات وسیع و همه جانبه‌ای قرار خواهد گرفت.

تا کنون چشم‌انداز متعصبانه بسیاری از پژوهش‌گران مسائل ایران معاصر به تاریخ و اصول ادیان بابی و بهائی تنها معطوف به تجسم منتقدانه، تأثیرات سائیرین در شکل‌گیری تعالیم حضرت بهاء‌الله و تشریحات حضرت عبدالبهاء بوده است. مدعیان این دعاوی بی‌اساس زمانی تهمت تلقینات فتحعلی آخوندزاده و هنگامی صحبت تأثیرات ملکی در بین نوشتجات حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء می‌نمودند. اکنون بی‌مورد نخواهد بود که مورخین و بالاخص ایران‌شناس ایرانی پای فراسوی مقیدات منجمد و دست و پاگیر حاکم بر اسلوب مطالعاتی کهنه گذارند و نقش پیشرو و انقلابی افکار بابی و بهائی را در نهضت مشروطیت ایران و سایر دستاوردهای روشنفکری سرزمین ما روشن سازند.

#### یادداشت‌ها

- ۱- دولت‌آبادی: حیات یحیی، ج ۳، صص ۱۵۳-۱۶۷.
- ۲- زرقانی، میرزا محمود: بدایع الآثار (لانگهاین).

### دین سرور و شادی ...

بقیه از ص ۸

در یکی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله آمده که «جمع خلق در صدمه و بلا می باشند هر کس به طریقی سعادت مند کسی است که زحمات و بلائی وارد بر او در سبیل امرالله باشد و صبر و تحمل نماید.» در آثار الهی برای صبر اجری جمیل و جزیل ذکر شده و جمال اقدس ابهی توجّه اهل بهاء را به معنای نهفته بلایا جلب فرموده اند: «نیکوست حال نفسی که بما ورد علیه راضی و شاکر باشد چه که وارد نمی شود بر نفسی من عندالله الا آنچه از برای آن نفس بهتر است از آنچه خلق شده مابین سموات و ارض و چون ناس به این سر و سر آن آگاه نیستند لذا در مورد بلایا خود را محزون مشاهده می نمایند.» در موضع دیگری فرموده اند: «مقصود حق از آفرینش جود و کرم بوده البته خیر کل را خواسته. آنچه وارد شود از باساء و ضراء و یا شدت و رخا جمیع به مقتضیات حکمت بالغه بود.»

سخن دراز شد. مقصود این بود که امر بهائی فی الحقیقه رجعتی به فرح و سرور و نشاطی است که در آداب و آئین های دین کهن ایران زرتشتی منعکس بوده است. مذهب شیعه که نوعی عکس العمل در برابر خلفای ستم گر غالب بود نمی توانست از نوحه سرائی در مرگ ائمه اطهار که بعضاً به مظلومیت شهید شدند رو گرداند. حتی مهم ترین تجلی هنر نمایشی ایران در تعزیه بود که شاید هنوز هم در دهات ایران طالب و مشتاق داشته باشد. اما اهل بهاء که در عصر حرکت عالم به سوی بلوغ خود زندگی می کنند وظیفه ای دیگر دارند. هنر بهائی، مجلس بهائی، خانواده بهائی، فضای جامعه بهائی باید همه با سرور و شادی آمیخته باشد. در دنیائی که سخت با ظلمت انواع بحرانها دست به گریبان است جامعه بهائی باید چراغ امید را روشن و فروزنده نگاه بدارد و تردید نیست که این روشنائی بسیاری دل های افسرده غبار گرفته را به خود جلب و جذب خواهد کرد.

لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی، ۱۴۴ بدیع،

ج ۲، نشر سوم صص ۲۲-۲۳.

۳- دولت آبادی: حیات یحیی، ج ۲، صص ۱۷۲-۱۷۳.

4- Spiller, G.: Papers on Inter-Racial Problems..., p.144.

5- Spiller, G.: Papers on Inter-Racial Problems..., p.145.

۶- اشراق خاوری، عبدالحمید: پیام ملکوت، تألیف (هند، مؤسسه مطبوعات امری، ۱۹۸۶)، ص ۳۳.

۷- اشراق خاوری: پیام ملکوت، ص ۲۱۴.

۸- اشراق خاوری: پیام ملکوت، ص ۶۱.

۹- اشراق خاوری: پیام ملکوت، ص ۲۵۶.

۱۰- نجم باختر، ۹، آپریل ۱۹۱۱، ج ۲، نمره ۲، ص ۲ (بخش انگلیسی).

۱۱- نجم باختر، ۲۸، آپریل ۱۹۱۱، ج ۲، نمره ۲، ص ۳ (بخش فارسی).

12- Spiller, G.: Papers on Inter-Racial Problems..., pp.V-XXXIII.

۱۳- نجم باختر، ۸، سپتامبر ۱۹۱۱، ج ۲، نمره ۱۰، ص ۶ (بخش فارسی).

۱۴- نجم باختر، دسامبر ۱۹۱۱، ج ۲، نمره ۱۴، ۱۵، ۱۶، ص ۸ (بخش فارسی).

15- Spiller, G.: Papers on Inter-Racial Problems..., The Baha'i Movement, pp.154-157.

۱۶- نجم باختر، ۲۰، اگست ۱۹۱۱، ج ۲، نمره ۹، ص ۴۰۳ (بخش انگلیسی).

۱۷- نجم باختر، ۸، سپتامبر ۱۹۱۱، ج ۲، نمره ۱۰، ص ۱ (بخش فارسی).

۱۸- آواره (آیتی)، عبدالحسین: الکواکب الدرّیه فی مآثر البهائیه (مصر، مطبعه السعاده، ۱۹۲۲)، الجزء الثانی، ص ۲۰۰.

19- Balyuzi, H. M.: Abdul-Baha (Oxford, George Ronald, 1972), pp.133-139.

20- Momen, Moojan: The Babi and Baha'i Religions, 1844-1944 (Oxford, George Ronald, 1981), p.324n.

21-Balyuzi, H. M.: Abdul-Baha, p.138.

## تحلیلی از مفهوم بابیت

بقیه از ص ۱۲

ج- چهار رتبه، وجود و چهار اصل دین از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار حضرت ربّ اعلیٰ چه در دوران اولیه و چه در دوران متأخر نزول آیات، تأکید بر ساخت چهارگانه، مابعد الطبیعه، ایشان است. بدین ترتیب که در غالب آثار ایشان حقائق روحانی و الهیات دور بدیع بر اساس مراتب چهارگانه بیان می‌گردد. البته این تنها ساخت و صورت ارائه، حقائق روحانی در آثار حضرت نقطه نیست اما باید گفت که احتمالاً مهم‌ترین آن می‌باشد. در آثار متأخر حضرت اعلیٰ این ساخت چهارگانه مکرراً تصریح می‌گردد که برای مثال باید به بیان فارسی اشاره نمود. اما در آثار اولیه نیز حتی بیش از آثار متأخر این امر تصریح و تکرار می‌گردد. به عنوان مثال در تفاسیر هیکل مبارک به سوره‌های قرآنی نظیر تفسیر سوره، کوثر یا تفسیر سوره، و العصر یا تفسیر سوره، بقره این امر را به صراحت و وضوح می‌توان دید. هیکل مبارک در تفسیر سوره‌های کوچک به سبک تازه‌ای از تفسیر اهتمام فرمودند. بدین ترتیب که قسمتی از کتاب خویش را به تفسیر حروف آن سوره معطوف می‌دارند. به عنوان مثال در تفسیر سوره، و العصر به تفسیر "واو" و آنگاه "الف" و سپس "لام" و پس از آن "عین" و به دنبال آن "صاد" و آنگاه "ر" پرداختند و تا آخر سوره را به همین ترتیب تفسیر می‌فرمایند. در ساخت اینگونه تفسیر، صورت چهارگانه فائق است یعنی فی المثل پس از بیان مفاهیم "واو"، از ظهور همان مفهوم (مثلاً وحدت یا ولایت یا غیر آن) در چهار مرتبه، وجود بحث می‌فرمایند که چگونه مفهومی واحد در چهار رتبه، وجود خود

را به چهار شکل متفاوت ظاهر می‌سازد که اگرچه این چهار رتبه با هم تفاوت دارند اما همه مظاهر حقیقت واحدی می‌باشند. این چهار رتبه عناوین و اسامی گوناگون دارد که می‌شود به عنوان مثال از لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت؛ و یا ابداع، اختراع، انشاء، احداث و غیره نام برد. نکته، بسیار مهم این است که هیکل مبارک معمولاً این چهار رتبه، وجود را با چهار اصل دین معادل می‌سازند و لذا از اصول دین که توحید، نبوت، امامت و رکن رابع یا باب یا شیعه، کامل باشد سخن می‌فرمایند. لذا ساخت فائق تفاسیر مبارک و به همین ترتیب مباحث فلسفی حضرت اعلیٰ و یا خطبه‌های ایشان غالباً بیان ظهور حقیقتی واحد در چهار رتبه، توحید، نبوت، امامت و بابیت است. البته شاید باید اضافه شود که این چهار رتبه با مراتب خلقت یعنی مشیّت، اراده، قدر و قضاء هم معادل می‌گردد. به علاوه بسیاری دیگر از مفاهیم روحانی نیز به شکل معادل‌های چهارگانه در می‌آید که بحث آن خارج از این مقاله است.

اما آنچه که در این مقاله باید به آن توجه نمود معنای مشخص این ساخت و صورت چهارگانه، آثار ایشان است. آشکار است که این ساخت چهارگانه بیانگر حقایق نامحدودی است که درک بسیار ناقصی از آن هم اکنون برای ما میسر است. اما بی‌تردید یکی از مهم‌ترین معانی و مفاهیم این ساخت چهارگانه تأکید بر مقام راستین هیکل مبارک خودشان بوده است. بدین ترتیب که اگرچه ایشان ظاهراً ادعای بابیت فرمودند اما با تأکید بر اینکه این چهار رتبه ارتباط ناگسستنی داشته و اینکه در عین تفاوت مراتب حقیقت واحدی است که در هر يك از این مراحل خود را به شکلی ظاهر می‌نماید عملاً این

مثلاً پس از بحث در مورد رجعت حضرت محمد از رجعت حضرت علی و آنگاه از رجعت حضرت فاطمه و آنگاه از رجعت حضرت حسن صحبت می‌فرمایند تا آنکه در باب پانزدهم از واحد اول از رجعت حضرت حجّت (حضرت قائم) صحبت می‌فرمایند و بعد در چهار باب آخر واحد اول از رجعت باب اول، دوم، سوم و چهارم بحث می‌فرمایند.

نکته‌ای که در این بحث حیرت‌انگیز است این است که ظاهراً از نظر ریاضی این مفهوم رجعت معادله‌ای نابرابر می‌گردد. یعنی آنکه حضرت اعلیٰ و هجده حروف حی ایشان رجعت نقطه، فرقان و هجده حروف حی اسلام هستند اما در عمل در دور اسلام حضرت محمد و هفده تن دیگر بودند که یکی از آنها حضرت قائم است. اما در دور بایی اولاً حضرت اعلیٰ خودشان جزء حروف حی نیستند و ثانیاً ایشان حضرت قائم نیز می‌باشند. در نتیجه به شکل ظاهر باید گفت که دو تن از حروف حی رجعت حضرت محمد و حضرت قائم می‌باشند در عین حال که حضرت اعلیٰ خارج از معادله هجده حروف حی اسلام و هجده حروف حی بیان می‌گردند. اما خود حضرت اعلیٰ در همان موقع که درباره رجعت حضرت حجّت صحبت می‌فرمایند حلّ این معما را بیان فرموده‌اند. در عین حال بیان مبارک حلال مسئله، باییت و مسئله، ساخت چهارگانه، آثار اولیّه ایشان نیز می‌باشد. توضیح حضرت اعلیٰ را عیناً زیارت می‌کنیم و آنگاه مختصراً به بررسی آن اشاره می‌کنیم. هیکل مبارک می‌فرمایند:

«در اینکه حضرت حجّت (ع) ظاهر شد به آیات و بیّنات به ظهور نقطه، بیان که به عینه ظهور نقطه، فرقان است اگرچه نقطه، بیان در اول ذکر شد و نقطه، فرقان در ثانی

نکته را بیان فرمودند که حضرت ایشان مافوق باییت بوده بلکه به شکل باییت هم ظاهر می‌گردند اما در درون خویش واجد و حائز ۴ رتبه یعنی رتبه، نقطه، فرقان، رتبه، حضرت محمد، رتبه، ائمه و رتبه، باییت می‌باشند.

البته در همان آثار اولیه این نکته را می‌توان به نحو لطیف دقیق مکرراً مشاهده کرد. اما توضیح این مطلب توسط خود حضرت اعلیٰ به دقیق‌ترین وجه بعداً در کتاب بیان فارسی تبیین شده است. منتهی توضیح مبارک را باید با دقت کامل دنبال کرد. این توضیح در ابتدای بیان فارسی در همان واحد اول بیان شده است ولی ظاهر بحث مبارک بحث در مورد رجعت است. با درک مفهوم رجعت در اول بیان فارسی می‌توان مفهوم راستین باییت حضرت اعلیٰ را در ارتباط با این ساخت چهارگانه، آثارشان درک نمود. توضیح آنکه در بیان فارسی حضرت اعلیٰ اول بیان می‌فرمایند که خداوند را نمی‌شود شناخت مگر بتوسط مشیّت و مظاهر او و اینکه این مظاهر الهی در ادوار گوناگون به شکل بدیعی ظاهر می‌گردند. آنگاه می‌فرمایند که نقطه، بیان که ذات حروف سبع (یعنی علی محمد که اسم ایشان از هفت حرف تشکیل شده است) است عیناً همان نقطه، فرقان و مشیّت اولیه است یعنی ابتداء از رجعت نقطه، قرآن به شکل نقطه، بیان صحبت می‌فرمایند. و پس از آن در باب دوم از واحد اول از رجعت حضرت محمد و مظاهر نفس ایشان سخن می‌فرمایند. بدین ترتیب که حضرت محمد و حضرت فاطمه و دوازده امام به اضافه چهار باب، هجده حروف اولیه، اسلام را تشکیل می‌دهند که این حروف حی اسلام توسط حروف حی در دور بیان رجعت می‌یابند. آنگاه یکی پس از دیگری از رجعت تکتک آنها سخن می‌فرمایند.

و ظهور حضرت در باب خامس عشر. سر آن اینکه نقطه در مقام تجرد که صرف ظهور الله است به اسم الوهیت ظاهر است و در مقام اول ذکر شد و در مقام تعیین که مشیت اولیه است در مقام ثانی ذکر شد و در مقام قائمیت بر کل نفس که مخصوص به ظهور رابع عشر است در باب خامس عشر ذکر شد و نقطه در مقام اولیت لم تزل و لا تزال بوده و هست و او است احق بذکر کل اسماء از نفس اسماء بنفسها. و مثال این، در وقتی که اسم الوهیت هست اسم ربوبیت هم هست و کل اسماء هم هست مع آنکه ظاهر به اسم الوهیت لم یزل و لا یزال در مقام نقطه مذکور است و امثله، کل اسماء در علو امکنه، خود ظاهر.»

(الباب الخامس والعشرون من الواحد الاول)  
با توجه دقیق به بیان مبارک می توان رمز رجعت را متوجه شد و فهمید که معادله، ریاضی مبارک هم درست است زیرا که ریاضیات الهی است. در این بیان مبارک حضرت اعلی توضیح فرمودند که ایشان در آن واحد نقطه، بیان، حضرت رسول اکرم و حضرت قائم می باشند. در ابتدا، چنانکه دیدیم هیکل مبارکش از رجعت نقطه، قرآن توسط نقطه، بیان صحبت فرمودند و آنگاه از رجعت حضرت محمد در باب دوم سخن فرمودند و آنگاه از رجعت حضرت قائم در باب پانزدهم صحبت فرمودند. آنچه که اصل است این است که در همه، این مراتب حقیقت حضرت نقطه، اولی جامع همه، این مراتب است چرا که در مقام و مرتبه، توحید به اسم الوهیت ظاهر می گردند و این اسم حائز همه، اسامی دیگر است. بدین ترتیب حروف حی رجعت حضرت رسول اکرم و حضرت فاطمه و دوازده امام و

ابواب اربعه هستند اما در عین حال خود حضرت اعلی نیز دارای همه، مراتب می باشند و لذا فی المثل حضرت حجت هم هستند بدون آنکه به مقام امامت محدود گردند. البته آن حرف حی که رجعت حضرت محمد است (ملاً حسین بشرویه) دیگر دارای مقام مظهریت و مشیت نیست ولی حضرت اعلی که نقطه، بیان هستند در آن واحد جامع همه، مراتب مادون نیز می باشند. بدین ترتیب معادله، رجعت با اضافه، مفهوم وحدت در کثرت حل می گردد.

اما خواننده، عزیز به راحتی اکنون ساخت چهارگانه، آثار اولیه، حضرت نقطه را نیز متوجه می گردد که هیکل مبارکش اگرچه به اسم بابیت ظاهر شدند اما مطابق اصل کلی فلسفی خود که همواره آن را تکرار و تأکید مؤکد و مصرح می سازند حقیقت ایشان فراتر از رتبه، بابیت بوده و آن حقیقت واحد یعنی حقیقت نقطه، بیان در هر رتبه ای به اقتضاء، آن رتبه به شکلی ظاهر می گردد. اما رتبه، مافوق واجد و حائز مراتب مادون است.

بقیه در شماره آینده

### مشترکین عزیز

بقای مجله بستگی به آن دارد که شما حق اشتراك سالیانه را مرتب مرحمت فرمائید تا بتوانیم از عهده، مخارج مجله برآئیم. دقاتر ما حاکی از آنست که متأسفانه هنوز برخی از مشترکین حق اشتراك سال ۱۹۹۷ خود را نیز نپرداخته اند، و تعداد کسانی که با گذشتن شش ماه از آغاز سال ۱۹۹۸ هنوز اشتراك امسال خود را مرحمت نکرده اند کم نیست.

امیدواریم روزی برسد که نیاز به این نوع تذکرات که برای ما نیز دلپذیر نیست نباشد.

### خرابی گنبد حظیرةالقدس طهران

یکی از خوانندگان به شرحی که آقای اشکان طاهری به نقل از کتاب «کهنه سرباز» (پیام بهائی شماره ۲۲۰ ص ۵۸) در مورد علت خراب کردن گنبد حظیرةالقدس طهران نوشته‌اند اشاره نموده و می‌نویسند: خرابی گنبد حظیرةالقدس ملی و تزییقاتی که برای بهائیان در آن ایام ایجاد شد به سادگی شرحی که در کتاب «کهنه سرباز» آمده نیست، بلکه بخشی از سیاست آن روز دولت و دربار در داد و ستدها با روحانیون بخاطر مصالح دیگر داخلی و بین‌المللی بوده و پیچیده‌تر از آنست که بتواند در این مختصر گفته شود. به این موضوع و سوابق آن برخی از مورخین نیز در کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر در غرب منتشر شده اشاره کرده‌اند.

### دکتر عطاءالله خان افغان

جناب عباس ثابت نوشته‌اند: «ضمن مطالعه، مجدد شماره دوم پژوهشنامه که اخق حاوی تحقیقات ارزنده‌ای از سوبق تاریخی و گسترش آئین مقدس بهائی در دیرین زمان در روسیه است ملاحظه گردید که نام یکی از خادمین و مروجین اولیه آن شهر یعنی شادروان جناب دکتر عطاءالله خان "افغان" را افغان نوشته‌اند. برای تکمیل این بحث تاریخی درباره پزشک مذکور خلاصه آنچه را که جناب فاضل مازندرانی علیه رضوان الله و بهائیه در این باب در "آهنگ بدیع" (سال سوم، شماره ۱۱، مهرماه ۱۳۴۷) مرقوم نموده‌اند به استحضارتان می‌رسانم. جناب ثابت عین مقاله را ارسال فرموده‌اند که ما در اینجا خلاصه آن را درج می‌کنیم.

### اولین بهائی افغانستان

نام پدر دکتر عطاءالله خان افغان، عطا محمد بوده، اصلاً از مردم قندهار و پس از مدتی که به کابل نقل مکان می‌کند، عطاءالله در این شهر در حدود سال ۱۲۷۷ ه. ق. متولد می‌گردد. در نوجوانی به کارهای دولتی داخل می‌شود و تا سن بیست و سهگی در کابل به خدمت اشتغال داشته

است. در این اوقات قضایائی رخ داد که امیر عبدالرحمن خان (امیر افغانستان) وی را به ترکستان افغانستان تبعید می‌نماید. نامبرده از موقعیت جوانی خود سود جسته در آنجا نزد طبیبی به خدمت مشغول می‌شود و به قدر مقدور توشه‌ای از این دانش شریف برمی‌گیرد. و بعد نزد پزشک دیگری، این علم را در حدود دانش آن زمان تکمیل نموده و بزودی به عنوان پزشک به مدت سه سال در سپاه محل به خدمات درمانی اشتغال می‌ورزد.

دکتر عطاءالله خان در سال ۱۳۰۱ ه. ق. در سمرقند اقامت گزید و به کار پزشکی که مردم آن شهر نیاز مبرم داشتند مشغول گردید و همچنین برای پیشی گرفتن کار و خدمت گسترده‌تری به مردم این سامان، کوشش در فراگیری علم جراحی مبذول داشت. بعد از ورود حضرت ابوالفضائل در سال ۱۳۰۷ ه. ق. به سمرقند و ایمان دکتر عطاءالله خان به دیانت بهائی، به تدریج امرالله در آن خطه وسیع نفوذ و تأثیر نمود. دکتر عطاءالله خان اول کسی است که در سمرقند به شرف ایمان به امر بدیع فائز گردیده است. وی خانواده بهائی تشکیل داد و از کلک مرکز میثاق الواحی به افتخارش نازل شده است. فرزند دکتر به نام حبیب‌الله خان در امر مبارک ثابت و خادم گردید و جوش و خروش در تبلیغ و تکامل مبتدیان مبذول داشت. دکتر نیز خانهای با تمام اثاثیه برای مسافرتین و مبلغین در سمرقند تهیه کرده به امر تقدیم نمود. او نیز مؤسس محفل روحانی سمرقند است و خود و فرزندش در این شهر خدماتها نمودند.

\* جناب ح. پیمان از کانادا قطعه شعری از شاعری که متأسفانه از ظل امر مبارک دور شده است در ارتباط با اشغال حظیرةالقدس ملی ایران (ر. ک. به شماره‌های اخیر پیام بهائی) فرستاده‌اند. ضمن تشکر تنها به نقل بیت آخر در مورد شهیدان هرمزک- یزد اکتفا می‌شود:

هفت تن با خون نوشتند ای ولی امر حق

گر قبول افتد اشارت کن که برگردد ورق



اصلی یا بنیادی دارد که با افزودن پیشوند و یا پسوند از آنها می‌توان هر معنی و مفهومی را افاده کرد. ۴۵٪ کلمات این زبان بر انگلیسی مبتنی است. یاران در ایران از دیرباز به تشویق حضرت مولی‌الوری زبان اسپرانتو می‌آموختند. آقای بهمن شیدانی در ۱۹۱۴ کلاس اسپرانتو در طهران تأسیس کرد و آقای محمد نیب در کرمانشاه به سال ۱۹۲۵ کلاس اسپرانتو داشت و نیز مجله‌ای به نام آئین بهائی و اسپرانتو منتشر می‌کرد. عکس کلاس اسپرانتو احباء در طهران در "نجم باختر" شماره ۱۶ به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۱۶ آمده است.

\* از آقای هوشنگ روحانی که در درج شعرشان اشتباهی رخ داده معذرت می‌طلبیم. در شماره ۲۲۰ ص ۲۳ در شعر "وقت شکفتن است" «از کینه و عناد و فرومایگان» باید باشد: «از کینه و عناد فرومایگان مرغ». لطفاً تصحیح فرمائید.

\* خانم شهناز استادیان از آلمان این نامه، پراحساس را فرستاده‌اند: «ما ایران را دوست داریم» - ۱۸ سال دوری از وطن، بدون بازگشت هرگز از دلمان بر نگرفت، چه که شوق دیدار دوباره آن نازنین دیار همواره درون اشک چشمانمان بود گرچه آن دیار دیگر برای ما ناآشناست اما...

در دکان کسبمان مشغول کار بودیم و آگاه از اینکه هر لحظه هم‌وطنان عزیزمان در مقابل تیم استرالیا بازی پر هیجان فوتبال را شروع خواهند کرد دل در دلمان نبود. همچنان در حین رسیدگی به خواستهای مشتریان مرتب زنگ تلفن به صدا می‌آمد

\* یکی از خوانندگان ما از سویس می‌نویسند: «سالی چند پس از انقلاب ایران مرحوم جمال زاده مقداری از کتب امری و اسناد مربوط را که در نزد خود داشت توسط مرحوم اشرف اشرف به جامعه بهائی تقدیم کرد و این محبت مورد عنایت معهد اعلیٰ قرار گرفت. کتاب "تاریخ شهدای یزد" مورد اشاره در مقاله شماره ۲۲۲ هم در میان آثار اهدائی آن مرحوم بدست آمد.»

#### عکسی از آن روزگاران

سرکار خانم عزت نیلچیان (که با علامت ضربدر مشخص شده‌اند) عکسی از سیزدهمین کانونشن ملی جوانان بهائی ایران که در سال ۱۳۴۰ شمسی (۲۷ سال پیش) تشکیل شده بود ارسال داشته‌اند که در بالای این صفحه به چاپ رسیده است. خود ایشان به نمایندگی جوانان اراک شرکت داشتند. در این عکس برخی از عزیزانی که در انقلاب اخیر به شهادت رسیدند (مثل دکتر یوسف عباسیان و دکتر قدرت روحانی) و برخی دیگر را که هنوز به خدمت و کوشش قائمند می‌بینیم.

\* آقای علی اکبر میلانی توسط یکی از دوستان اوراقی فرستاده‌اند که حکایت از تجلیل زبان اسپرانتو از سوی حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله می‌کند. زبان اسپرانتو را می‌توان ظرف ۵ ماه آموخت زیرا کلمات آنطور که تلفظ می‌شوند نوشته می‌شوند و بی‌نظمی و استثنا در این مورد دیده نمی‌شود. اساس دستور زبان بر ۱۶ قاعده اساسی است که آنها هم فاقد مستثنائات هستند. اسپرانتو ۱۴ هزار کلمه





صدای زنگ تلفن قطع نمی‌شد انگار تمامی وجودمان با عزیزان هم‌وطن درهم آمیخته بود و تصور اینکه این لحظه همه در شادی و پیروزی هم سهیمند، قدرتی غیر قابل وصف داده و دلها را به دیار آرزوهای پیوستگی و عشق و محبت پرواز می‌داد.

در همین آن خواهر دیگرم با دختر ۱۰ ساله‌اش هم آکنده از سرور هله هله‌کنان و ایران ایران گویان از راه رسیدند. روز طرب، شمع و خوشبختی بود. اینجاست که عشق شکوفا می‌شود وقتی بچه‌های ۶، ۱۰ ساله، وطن ندیده هم به مهر میهن‌شان پایکوبی می‌کنند و اشک شوق می‌ریزند.

پیام بهائی امیدوارست تیم ایران از مسابقات اروپائی فوتبال در ماه ژوئن نیز سربلند بیرون آید.

\* آقای گارون عیوضیان خبری از ارمنستان فرستاده‌اند: «در سردترین روزهای ماه دسامبر گرم‌ترین مدرسه زمستانی ارمنستان از ۲۶ الی ۲۸ دسامبر در شهر ایروان تشکیل شد. متناوباً ۴۵ نفر از نقاط مختلف ارمنستان شرکت کردند. از گرمی محیط جوانی غیربهاینی طاقت نیاورده در بین جوانان بهائی ذوب شد و به جمع آنان پیوست. در عرض این سه روز تاریخ امر، احکام، نماز، روزه، امر حقوق‌الله و شرکت در ضیافتات ۱۹ روزه تدریس گردید. به شرکت‌کنندگان خیلی خوش گذشت که تصمیم گرفتند مدرسه، تابستانه را طول‌تر و زیباتر تشکیل دهند.» (عکس بالا.)

و دوستان و قوم دلسوز اخبار تازه را از چگونگی بازی به اطلاع ما می‌رسانند تا اینکه طاقت از دست داده همه مور را رها کرده با سرعت به طبقه فوقانی ساختمان که مادرم آنجا سکونت دارد دویدم، نیمه، اول بازی به شکست طی شده بود.

مدتی گذشت و لحظات تاریخی فرا رسید، تخیلات هزار و یک شب واقعیت گرفت و اضطراب، شمع و هیجان بالا گرفت و به قریادها رسید، مادرم نصیحت می‌کرد: «دخترم آرام.» به پائین دویدم و خبر مرتب‌بخش پیروزی را به برادر اعلام کردم. حال نوبت تماشای او بود با اینکه دلش لبریز از هیجان به تماشای بازی بود و روحش پر اشتیاق ولی از خودگذشتگی کرده و پستش را به من بخشید. وقت تشکر و چانه زدن نبود. دوباره جانب راه دوان شدم. در حین بالا رفتن از پله‌ها آشپز مغازه هم دل و دیده باخته پشت سر من می‌دوید.

چه غوغائی بود، زنگها مرتب به صدا می‌آمد، بعد از چندی دختر ۶ ساله، خواهرم هم هوراکشان در آستانه، در ظاهر شد کیف مدرسه را به کناری انداخت و مثل یک عاشق دل‌باخته همراه ما به هیاهو و تشویق پرداخت. نتیجه، این شادی عمیق را نمی‌توانم در خود تحلیل بدهم سراسیمه به رستوران دویدم با این خیال که این لحظه شهر هم با شادی من ممصدمست برادرم را دیدم که از شدت شوق اشک می‌ریخت.

# انجمن و انتشارات جهان بهائی

## ترجمه و تنظیم: فؤاد روستائی

ترجمه، پیام بیت العدل اعظم الهی  
خطاب به عموم محافل روحانی ملی  
مورخ ۹ اپریل ۱۹۹۸

از فقدان مروج برازنده و ثابت قدم امرالله فلورانس می‌بری Florence Marberry عمیقاً محزونیم. خدمات خستگی‌ناپذیر و الهام‌بخشش در میادین تبلیغ و تشکیلات اداری محلی و ملی و بین‌المللی امر در مدتی متجاوز از چهل سال به اکتیل ده سال فراموش نشدنی عضویت در عصبه، مشاورین دارالتبلیغ بین‌المللی مزین گردید. دفاع دلیرانه از عهد و میثاق و مساعی مجدانه برای اشتهار نام امرالله و اسفار پر شهامتش به اقصی نقاط جهان، تاریخ اقدامات درخشان وی را ممتاز می‌سازد. شما را به ادعیه صمیمانه جهت ارتقاء روح پر فتوحش که یقیناً در عالم ملکوت ابهی به پاداشی جزیل نائل گردیده است اطمینان می‌دهیم. بیت العدل اعظم

معانی لغات دشوار:

اکلیل: تاج؛ عصبه: گروه؛ اسفار: سفرها؛ فتوح: گشایش؛ جزیل: فراوان.

### اعضای جدید دارالتبلیغ بین‌المللی

بیت العدل اعظم در پیام ۱۳ ماه می ۹۸ اعضای دارالتبلیغ بین‌المللی را که از ۲۳ مه آغاز به کار خواهند کرد به این شرح اعلام فرموده‌اند: آقایان کیزر بارنس Kiser Barnes، رلف ون چکوس، هارتموت گروسمن، پیمان مهاجر، فریدون جواهری، و بانوان

ویولت هاک (سمندری)، جونا لینکن، و پنی والکر. ضمناً از خدمات اعضای سابق آقایان شاپور منجم - دونالد راجرز - فرد ششتر - جوی استیونس و خانم کیمیکو شوئرین تقدیر به عمل آمده است.

### جرائر موریس: حضور وزیر ارتباطات و تأمین اجتماعی در گردهمایی بهائیان

روز دوازدهم دسامبر سال گذشته محفل روحانی ملی بهائیان موریس به برگزاری جلسه‌ای در مورد فقر و چگونگی مقابله با آن اقدام کرده است. نماینده صندوق سازمان ملل برای کودکان "یونیسف" UNICEF و وزیر ارتباطات و تأمین اجتماعی موریس از جمله حاضران در این جلسه بودند. برگزاری این جلسه در مضبوطات بازتابی گسترده داشت و سرپرست گروه همسریان بهائی نیز که در این جلسه به هنرمائی پرداخته بودند در یک گفت و شنود رادیویی و تلویزیونی شرکت و از این فرصت برای ابلاغ کلمه و اعلان امر الهی بهره گرفت. از سوی دیگر در جریان یک برنامه تبلیغی ۳۰ نفر از اهالی به جامعه بهائیان موریس پیوستند. اجرای یک برنامه تبلیغی بین جزائر مختلف در ماه اوت آینده در ماداگاسکار برنامه تبلیغی آینده. حبای موریس است.

ایالات متحده، امریکا: یک موقفیت عظیم تبلیغی  
در ماه نوامبر گذشته شهر دلری بیچ Delray

پیام بهائی شماره، ۲۲۳

خود در يك گروه‌مائی اساتید و دانشجویان دانشگاه پورتوریکو در مایاگوئز به ایراد سخنرانی پرداخت و فردای همان روز در سان خوان San Juan در يك جلسه، عمومی برای احبای الهی و دوستان غیربهائی آنان سخن گفت. برگزاری يك جلسه، تبلیغی در حظیرةالقدس پورتوریکو یکی دیگر از فعالیت‌های جناب مک کنتس در این سفر بوده است.

بر اساس گزارش محفل روحانی بهائیان پورتوریکو دیدار جناب مک کنتس از پورتوریکو علاوه بر اثرات تبلیغی آن، در میان احبای الهی نیز تأثیر درخور توجه داشته است که در آن میان باید بر آگاهی هرچه بیشتر احبای الهی از اهمیت حیاتی نقشه، چهار ساله برای هموار کردن راه اقبال دسته جمعی مردم به امر الهی اشاره کرد.

شیلی، اهداء، بیانیه، "بهاءالله" به

فیزیکدان برجسته، انگلیسی

يك نسخه از بیانیه، "بهاءالله" در معرفی جمال قدم جل اسمه الاعظم اخیراً به دکتر استفن هاوکینگ Dr. Stephan Hawking فیزیکدان برجسته، انگلیسی تقدیم شده است. این فیزیکدان انگلیسی که از شهرتی بین‌المللی برخوردار است برای شرکت در کنفرانسی در مورد منشأ پیدایش جهان و تئوری حفرهای سیاه به شیلی سفر کرده بود. یکی از احبای شیلی به نام Francisco Amenabar Araos از جانب دولت مأمور شده بود که در مراسم افتتاحیه، کنفرانس در حضور بیش از ۵۰۰۰ تن ورود دکتر هاوکینگ را خوش‌آمد گوید و نسخه‌ای از بیانیه، "بهاءالله" را به وی تقدیم کند. جناب آمنابار نسخه‌ای از این بیانیه را به يك فیزیکدان بلندیایه، شیلی نیز تقدیم کرد.

پاناما: اعلان کلمه و ابلاغ امر الهی

به بیش از ۳۵۰۰ نفر

در جریان برگزاری نمایشگاهی زیر عنوان "تلاش برای نیل به جهانی جدید" جوانان بهائی پاناما و بویژه اعضای گروه رقص "وحدت/برابری" موفق شدند از ۳۱ اکتبر تا ۱۰ نوامبر امر الهی را به بیش

Beach در ایالت فلوریدا شاهد يك رویداد تبلیغی مهم و موفقیت‌آمیز بوده است. بر اساس گزارش مدیر مؤسسه، کلیسای وحدت -Unity School-Church در این شهر که از مدت‌ها پیش با جامعه، بهائی در تماس بود خواستار برگزاری يك کارگاه جوانان به منظور بازدید جوانان از این مدرسه شده بود. در پی این درخواست گروهی از احبای الهی در روز تعیین شده که روز جهانی صلح بوده است راهی مدرسه می‌شوند و از دیدن شاگردان و اولیای آنان که همگی در ی بلوزهائی که به زیور عبارت: «عالم يك وطن محسوب» مزین شده بود دچار شگفتی می‌شوند و استقبال گرم مدیر مؤسسه روبرو می‌گردند و مدیر مدرسه خواستار آثار امری برای آشنا ساختن دانش‌آموزان با دیانت بهائی می‌شود.

جوانان بهائی که از این مدرسه دیدن کرده‌اند چند روز بعد از شهر کی وست Key West دیدن می‌کنند و پس از پانزده سال تلاش محفل روحانی محلی کی وست برای برقراری تماس با "انجمن ملی پیشبرد مردم رنگین پوست" به گونه‌ای غیرمنتظره از محل بین انجمن دیدن می‌کنند. این گروه روز بعد در خیابان‌های شهر به تبلیغ می‌پردازند و سرانجام مدیر انجمن و نوه‌اش ایمان خود را به امر مبارک اعلام و وارد جامعه، بهائی می‌شوند.

پورتوریکو: دیدار یکی از اعضای محفل روحانی

ملی بهائیان ایالات متحده، امریکا و تبلیغ و

اعلان امر الهی در مقیاسی گسترده

دیدار يك هفته‌ای جناب جک مک کنتس Jack Mc.Cants یکی از اعضای محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، امریکا از پورتوریکو در ماه فوریه، سال جاری موجی از تبلیغ و اعلان کلمه را در سراسر پورتوریکو بوجود آورده است.

جناب مک کنتس در ابتدای ورود خود به پورتوریکو در يك گفت و شنود رادیویی به تشریح مبانی و احکام دیانت بهائی پرداخت و سپس رهسپار یک مرکز پزشکی در مایاگوئز Mayaguez شد که بیست و هشت سال پیش به کمک خود ایشان به راه افتاده است. جناب مک کنتس در دومین روز اقامت

از ۳۵۰۰ تن از مردم این کشور معرفی نمایند. احبای الهی در پاناما در جریان برگزاری این نمایشگاه هر روزه به اجرای يك برنامه سی دقیقه‌ای دست می‌زدند که در بردارنده سه بخش بود: رقص وحدت، رقص برابری که در جریان آن يك زوج بهائی چگونگی آزاد شدن زنان و نائل شدنشان به حقوق برابر با مردان را نشان می‌داد و بالاخره ترانه‌هایی که با سازهای محلی در مورد آرمان‌های امر مبارک ساخته شده بود این سه بخش را تشکیل می‌داد. نقل مطالبی از آثار مبارکه در مورد تساوی حقوق زن و مرد جزئی از این برنامه بود و در پایان جزواتی از جمله جزوهای در مورد "وحدت عالم انسانی" بین حاضران پخش می‌شود.

هند: دیدار بیش از ۸۵۷ هزار تن از ام‌المعابد قاره آسیا

تنها در خلال ماه اکتبر گذشته ۳۴۷ هزار نفر از مشرق‌الاذکار هند در دهلی نو دیدن کرده‌اند. در ماه‌های اکتبر و نوامبر به مناسبت سالگرد تولد مهاجرت گاندی رهبر استقلال هند، جشن نور و بالاخره تعطیلات مذهبی مراسم نیایش در مشرق‌الاذکار برپا شده و سالروز میلاد جمال مبارک و روز جهانی سالخورده‌گان نیز با برپائی مراسم دعا و مناجات گرامی داشته شده است. هیئتی از بلندپایگان کشور افریقائی ساحل عاج به ریاست وزیر آموزش‌های حرفه‌ای و فنی این کشور، هیئتی از مقامات وزارت تجارت و صنایع رومانی، یکی از بلندپایگان نیروی هوائی اردن و معاون نخست وزیر برمودا و بالاخره وزیر اطلاعات لهستان از جمله دیدارکنندگان از معبد نیلوفر در دهلی نو بودند.

بزرگداشت یکصدمین سال ورود دیانت بهائی به کشور فرانسه

محفلی روحانی بهائیان نیس Nice بزرگداشت صدمین سال ورود دیانت بهائی به کشور فرانسه را با کنسرتی با همکاری توم پرایس Tom Price و گروه کر ۸۰ نفری او در دوشنبه شب ۶ آوریل در محل Theatre de Verdure برگزار نمود. این کنسرت

در سالنی ۱۵۰۰ نفری، در وسط پارکی زیبا، در مقابل دریای مدیترانه که شهرداری آن را مجاناً در اختیار این محفل قرار داد تشکیل شد. در ضمن شهرداری اطلاعیه‌ای با آرم مخصوص شهر نیس را برای خمیر به مطبوعات و رادیوها و تلویزیون محلی تهیه و ارسال داشته و تعدادی پوستر رنگی کنسرت را در دفاتر شهرداری‌های منطقه‌ای نصب نمودند.

محفلی روحانی نیس و محافل اطراف ۲۰۰۰ دعوت‌نامه و بلیط برای اشخاص مهم فرستاده یا به فروش رسانده و ۲۰۰۰ بروشور تبلیغاتی نیز به افراد مختلف دادند. ۶۰۰ پوستر نیز خیابان‌های مناطق مختلف ساحل لاجوردی La Cote d'azur را زینت داده بود. بنا بر تصمیم محفل نیس منافع این کنسرت به مؤسسه A. F. L. M. یا مؤسسه تحقیقات به نفع بیماری‌های ریوی اطفال به نام La Mucaviscidose اختصاص داده شده بود.

در شب موعود پس از خوش آمد، رئیس محفل نیس تاریخ دیانت جهانی بهائی و تعالیم و اهمیت آن را به سمع بیش از ۱۰۰۰ نفر مدعوین حاضر، مشاور فرهنگی و ۸ نفر از اعضای برجسته شهرداری رساند و سپس مشاور شهردار در سخنان خود تعالیم "دیانت بهائی را برای صلح، اتحاد و یگانگی بشریت ستوده و از جامعه بهائیان برای اهداف خیرخواهانه و انسانی ایشان تشکر نمود. نماینده مؤسسه A. F. L. M. نیز توضیحاتی درباره بیماری Mucaviscidose داد و از تصمیم محفل نیس سپاسگزاری نمود. پس از آن گروه توم پرایس در فضائی روحانی، نوای ملکوتی خود را شروع نموده و به زبان‌های افریقائی، انگلیسی، فرانسه، عربی و فارسی در نعت جمال اقدس ابهی و محامد حضرت مولی‌الوری به سرودخوانی پرداختند و به مدت ۲ ساعت رتبه آسمانی یا بهاء‌الابهی، یا علی‌الاعلی و ای عبدالبهاء را به اوج فلك اثير رساندند. در موقع تنفس، هنرمندان عزیز بین جمعیت آمده و بطور خصوصی با آنان درباره امر نازنین گفتگو نمودند.

از این مراسم پر شکوه از طرف روزنامه "صبح نیس" Nice Matin عکسبرداری شد و روز بعد در اخبار رادیوها و تلویزیون محلی خبر برگزاری این

**پیام بهائی**

نشریه، ماهانه محفل روحانی ملی  
فرانسه برای بهائیان

سال بیستم، شماره، ششم  
شماره، پیاپی ۲۲۳

شهرالعملة- شهرالنور- شهرالرحمة ۱۵۵  
خرداد- تیر ۱۳۷۷

نشانی هیئت تحریریه برای ارسال مقالات و  
نامهها و پیشنهادات

P. O. Box 106  
1211 GENÈVE 25  
SWITZERLAND

نشانی برای ارسال حق اشتراك، نامهای  
مربوط به امور اشتراك و تغییر نشانی

**Payám-i-Bahá'í**  
B. P. 9

06240 BEAUSOLEIL  
FRANCE

Fax N° (+33) 493 78 44 18

54. USD  
حق اشتراك سالیانه برای همه، کشورها  
۲۵۰ فرانك فرانسه است. تقاضا دارد با  
حواله، پستی یا با چك بانكي به فرانك  
فرانسه به نشانی بالا و یا توسط بانك به  
شماره حساب زیر حواله گردد:

**Payám-i-Bahá'í**

N° 30003 / 01500 / 37261910-30

Bank SOCIÉTÉ GÉNÉRALE

8, Ave J. Médecin

06000 NICE, FRANCE

کلیه اشتراكها در اول هر سال میلادی  
تجدید می گردد.

**Payám-i-Bahá'í**

est publié par l'Assemblée Spirituelle  
Nationale des Bahá'ís de France

45, Rue Pergolèse.

75116 PARIS, FRANCE

کنسرت بی نظیر داده شد.

در آن شب زیبای بهاری با تأییدات جمال مبارك و تحت  
اشراف محفل روحانی نیس مشام بیش از ۱۰۰۰ نفر از  
طالبان حقیقت از بوی خوش تعالیم جهان آرای سلطان جلال  
معطر شده، اعلام امر بی سابقه و مثیلی در سواحل لاجوردی  
دریای مدیترانه انجام گردید.

**رادیو فارسی زبان بهائی در واشینگتن**

دوستان بهائی ایرانی در واشینگتن پایتخت امریکا  
رادیویی در اختیار دارند که هر یکشنبه صبح از ساعت نه  
و نیم تا ده و نیم ب مردم گفتگو می کند. به مناسبت نوروز  
سال جاری رادیو بهائی پیامی را برای ایرانیان در آن  
مناطق فرستاده که ضمن آن می نویسد که به مدد امر بهائی  
« که سالهاست از مرز و بوم زادگاهش ایران گذشته و در  
دورترین گوشه های جهان در دل مردم جای گرفته » اکنون  
دیگر « نوروز ما نوروزی جهانی است و به نام روز  
بروردگار نامیده و شناخته شده است. » همین پیام  
شنوندگان را به ترك تعصب و تحقیق مستقل دعوت کرده  
است.

**جشن های پنجاه و صد ساله**

جامعه بهائی لوکزامبورگ در تاریخ دوم آوریل ۱۹۹۸  
غیر پنجاه و یکمین سال ورود امر مبارك توسط خانم  
هنور کمپتن در آن سرزمین را در یکی از بهترین تالارهای  
شهر لوکزامبورگ جشن گرفت و نزدیک به سیصد نفر از  
دوستان و غیربهائیان و شخصیت های مملکتی در آن شرکت  
جستند و وزیر فرهنگ آن کشور هم پیام محبت آمیزی به  
کنفرانس فرستاد. از جمله نتایج این جشن کارنامه پنجاه  
ساله امر در لوکزامبورگ است که به صورت مصور چاپ  
شد و در اختیار دوستان و آشنایان آنان قرار گرفته است.  
حیای فرانسه خود را برای جشن صدمین سال ورود  
امر مبارك آماده می کنند. کنگرهای که به این مناسبت در  
فضای ستریتز در حومه پاریس در فاصله ۲۷ تا ۲۹  
نومبر ۹۸ تشکیل خواهد شد صدها و شاید هزارها از  
بهائیان فرانسه و ممالک دیگر را پذیرا خواهد گشت. مهلت  
نامنویسی برای این کنگره آخر ماه اوت ۹۸ خواهد بود.  
حیای انگلستان صدمین سال ورود امر در آن دیار را در  
سال ۹۹۹ جشن خواهند گرفت.

